

تصمیم گرفتم خواننده باشم تا نویسنده

پیچ و خم‌های کتاب و کتابداری

گفت و گو با کامران فانی



بزرگترین سرمایه هر کشور، داشتن، دسترسی و استفاده از اطلاعات بیشتر است، این رمز بقادر دنیای مدرن است

کامران فانی را بسیاری علامه قزوینی زمانه لقب داده‌اند، اگرچه وی از این لقب تنها قزوینی بودنش را قبول دارد. اما نگاهی به کارنامه کاری و دانش و بینش این چهره فروتن عرصه کتاب نشان می‌دهد که این داوری درباره وی بیراه نیست. فانی برای فهمیدن و خواندن بیشتر تقریباً هر چیزی را کنار می‌زند. حتی وسوسه ترجمه برخی از آثار شاخص و نیز تألیف و نگارش کتاب‌هایی که از سوی ناشران فراوانی به وی سفارش و توصیه شده نیز سبب نشده تا وی نوشتن و ترجمه را بر خواندن کتاب ترجیح دهد.

۲۰

یاد

مصطفی رحیمی



او میزبان ما بود
در یک پاییز سرد

۸

خبر

بازاریابی بین‌المللی برای کتاب‌های ایرانی مورد حمایت قرار می‌گیرد

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از حضور ناشران ایرانی در نمایشگاه بین‌المللی کتاب گوتنبرگ حمایت خواهد کرد

نشست ادبیات داستانی کشورهای مسلمان در نمایشگاه کتاب فرانکفورت برگزار می‌شود

۲



سال‌های دور

۲۰۰ صفحه
۲ ریال!



گفت و گو با
دکتر ابوترابیان
مدرس علوم ارتباطات

۲۰

با انتشارات امید فردا و داود علی‌بابایی قمی

مشکلات ناشران احیاگر و نوآور

۱۸



تازه‌های دنیای دین
Islam:
A Thousand Years
of Faith and Power
اسلام: یک هزار سال
ایمان و قدرت

۱۹

گفت و گو با حافظ موسوی شاعر معاصر به انکیزه انتشار «شعرهای جمهوری»

شعر، تعادل و رهایی

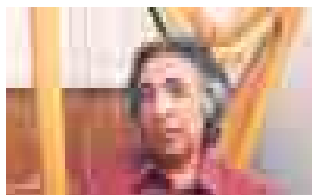
حافظ موسوی، از شاعران مؤثر در جریان شعری دهه ۷۰، با انتشار آخرین کتاب شعرش «شعرهای جمهوری» در ابتدای دهه ۸۰ حرف‌های تازه‌ای برای گفتن و شنیدن دارد. او تاکنون در عرصه‌های مختلف ادبیات و مطالعات تئوریک، فعالیت مستمری داشته است. که حاصل این فعالیت سه دفتر شعر منتشر شده «دستی به پنجره‌های مه گرفته دنیا»، «سطرهای پنهانی» و «شعرهای جمهوری» و مقالات متعدد است. به بهانه انتشار آخرین دفتر شعرش با او گفت‌وگویی انجام داده‌ام.

۱۰

فریدون ناصری، آهنگساز:

آل احمد و دانشور بر کتابخوانی
نسل‌ها تأثیر گذار بودند

۱۶



بررسی توزیع
خودسرانه کتاب
از سوی ناشران

۲

فراخوان

نخستین
نمایشگاه بین‌المللی
کتاب دین ۱۹

مدرسه

ما را دست کم
نگیرید



شادی جنان‌صفت
دانش‌آموز سوم راهنمایی:
نویسندگان فکر
می‌کنند دانش‌آموزان
زیاد نمی‌فهمند

۱۴

چوب بردارید

خانم فاطمه نیساری، با سلام، احتراماً همانگونه که خود نوشتید در مورد کتاب‌هایی که رنگ و هوای بومی دارند ضعیفید، در مورد اطلاعات نشر و ناشر هم ضعیفید. اگر نمی‌دانید، بدانید که کلیه امور تصحیح هر کتاب بخصوص تألیفی، با مؤلف می‌باشد و ما دو، سه و چهار نمونه می‌توانیم تألیف کنید، بعد به لیتوگرافی ارسال می‌نماییم. چنانچه حق ندارید از چیزی که اطلاع ندارید سخن به میان آورید و تهمت بزنید. ما اگر چند دوست دیگر مثل شما داشته باشیم نیازی به دشمن نداریم.

ممبر اولین ناشری بود که به شناختنامه کتاب هویت و شکل و فرم معقول داد. اولین ناشری بود که کتاب را با محافظ پلاستیکی، با سالم می‌باشد و ما دو، سه و چهار گرفتند. خدا را شکر، کاش همیشه کار خوب را همه یاد بگیرند. تلاش ما این بود تا کتاب‌های غیر از زمان همه دارای یادداشت باشند. نزدیک به پنجاه سال است می‌گوییم کسانی که دارای غرض هستند نباید قلم به دست گیرند، چون آبروی دیگران را ناقص به یاد می‌دهند. خانم نیساری، به یک نفر که خودتان قبول دارید کتاب را نشان دهید و سؤال کنید، اگر نگفت خود شما کم‌سابقه‌اید، هر چه خواستید بگویید. گویا ناشر باید از همه طرف بخورد و از همه حرف بشنود و همه جا حقتش پایمال شود. سارقان ادبی، با کتاب ما مؤلف می‌شوند و جایزه هم می‌گیرند، انگل‌های نشر، کتاب ما را چاپ می‌کنند و می‌گویند سی سال از فوت مؤلف گذشته است. آن شاه‌الله بزودی تصویرهای به قانون مؤلفان اضافه می‌شود که این مشکل حل خواهد شد. مردم هم می‌گویند کتاب گران است، ناشران هم کار ملاحظه‌الدین را می‌کنند؛ کاغذ گران‌تر از کتاب را کتاب می‌کنند و در انبار می‌گذارند. تنها کالایی که هر چه می‌ماند تنزل قیمت دارد و از این طرف هم درصد سهم پخش‌ها سیر صعودی دارد. ۳۰ درصد دارد به ۳۵ درصد می‌رسد.

خانم نیساری، امیدوارم راجع به موضوعی که می‌خواهید بنویسید کمی به خود زحمت بدهید و با چند تماس تلفنی از ریزه کاری‌های آن سر در آورید و همین‌طور چوب را برنارید و هر که را دم دست بود بزنید. آدم‌های بی‌نشانی که در کنار فرار گرفته‌اند که البته زحمات بیشتری هم کشیده‌اند، ممکن است از علایه داران با ارزش تر باشند. مؤسسه انتشارات پیام

تعدیل قیمت

با سلام، کتاب هفته از نظر محتویات مطالب و اطلاعات خوبی که در دسترس همگان قرار می‌دهد باعث خوشحالی است. لازم دانسته نظر شخصی خود را به جهت بهتر ارائه دادن مطبوعات در امر اطلاع‌رسانی به اطلاع برسانم.

۱- صفحه‌آرایی نشریه شما خوب به نظر نمی‌رسد. به اصطلاح عامیانه شلوغ شده است.

۲- قیمت فعلی کتاب هفته از ۲۵ تومان به ۱۰۰ تومان بسیار زیاد است و تعادل بهای آن ضروریست.

با تقدیم احترام، علی اکبر بازدید و حدتی انتشارات پیام فرهنگ، رشت

ششم

دو کتاب «هویدا» و «شعبان بی‌مخ» را جلو خود دارم و عرق شرم بر پیشانی‌ام ننشسته. من از این که روشنفکری ایران با آن همه پد و بیض‌چین دسته گل‌هایی به آب داده شرم کرده‌ام. این خجالت‌اما به کجا باید برود؟

نه تنها تاریخ سرزمین آریایی-اسلامی ما، بلکه تاریخ هر سرزمینی، تو بگو تاریخ همه جهان، هنگام بیماری، چنین تهوع کرده، موجوداتی مانند هویدا و شعبان بی‌مخ بالا آورده است. سؤال اما اینجاست که ارائه جهان از نگاه هویدا و شعبان بی‌مخ کدام درد را درمان می‌کند؟ جز اینکه روشنفکر برای ارائه این نگاه ناگزیر می‌شود در نهایت فضااحت کنار آنان بایستد و در نهایت دنائت، خواننده را نیز به کنار آنان بکشاند و از این رهگذر به دردهای بی‌درمان بیفزاید. تمامی راز انتخاب سالم و مسؤولانه هنری همین‌جا نیست؟

همیشه می‌گفتم اگر سانسور نباشد چنین و چنان می‌کنیم و بوق و کرنای ادعایمان گوش فلک را کر کرده بود، آیا این بود همه آن چه می‌خواستیم در غیاب سانسور انجام دهیم؟ که هویدا را روشنفکر بخوانیم؟ و سعی به ایجاد همدلی با شعبان بی‌مخ کنیم؟ و برای هویداهای و شعبان بی‌مخ‌های معاصر دلگرمی و مفر فراهم کنیم؟ علی‌القاعده ما باید خیلی مریض شده باشیم که چنین رسوایی به بار آورده‌ایم. من شرم کرده‌ام و دلم می‌خواهد از تمامی درخت‌هایی که تن و ریه‌اشان را برای کاغذ در اختیار گذاشته‌اند بپوش بطلبم. چنین تولیداتی مدلول چیست؟ آیا روشنفکری ما برای ارتزاق به زیاده‌گویی افزاده است؟ من از این ناپاکی خجالت می‌کنم و از اینکه در این نوشته، حتی در مقام افشاکری و مقابله، تا این حد به مزله نزدیک می‌شوم مشمتز شده‌ام. ناگزیرم اما، چرا که بخش عظیمی از روشنفکری، در حال غلبیدن سنگین به این ورطه هولناک است و در سقوط سهمگین خود بخش‌های دیگری را نیز همراه خود به اعماق مفاک خواهد کشاند.

براستی بر ما چه گذشته است؟ همان تاریخ بیماری که هویدا و شعبان بی‌مخ شرمسار تاریخ را سر بالا تکف کرده، لاجرم مبلغان آنان را نیز بالا آورده است؟

مسعود خیام

بچه‌ها کتاب بخوانید

در خانواده‌ای که پدر اهل کتاب بود رشد کردم و رفته رفته کتابخوان شدم. به کتابخانه‌ها می‌رفتم، به کتابفروشی‌ها سر می‌زدم و چون پول کافی نداشتم، کتاب گرایه می‌کردم (شبی یک ریال و نیم)... گذشت زمان، علاقه مرا به کتاب خواندن بیشتر می‌کرد. با کتاب و مجله و روزنامه به کلاس درس می‌رفتم و وقت استراحت بین دو زنگ کلاس را به کتاب خواندن می‌پرداختم. حتی، گاهی وقت‌ها سر کلاس درس کتاب می‌خواندم.

دردوران خدمت سپاه دانش و آموزگار سپاهی در سر کلاس درس در روستاها، نخستین جمله‌ای که بر بالابوی کلاس نوشتم چنین بود:

به نام خداوند بخشنده مهربان. بچه‌ها کتاب بخوانید. تشویق دانش آموزان به کتابخوانی را در سر داشتم. گاهی پنج دقیقه بیشتر یا کمتر یا اگر نمی‌شد یک جمله، یک خط از کتابی را به مناسبت‌های مختلف برای دانش آموزان می‌خواندم. سال‌های بعد، در مدارس راهنمایی و دبیرستان و سپس در دانشسراهای تربیت معلم به تدریس پرداختم و همان جمله را بر گوشه تابلو نوشتم؛ بچه‌ها کتاب بخوانید. باور کنید، همه دانش آموزان و دانشجویان و معلمان آبادان گواه این کار هستند. برای ترغیب و تشویق جوانان، همیشه با کتاب و مجله و روزنامه در کلاس‌ها حاضر شده و در هنگام تدریس، در استناد به مطالب ایراد شده، نام کتاب‌های ماخذ را روی تابلو می‌نوشتم و منابع را به دانش آموزان نشان می‌دادم. همیشه در حالت کار و استراحت چیزی برای خواندن داشتم، به طوری که همکاران و دانش آموزان و دانشجویان به من لقب کتابخانه سیار داده بودند. یکی دیگر از ابتکاراتم سر کلاس، پس از پایان درس و پرسش، رسیدگی به وضعیت کتابخوانی دانش آموزان بود. به

تناسب دقیقه‌های باقی مانده از یک یا چند دانش آموز می‌پرسیدم: آخرین کتابی که خواندید چه بود؟ کدام مجله یا روزنامه را مطالعه کردید؟ پاسخ، هر چه که بود، تأثیر خود را در ایجاد انگیزه و مطالعه دانش آموزان داشت و خواهی‌نخواهی برای زمانی نه چندان طولانی، من آنها را به سبب مطالعه متمایل می‌کردم و همین منظور مرا برآورده می‌کرد.

امروز به جرأت می‌توانم دل خوش کنم به اینکه در هر کلاس ۳۰ تا ۵۰ نفری لااقل یک نفر (فقط یک نفر) را به کتابخوانی علاقمند کرده‌ام و به عنوان نقطه عطف شغلی، به آن افتخار می‌کنم که هم و غم خود را به این مهم معطوف داشته‌ام. حال با در نظر گرفتن سرمایه عظیم انسانی که در کشور ما وجود دارد، یعنی بیست میلیون دانش آموز و نیز نزدیک به یک میلیون معلم، دبیر، استاد... چنانچه که هر کدام از ما برای مدت زمانی چندتاییه‌ای در سر کلاس‌ها به تبلیغ و ایجاد شور و شوق کتابخوانی میان جوانان و نوجوانان و کودکان کشور بکوشیم و مسؤولان کشور ساعته‌ای را به عنوان درس کتابخوانی به صورت رسمی در برنامه آموزشگاه‌ها و دانشگاه‌های کشور، الزامی کنند، فکر دقیقه تغییر کند. آری، سی سال تدریس و شاید ۳۰ هزار بار تکرار؛ کتاب بخوانید تنها علاقه مرا به حرکت جوانان به سوی کتاب و کتابخوانی نشان می‌دهد اما از آنجا که هدف هر معلمی ارتقای سطح فکری دانش آموزان از لحاظ علمی و تربیت معنوی آنهاست، خودم را از کارم راضی احساس می‌کنم.

با امید اینکه در آینده روز کتابخوانی، هفته کتابخوانی و سال کتابخوانی داشته باشیم.

عبدالكازم گل‌آوری - آبادان



میرزا غاسمی قائم مقام فراهانی دکتر غلام حسین زرگری‌نژاد

نشر بیغه - چاپ اول - ۱۳۸۰

میرزا غلام حسین زرگری‌نژاد (۱۳۸۰ - ۱۳۸۰) ... (The text continues with a detailed biography and list of works in Persian script, including titles like 'Ahkam al-Jihad' and 'Asbab al-Rishad').

برگ اشتراک کتاب هفته

نام و نام خانوادگی / مؤسسه / سازمان / نشانی: _____

تلفن: _____ نمایر: کد پستی: _____ صندوق پستی: _____

مدت اشتراک: _____ شش ماه یک سال

هزینه اشتراک برای یک سال تهران ۶۴۰۰۰ ریال / شهرستان ۶۸۰۰۰ ریال / (هزینه شش ماه نصف مبلغ ذکر شده است).

هزینه اشتراک برای یک سال خارج از کشور: گروه یک ۲۵۳۰۰۰ ریال، گروه دو ۲۹۰۰۰۰ ریال، گروه سه ۳۲۰۰۰۰ ریال

گروه ۱	گروه ۲	گروه ۳
جمهوری‌های آسیای نزدیک	اروپا	قاره آمریکا
ترکیه	شمال آفریقا	آسیای جنوب شرقی
	آسیای مرکزی و خاور دور، روسیه، هند و عربستان	آفریقای جنوبی، استرالیا و ژاپن

نحوه اشتراک: لطفاً پس از واریز وجه اشتراک به شماره حساب ۸۶۹۰۸۶۹۰۸۶۹۰۸۶۹ بانک تجارت شعبه فلسطین (قابل پرداخت در تمامی شعبه‌های بانک تجارت) به نام خانوادگی عضو اشتراک یا به همراه برگه اشتراک به نشانی خیابان قائم مقام فراهانی، خیابان فجر، شماره ۹، طبقه دوم، دفتر کتاب هفته و یا با نامبر ۸۸۴۰۱۹۹/۱ سال فرمایید.

برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره‌های ۸۸۴۰۱۹۹ و ۶۴۶۵۶۲۵ تماس حاصل فرمایید.

بازاریابی بین المللی برای کتاب های ایرانی مورد حمایت قرار می گیرد

اگر ناشر یا ناشرانی از طریق بنگاههای ادبی طرحی را برای بازاریابی کتابهایشان در نمایشگاههای جهانی کتاب ارائه کنند، مورد حمایت قرار خواهند گرفت.

محمدعلی شعاعی مدیر دفتر مجامع و فعالیت های فرهنگی با اعلام این مطلب گفت: نمایشگاه بین المللی کتاب گوتنبرگ از ۲۷ شهریورماه با حضور گروهی از ناشران ایرانی و ناشران خارجی در کشور سوئد برگزار خواهد شد. وی تأکید کرد: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در راستای حمایت از کتاب ایران، از حضور ناشران ایرانی در نمایشگاه بین المللی کتاب گوتنبرگ ۲۰۰۲ حمایت خواهد کرد.

وی افزود: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هزینه غرّفه ناشران شرکت کننده در این نمایشگاه را پرداخت می کند.

شعاعی اظهار داشت: البته وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در زمینه تبلیغات و بازاریابی کتاب های ایرانی در نمایشگاههای جهانی کتاب نیز با حمایت از بنگاههای ادبی که از پانزدهمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران فعالیت خود را آغاز کرده اند به شکل غیر مستقیم به نشر ایران کمک خواهد کرد.

نشست ادبیات داستانی کشورهای مسلمان در نمایشگاه کتاب فرانکفورت برگزار می شود

همزمان با پنجاه و چهارمین نمایشگاه بین المللی کتاب فرانکفورت نشستی تحت عنوان «ادبیات داستانی کشورهای مسلمان» برگزار می شود.

در این نشست که در تاریخ (۱۸مهر) در محل سالن بین المللی نمایشگاه برگزار خواهد شد ناشرانی از کشورهای الجزایر، تونس، مراکش، مصر، فلسطین، ایران و... شرکت دارند که به معرفی ادبیات شاخص کشورشان می پردازند. از کشور ایران نیز انتشارات روشنگران و نشر نی برای شرکت در این نشست دعوت شده اند.

از دیگر برنامه های پنجاه و چهارمین نمایشگاه کتاب فرانکفورت نشست افتتاح کنفرانس مطبوعاتی و شانزدهمین نشست بین المللی مدیران حقوق نشر است که سه شنبه ۱۸ اکتبر (۲۶مهر) برگزار می شود.

آذربایجان همواره در حوزه فکر و اندیشه نوآوری داشته است

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: آذربایجان همواره در حوزه فکر و اندیشه نوآوری داشته است.

احمد مسجد جامعی که در مراسم پرده برداری از پیکره ها و تجلیل از چهار شخصیت فرهنگی و خادم کتابخانه: حسین و محمد نجفجوانی، محمدعلی تربیت و دهقان در محل کتابخانه مرکزی این شهر سخن می گفت، نقش آذربایجان و چهره های شاخص ملی، دینی و شیعی این منطقه در نهضت های ملی و اسلامی را ستود و افزود: آذربایجان همیشه پایگاه حمایت از نهضت های ملی و اسلامی و وحدت و قیام های ملی بوده است. وی همچنین تأکید کرد: آذربایجان همواره

بررسی توزیع خودسرانه کتاب از سوی ناشران

توزیع خودسرانه کتاب توسط ناشران و نبود هماهنگی لازم بین ناشران و موزعان، به نابسامانی هایی در بخش فروش کتاب انجامیده است. این اظهار نظر در جلسه بررسی بحران فروش کتاب مطرح شد که سه شنبه هفته گذشته در اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران برگزار شد.

کیانیا، مدیر اتحادیه ناشران، در ابتدا از تابستان جاری، به عنوان سیاه ترین تابستان فروش کتاب نام برد، سپس از حاضران خواست تا در امر پخش کتاب، کلان نگری را دستمایه کار خود قرار دهند. وی همچنین از برگزاری دو سمینار تا پایان سال جاری در تهران خبر داد که در آن راهکارهای موفق توزیع کتاب مورد بررسی قرار خواهد گرفت. طاهیان، توزیع کننده کتاب های آموزشی در این جلسه گفت: سال ها پیش یک هیأت مراکز پخش راه اندازی کردیم، در حال حاضر نیز باید تشکیلی مشابه شکل بگیرد و فروش کتاب تا حد امکان به صورت نقدی انجام شود.

جعفری، مدیر نشر و پخش روایت نیز با انتقاد از وضعیت موجود فروش کتاب و ناهماهنگی در تخفیف هایی که از سوی پخش کنندگان، لحاظ می شود، گفت: مشکل ناهماهنگی در تخفیف ها با بیانیه و امضا حل نمی شود و باید به دنبال راهکاری عملی بود.

یکی دیگر از حاضران افزود: ناشران باید توزیع کنندگان خود را به رعایت موازین روز بازار کتاب موظف نمایند و با تعرفه مورد نظر اتحادیه، در فروش کتاب تخفیف قائل شوند.

هاشمی، از دیگر عوامل پخش کتاب، کتابفروشی با روش های متداول سنتی را بدون صرف دانست و گفت: در قیمت گذاری کتاب باید اتفاقی بیفتد که یک کتابفروش بتواند حداقل سی درصد تخفیف قائل شود، ضمن آنکه در اتخاذ تصمیم های جمعی در امور مربوط به حوزه نشر، کتابفروشان هم باید سهیم باشند. در انتهای جلسه در مورد نوع کمک های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به ناشران اظهار نظرهای متفاوتی شد. به طوری که برخی این کمک ها را به نفع بازار نشر کتاب می دانستند اما برخی دیگر معتقد بودند که اگر از پذیرش این کمک ها شامل خرید کتاب، اعطای یارانه و... لطمه ای به آنها وارد نمی کند.

حبیب دشتی درگذشت

معلم و راهنمای دلسوز جوانان ایرانی در انگلستان صبح روز ۱۱ مرداد بر اثر یک بیماری ناگهانی قلبی در سن ۷۲ سالگی در لندن درگذشت.

آقای حبیب دشتی در سال های قبل از انقلاب اسلامی از اعضای وزارت علوم بود و مدتی سرپرستی دانشجویان ایرانی را در انگلستان بر عهده داشت.

آخرین اقدام بار ارزش فرهنگی مرحوم حبیب دشتی تأسیس و راه اندازی کتابخانه حضرت زهرا(س) در رحمت آباد یزد بود که وی داوطلبانه خانه مادری خود را با صرف هزینه شخصی و کمک های مردمی که به او اعتماد کامل داشتند، به یک کتابخانه آبرومند تبدیل کرد تا کودکان و جوانان رحمت آباد از نعمت کتاب و مطالعه و دانش و آگاهی بیشتر بهره مند شوند.

گزارش خبری

تدارک برای برگزاری هفته کتاب

خانواده ها مورد تأکید قرار گرفت.

همچنین در راستای طرح کتاب در خانواده لزوم شرکت کودکان و نوجوانان در انتخاب و توزیع کتاب ها مورد بحث قرار گرفت.

سرمایه گذاری به منظور تربیت مشاوران کتاب از دیگر مباحث مطرح شده در نشست اخیر بود. بر این اساس قرار شد تا در صورت امکان کتابخانه های عمومی امکان استفاده از مشاوران کتاب در حوزه کتابخانه های خود را پیدا نمایند تا تخصص سن و سال، جنسیت مطالعه کنندگان، تشخیص علایق و شناخت ضرورت های مطالعاتی آنان، امکان استفاده بهینه از فرایند کتابخوانی را در سطح جامعه پیدا نمایند.

همچنین تأکید شد مشاوران بایستی با شناخت ارکان متعدد خانواده شامل همسر (زن و مرد)، کودک، نوجوان و جوان (دختر و پسر) آنان را در انتخاب کتاب همیاری نمایند.

همچنین استمرار کتابخوانی همگام با شناسایی نیازسنجی در خانواده مورد تأکید قرار گرفت.

نماینده سازمان تبلیغات اسلامی نیز پیشنهاد برگزاری نمایشگاههای کتاب در زمینه های متعدد شامل مذهب و دین، ادبیات، علمی و تاریخی را در طول سال و به صورت مستمر ارائه داد.

نماینده کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نیز لزوم برخورداری از تبلیغات در سطح گسترده در قالب برنامه های صدا و سیما، مطبوعات و دیگر ارگان ها را مورد تأکید قرار داد. وی پیشنهاد کرد تیزرهای تلویزیونی به منظور تبلیغ کتاب در صدا و سیما ساخته و پخش آن از سازمان آغاز شود.

نماینده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز گفت:



ویرایش
متون اجتماعی، تاریخی، سیاسی، هنری و...
۸۸۹۳۹۶۶

تسلیت
درگذشت زنده یاد مصطفی رحیمی مترجم و نویسنده نامدار رابه جامعه فرهنگی کشور و خانواده آن مرحوم تسلیت می گوئیم.
سر دبیر، شورای سردبیری و اعضای تحریریه کتاب هفته

نگاه اجمالی به آثار انتشار یافته راجع به زنان

نگذاشته‌اند. در هر حال این نقص در بیشتر مسائل مربوط به حقوق زنان بویژه در امر ازدواج و طلاق و مسائل مربوط به حضانت، اجرة المثل و... مشاهده می‌شود.

آنچه عرض شد بیشتر ناظر به نگاهی است که عمدتاً در کتب منتشره وجود دارد و گرنه بررسی و کاوش هر یک از مسائل، خود مقاله‌ها و نوشتاری مفصل و جدایی طلب که دانشمندان علوم مختلف جامعه‌شناسی و روان‌شناسی و حقوق‌دانان و فقها و اساتید رشته‌های گوناگون باید ضمن مبادله افکار و دانسته‌های خویش، بدان کمر همت بندند. طبیعی است که بانوان نیز



حداقل با بیان صورت مسأله و ارائه مصایب و مشکلات خویش «با نگرش شخصیتی» قدم‌های مهم برداشته، زمینه این امور و تعامل آراء و تبادل افکار را فراهم کنند.

در قلمرو قیاس زنان با مردان باید از ایجاد فاصله‌های تصنعی برگذشت و از همنوعی به همسایگی رسید. شاید ابتدایی‌ترین حرکت این باشد که از واژه‌ها خصوصاً در آثار که تأثیر مستقیم در عملکردها و حداقل، افکار دارد باید به درستی و سنجیده استفاده شود. یاد در مجلات و کتاب‌ها اگر صفحه‌ای مثلاً مناسبت بیشتری با جامعه نسوان دارد، بهتر است عنوان شود «مطالعه یا پژوهشی درباره بانوان» یا عنوانی مشابه دیگر تا اینکه صفحه خاصی را برای آنان قلمداد کردن، یا عنوان ساده «بانوان» بالای صفحه، این تصویر را در ذهن ایجاد می‌کند که مثلاً مردان این صفحه را نخوانند یا زنان صفحات دیگر را نخوانند، اینها مسائلی است که خانم‌ها باید بدان

کتب مربوط به زنان در زمینه‌های مختلف روانشناسی، جامعه‌شناسی، حقوق اجتماعی که خود شامل موضوعات مختلف و گسترده‌ای می‌شود از جمله مواردی است که منابع انگشت شماری به زبان فارسی دارد این امر وظیفه کسانی را که داعیه احقاق حقوق زنان و مطالعه راجع به آنان را بیشتر در خود احساس می‌کنند، سنگین تر می‌نماید.

قلم منابع چه در قسمت تألیف و چه ترجمه در این عرصه به حدی است که متأسفانه با تعداد انگشتان دست نیز فاصله زیادی دارد. بدیهی است در چنین صورتی انتظار حرکتی نو از

مطالعه کنندگان این رشته کاملاً دور از انتظار است، به طور مثال وقتی در بحث «روانشناسی زن» فقط کتاب خانم دکتر نوایی نژاد موجود است در زمینه «جامعه‌شناسی زنان» نیز وضع به همین منوال است. در اینجا وظیفه مهم زنان فرهیخته این است که حداقل به ترجمه کتاب‌های متفن و محققانه در این زمینه بپردازند تا این کاستی کمی جبران شده و در مرحله بعد زمینه‌های تحقیق و پژوهش و «تألیف و زین و محکم فراهم شود.

در زمینه کتب حقوقی مربوط به حقوق خانواده و یا حقوق زن در مقام همسر دارای آثار پرمحتوا و وزین به وسیله حقوق‌دانان و اساتید بزرگوار تألیف شده است. به عنوان مثال کتاب آقای دکتر ناصر کاتوزیان یا کار مشترک آقایان دکتر صفایی و دکتر امامی در زمینه حقوق خانواده همچنین کتاب دکتر محقق داماد و کتاب «حقوق خانواده» اثر دکتر لنگرودی که در سال‌های دور نوشته شده ولی نظر به بضاعت وافی و پیشکسوتی ایشان در امور حقوقی هنوز هم منبع و مستند است.

نکته مهم در این تألیف‌ها این است که علیرغم زین علمی کارساز و اصیل مؤلفان عدم ارائه راهکارها و فقدان تحلیل کاستی‌های حقوق مربوط به زنان از جنبه‌های مختلف ایراد محسوب می‌شود. شاید در بعضی موارد، مؤلفان قضایا را به عمد مطرح نکرده و مسأله را به مذاقه

مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی



مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی، دنی کوش، فریدون وحید، تهران، چاپ اول: ۱۳۸۱، انتشارات سروش، ۲۱۰ صفحه، ۹۵۰ تومان
در این کتاب دنی کوش انواعی از فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌های گروهی و قومی مهاجران را بررسی و معرفی می‌کند و درباره کثرت‌گرایی فرهنگی که از پیامدهای افزایشی مهاجرت است توضیح می‌دهد.

یادداشت

محمد هاشم اکبریانی

کتاب (۳) نویسنده/ناشر



حرفه‌ای نبودن نویسندگی و فقدان شکل صحنی در میان نویسندگان که از حقوق مادی و معنوی آنها حمایت کند، دو موضوعی بودند که در دو شماره گذشته به آنها پرداخته شد. در این شماره به رابطه نویسنده و ناشر می‌پردازیم.

در میان نویسندگان هستند گروهی که نه تنها مشکلی با ناشران ندارند، بلکه از امتیازاتی چون دریافت پیش پرداخت حق تألیف نیز بهره می‌برند. این گروه آن بسیار اندک هستند چند دسته را شامل می‌شوند: اول نویسندگانی که فعالیت مداوم در یک رشته (رمان، تاریخ، سیاست و...) داشته و خوانندگان نسبتاً زیادی به مطالب آنها توجه داشته و خریدار کتاب‌هایشان هستند، دوم کسانی که خود نویسنده نیستند اما به دلیل جایگاهی که مثلاً در سیاست داشته‌اند کتاب‌هایشان پرخواننده بوده و لذا ناشران به آنها براحتی امتیاز می‌دهند، سوم عامه پسند نویسانی که با توجه به تجربه کارهای قبلی آنها ناشران را به سمت خود می‌کشانند.

اما در کنار این عده - که البته می‌توان نویسندگان و افراد دیگری را نیز به آنها اضافه کرد - بسیاری از نویسندگان در رابطه خود با ناشر دچار مشکل هستند که بی‌تردید ناشران نیز توجهات خاص خود را در بروز آن دارند. اما مشکلات این عرصه:

۱- از مهمترین مشکلاتی که نویسندگان در ارتباط با ناشران دارند، تجدید چاپ آثارشان بدون هماهنگی و پرداخت حق تألیف است. فراوان دیده شده است که ناشری، بدون کسب اجازه از نویسنده اقدام به انتشار مجدد کتاب وی کرده است به طوری که نویسنده پس از به بازار آمدن کتاب متوجه چاپ مجدد کتاب خود شده است. در این باره علاوه بر بی‌بهره ماندن نویسنده از حق تألیف، این حق نیز از وی سلب شده است که بتواند اصلاحات مورد نظر خود را که بسیار هم طبیعی است در چاپ جدید اعمال کند. متأسفانه مرجعی که بتواند در این زمینه کمک جدی به نویسنده بکند وجود ندارد و تنها در اتحادهای ناشران و کتابفروشان، بخشی به این موضوع می‌پردازد که آن هم به دلیل نداشتن اهرم‌های اجرایی، کارایی مورد نظر را ندارد.

۲- اتفاق افتاده است که ناشری، نوشته‌ای را از نویسنده دریافت می‌کند تا آن را به چاپ برساند اما سال‌ها می‌گذرد، کتاب منتشر نمی‌شود و ناشر حتی حاضر به برگرداندن نوشته به نویسنده نیز نیست. نویسنده‌ای می‌گفت، ناشری دست نوشته‌های او را برای چاپ گرفته است و پس از گذشت ۲۲ سال هنوز که هنوز است کتاب چاپ نشده و متأسفانه به دلیل سپردن اصل نوشته به ناشر و عودت ندادن آن، هیچ راهی برای چاپ توسط ناشر دیگر نیز وجود ندارد. آنچه در این باره حائز اهمیت است، سوخته شدن موضوع نوشته است. چنانچه ناشری نوشته‌ای را به نویسنده می‌دهد که در برهه‌های خاص در جامعه روی می‌دهد اقدام به نوشتن می‌کند ولی از آنجا که ناشر زمان را برای چاپ کتاب طولانی می‌کند، موضوع، «به روز» بودن خود را از دست داده و در صورت چاپ نیز مخاطب چنانچه نخواهد داشت، زیرا مسائل دیگری در جامعه مطرح شده‌اند که جای مسائل قبلی را گرفته‌اند. توجه ناشر در این مورد بیشتر وضع بد مالی است که به هیچ روی موجه نیست.

۳- حق تألیف: حق تألیفی که از سوی ناشر به نویسنده پرداخت می‌شود بسیار اندک است، این امر خصوصاً در مورد نویسندگانی که هنوز به اعتباری نرسیده‌اند حادتر است.

البته ناشران، استدلال می‌کنند که وضع نشر کتاب نابسامان است و مهمتر اینکه شمارگان کتاب نیز به حدی پایین است که امکانی برای پرداخت بیشتر به نویسنده وجود ندارد. خلاصه آنکه میزان حق تألیف در ایران به اندازه‌ای نیست که بتواند کفاف زندگی نویسنده را تأمین کند.

نکته مهم دیگر در مورد حق تألیف، چگونگی پرداخت آن است. ناشران معمولاً حق تألیف را به صورت درازمدت پرداخت می‌کنند که گاه چک‌های یک ساله به نویسنده می‌دهند. تأسف بارتر از همه زمانی است که ناشر به جای حق تألیف، به همان میزان کتاب در اختیار نویسنده قرار داده و آن را به عنوان حق تألیف حساب می‌کند. در این شرایط نویسنده که هیچ آشنایی با توزیع کتاب نداشته و موزعان نیز حاضر به بخش کتاب‌ها نمی‌شوند، نمی‌تواند اقدامی انجام دهد جز آن که کتاب‌ها را در انبار خود نگاه دارد یا به دوستان و اقوام هدیه کند!

۴- گردآوری مقالات، یادداشت‌ها و گفت‌وگوهای یک نویسنده توسط یک ناشر و چاپ آن به صورت کتاب، بدون اخذ اجازه از نویسنده از دیگر مواردی است که به کتاب‌سازی شهرت یافته و گرچه امروزه از تعداد این گونه موارد کاسته شده اما متأسفانه هنوز در برخی موارد گریبانگیر نویسندگان است.

کتاب عصر جهانی نقد می‌شود

کتاب «عصر جهانی» نوشته مارتین البرو ۲۳ مرداد در مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها نقد و بررسی می‌شود.

در این نشست دکتر نادر سالارزاده مترجم کتاب عصر جهانی درباره نحوه ترجمه و محتوای کتاب سخنرانی خواهد کرد.

مجموعه نشست‌های نقد و بررسی کتاب‌های علوم اجتماعی هر چهارشنبه از ساعت ۱۶ تا ۱۸ در ساختمان مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها برگزار خواهد شد.

توجه کنند و در عمل نیز اهتمام ورزند تا نتایج این تأثیرات فرهنگی خود را که بسیار زیربنایی هم هست هر چند در درازمدت، ملاحظه کنند. شاید در نگاه اول و سطحی به قضیه این مسأله چندان مهم جلوه نکند ولی دید بصیرانه و نگرش اساسی و فرهنگی ابعاد مسأله و عمق آن را بیشتر روشن می‌کند. از قرآن الگو بگیریم که چقدر در واژه‌گزینی دقت و ظرافت بکار برده، همین را معیار و اسوه قرار دهیم در همه مسائل، از جمله امور مربوط به زنان، فقط از این نظر که نیمی از جامعه را بهتر بگیریم کل آن را تحت تأثیر خویش قرار می‌دهد ویژگی خاص و حساسیت بسزایی دارد.

نظرات فقهایی مثل آیه‌الله موسوی بجنوردی به صورت مقاله و مصاحبه و ترجمه نظرات آقای علامه شیخ فضل‌الله که به صورت کتابی منتشر شده است که در آن خانم‌های لبنانی شیعه مذهب که از این نظر و مسائل دیگر وضعیت مشابه با زنان ما دارند، سؤال‌های از ایشان انجام داده‌اند که به لحاظ فقهی ایشان پاسخ گفته‌اند. نفس این پرسش و پاسخ بسیار بارز و حساس است که البته جادارد تألیفات بسیار بیش از اینها در جامعه وجود داشته باشد.

در آخر باید توجه داشت بدون حصول تحول فکری و فرهنگی که لازمه زمان و زنان ما نیز هست (بانوان بدانند آغازگر این تحول فرهنگی و فکری باید خودشان باشند تنها در چنین صورتی است که اقتدار ریشه‌دار در اجتماع کسب می‌نمایند در غیر این صورت هر چه به دست آورند ظاهری خواهد بود و نهایتاً به نحوی هادم شخصیت ایشان) جامعه نسوان یا بهتر بگوییم جامعه انسانی به پیشرفت و ترقی و حتی توسعه پایدار نخواهد رسید، در چنین صورتی است که بسیاری معضلات و مشکلات ایشان برای همیشه با توجه به مقتضیات کنونی حل خواهد شد.

بدیهی است موارد دیگر راجع به امور مطالعاتی زنان و آثار منتشر شده فعلی می‌بایست بیان گردد لیکن در اینجا به همین بسنده می‌کنیم.

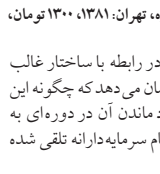
کتاب‌تک

دولت، مردم و همگرایی

دولت، مردم و همگرایی (۲ جلد)، محسن فردرو، اصغر رضوانی، آن، چاپ اول: ۱۳۸۱، قطع رقیعی، دوره ۴۹۰۰ تومان.

این کتاب گزیده‌ای از مقالات ارائه شده در مجموعه گردهمایی‌های «دولت و مشارکت مردمی» است در این مجموعه دو جلدی درباره مشارکت فرهنگی و اجتماعی و مشارکت سیاسی و وفاق اجتماعی مقالاتی ارائه شده است. این مجموعه با همکاری اداره کل دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی و ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌های اردبیل، قزوین، کردستان، کرمان، گلستان، خوزستان و سیستان و بلوچستان تدوین شده است.

مصرف



مصرف، رابرت باکات، خسرو صبری، شیرازه، تهران: ۱۳۸۱، ۱۳۰۰ تومان، قطع رقیعی.

کتاب حاضر به تغییر نقش مصرف در رابطه با ساختار غالب اقتصادی در کشورهای غربی پرداخته و نشان می‌دهد که چگونه این پدیده که در واقع عقلانی شدن و محدود ماندن آن در دوره‌ای به عنوان یکی از عوامل اساسی در برآمدن نظام سرمایه‌دارانه تلقی شده است.

نویسنده مطالعه این مفهوم را امری الزامی در مطالعات جامعه‌شناسی در عصر حاضر به شمار می‌آورد. تلاش برای ارائه نتایج مثبت و منفی گسترش مصرف به طبقات اجتماعی مختلف و نیز صورت‌بندی‌های اجتماعی - سیاسی متفاوت یکی از ویژگی‌های کتاب حاضر را تشکیل می‌دهد.

نشر کتاب و سیاست های حمایتی دولت در دهه هفتاد

اقتصاد نشر کتاب در ایران اقتصادی وابسته به دولت است. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که عمده ترین نهاد اجرایی دولت در زمینه سیاست های نشر کتاب می باشد، در دهه هفتاد با پیگیری سیاست های متنوع در این حوزه سعی در بهبود شاخص های فرهنگی نشر کتاب در کشور کرده است. در یک طبقه بندی تحلیلی از انواع سیاست های دولتی در حوزه اقتصاد نشر کتاب در کشور می توان سه نوع سیاست عمده را برشمرد؛ سیاست های مالی، سیاست های تنظیمی و سیاست های ترویجی.

منظور از سیاست های مالی (Budgetary policy) «سیاست های است که هر نوع اقدام دولت در حوزه تولید و مصرف کالاها و خدمات بخش مورد نظر، مستقیماً در درآمد یا مخارج دولت انعکاس پیدا می کند. برای مثال دولت برخی فعالیت های تولیدی در بخش فرهنگ و هنر مانند فعالیت های مطبوعاتی و انتشاراتی را از پرداخت مالیات معاف می نماید و در نتیجه درآمدهای مالیاتی آن کاهش می یابد. در مقابل این اقدام که به حوزه درآمدی دولت مربوط می شود تولید کالا یا خدمات فرهنگی و هنری مانند ایجاد شبکه های رادیو تلویزیونی دولتی در کشور مستلزم صرف هزینه هایی است که در قسمت مخارج دولت منعکس می شود. سیاست های تنظیم بازار (Regulatory policy) در هر بخش، آن دسته از اقدامات دولت را در بر می گیرد که ضمن وضع محدودیت ها یا برقراری مشوق ها درصدد تجدید یا گسترش تولید یا مصرف خصوصی محصولات مورد نظر در آن بخش است. اما با وجود روشن بودن منظور از اصطلاح سیاست های ترویجی به سادگی نمی توان تعریفی از آن ارائه داد. مثلاً اگر چه سیاست ترویجی، چون به هر حال متضمن صرف هزینه ای است، سیاستی مالی نیز محسوب می شود اما به هیچ عنوان نمی توان هر گونه سیاست مالی را سیاستی ترویجی در نظر گرفت. این گونه سیاست ها به لحاظ اهداف و گستره جمعیت هدف از سیاست های مالی و تنظیمی قابل تمایزند.

عمده سیاست های اجرا شده توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در حوزه اقتصاد نشر کتاب در کشور نظیر اعطای بن خرید کتاب به مصرف کنندگان کتاب، معافیت ناسران مالیاتی، تحویل فیلم و کاغذ با ارزش دولتی به ناسران، خرید کتاب و ارائه وام کم بهره به ناسران و ایجاد نمایشگاه های کتاب در سطوح مختلف و گسترش کتابخانه ها، سیاست های مالی یا تنظیمی هستند. با یک نگاه اجمالی بر سیاست های دولت در حوزه نشر کتاب به سادگی می توان ناسران محور بودن این سیاست ها را تشخیص داد به طوری که به نظر می رسد پیش فرض سیاست گذاران در این سال ها این بوده است که با حمایت از نگاهاهای انتشاراتی در کشور می توان شاخص های فرهنگی حوزه کتاب را ارتقا داد. دولت در این سال ها مبالغ هنگفتی را صرف حمایت از ناسران کشور کرده است و در این میان ابعاد دیگر نشر از سر غفلت یا ضرورت و یا به روشی دستوری از اهداف سیاست گذاری های دولتی دور مانده و یا بهره چندانی نبرده است.

اما آیا تمرکز حمایت های دولتی بر ناسران باعث شده است تا تولید کتاب در ایران دارای جایگاه های مستحکم و نهادی شود؟ اگر منظور دولت از تمرکز حمایت ها بر ناسران افزایش تعداد ناسران در کشور بوده است که به سادگی می توان ادعا کرد توفیقات دولت در این سیاست زیاد و حتی حیرت آور است. اما اگر بخواهیم جدی تر به طرح سؤال در این زمینه بپردازیم باید بررسییم آیا پیگیری سیاست های حمایتی ناسر محور دولت در دهه هفتاد سازمان و نهادی ریشه دار برای تولید کتاب در کشور ایجاد شده است یا خیر؟ معادل بسیار پایین تعداد کتاب های تولیدی توسط ناسران و نسبت بسیار پایین ناسر دارای بیش از صد کتاب در سال (از میان چند هزار ناسر دارای پروانه نشر به نظر نمی رسد که بیشتر از ۱۰۰ تا ۲۰۰ ناسر بیشتر از صد کتاب در سال تولید کنند) اگر چه دلیلی قطعی برای اعلام شکست دولت در این نوع سیاست گذاری ارائه نمی کند اما نمی توان از دلالت روشنی آن بر توفیق کم دولت در این زمینه چشم پوشی کرد.

سیاست های حمایتی دولت در دهه هفتاد با وجود توفیق در بعضی ابعاد قابل انتقاد است و اگر به بهره وری و کارایی به عنوان اصل در هر گونه سیاست گذاری معتقد باشیم باید که ضمن بررسی راه پیروده شده در این دهه معایب را کشف کرده و اقدام به اتخاذ سیاست های کارتری در این زمینه کرد.

به خاطر شهروندان

گفت و گو با حسین علی اکبرخانی مسؤل برگزاری جمعه بازار کتاب اصفهان



شهرداری اصفهان در سال ۱۳۷۳ به منظور گسترش فرهنگ مکتوب و کتابخوانی اقدام به راه اندازی و ایجاد جمعه بازار کتاب در محدوده شهر اصفهان کرد. این طرح به ابتکار آقای حسن فقیهیان شروع شد و تا به امروز فعالیت خود را ادامه داده است. این جمعه بازار تحت حمایت «مؤسسه ساماندهی شهری» شهرداری اصفهان قرار دارد. به این بهانه با اکبرخانی مسؤل برگزاری جمعه بازار کتاب گپی کوتاه داریم.

برای برگزاری جمعه بازار از چه افرادی دعوت می کنید؟ به طور کلی همه شهروندان، کتابفروشان و کسانی که به نحوی با فرهنگ مکتوب سرو کار دارند، می توانند هر هفته روزهای جمعه بدون هیچ واسطه ای به عرضه کتاب خود در این مکان اقدام نمایند.

این جمعه بازار چه مساحتی را در بر می گیرد؟ حدود هزار متر مربع را در پارک شهید رجایی به محل برگزاری جمعه بازار کتاب اختصاص داده ایم. در این وسعت چند غرفه فعال هستند؟

برابر آمار موجود در هفته های مورد گزارش حدود ۱۳۳ غرفه فعال هستند که از این تعداد بیش از ۹۲ غرفه اختصاص به خرید و فروش و مبادله کتاب دارد و بیش از ۲۸ غرفه مختص به آثار صوتی-تصویری و آموزشی است و بقیه غرفه ها اختصاص به لوازم التحریر و صنایع دستی دارد.

از فعالیت های جانبی جمعه بازار بگویید. از جمله فعالیت های این جمعه بازار برگزاری مسابقه کتابشناسی است که هر هفته برگزار می شود

۱۰ درصد اردانش آموزان، ۱۵ درصد دبازنشستگان و ۱۰ درصد را دیگر اقشار مختلف جامعه تشکیل می دهند و تنها ۵ درصد از این غرفه داران سابقه نشر و کتابفروشی دارند. از اهداف شکل گیری این جمعه بازار بگویید.

از اهداف می توان به: ترویج و تشویق کتابخوانی و توسعه فرهنگ مکتوب؛ ایجاد زمینه مناسب جهت داد و ستد و مبادله کالاهای فرهنگی؛ صرفه جویی اقتصادی بایه گردش در آوردن کتاب های مورد نیاز علاقه مندان و دیدار نمودن یک نمایشگاه و فروشگاه هفتگی کتاب جهت صرفه جویی در وقت شهروندان، اشاره کرد. آیا از دیگر استان های کشور هم در این نمایشگاه غرفه دارند؟

ببینید اصفهان اولین شهری است که اقدام به برگزاری این نمایشگاه کرده و در طول این چند سال هیچ ناشری از شهرهای خارج استان در این نمایشگاه شرکت نکرده بلکه در نمایشگاه های فصلی که به مناسبت های مختلف برگزار می شود حضور داشته اند و بعد از اصفهان شهرهایی مثل مشهد هم اقدام به برگزاری این قبیل نمایشگاهها کرده اند.

از طرح های آینده بگویید. جمع آوری کاغذ باطله و اهدای کتاب، ایجاد ایستگاههای نقاشی و خوشنویسی برای کودکان و انتخاب غرفه نمونه در پایان هر ماه و واگذاری تسهیلات ویژه به این غرفه را می توان از جمله طرح هایی نامید که در آینده ای نزدیک جامه عمل می پوشد.

و با اهدای جوایز به افراد برگزیده خاتمه می یابد. از دیگر فعالیت ها می توان به سخنرانی توسط صاحب نظران پیرامون مباحث فرهنگی، اجتماعی و تاریخی اصفهان و بویژه نکو داشت شاعران و نویسندگان کشور اشاره کرد. در کنار این جمعه بازار در محلی دیگر کتاب به شیوه سنتی ارائه می شود و در محلی دیگر تمام روزنامه های منتشر شده در طول هفته، تحت عنوان (یک هفته با مطبوعات) به صورت صحافی شده در اختیار بازدیدکنندگان قرار می گیرد.

اجرای موسیقی اصیل همراه با شعرخوانی شاعران معاصر هم از دیگر برنامه های جنبی این جمعه بازار است.

فروشنده های این غرفه ها را معمولاً چه افرادی تشکیل می دهند؟ حدود ۶۰ درصد از فروشندگان را دانشجویان،

محمد مهدی بهاری مدیر انتشارات ایما (شیراز):

بیشتر در حوزه ادبیات فعال هستیم

آمنه فرخی

مختر است. اهم تولیدات ما بدون مخاطب می ماند پس اینکه اثر را در نمایشگاه های تفریحی یا بین المللی ارائه کنیم. به هر صورت ما از لحاظ اقتصادی خیلی لطمه می بینیم. نظرتان در رابطه با تبلیغات در رسانه های عمومی چیست؟

این مسأله همیشه مشکل ما بوده در اکثر مواقع دو، سه روز بعد از شروع نمایشگاه کار تبلیغات در رسانه ها به صورت سوتیر یا زیر نویس انجام می شود. ما عادت نکرده ایم قبل از شروع کار تبلیغاتمان را ارائه دهیم. این مسأله یک حرکت فرهنگی است ما بارها به مسؤلان گفته ایم که از چند روز قبل کار تبلیغات را انجام بدهند. اطلاع رسانی باید قوی باشد. طبیعی است اگر مردم خبردار شوند بیشتر استقبال می کنند.

از پروژه های جاری و آتی نشرتان بگویید؟ ادامه مجموعه نقدها را در دست داریم «مجموعه نقد آثار هدایت و جمالزاده» و همینطور «کالبد شکافی رمان فارسی» کاری از عبدالعلی دستغیب.

کتاب شهرستان

پارمیدا، برگشتی؟

کی برمی گردی پارمیدا، نصرت الله سعودی، نشر افلاک، چاپ اول: ۱۳۸۱، ۴۰۰ تومان.

کتاب حاضر شامل ۱۲قطعه از شعرهای سپید و کوتاه شاعر است. اکثر اشعار این مجموعه خطاب به دوم شخص غایب سروده شده اند. از این شاعر تاکنون مجموعه «به لهجه برگ به بام آبان» توسط نشر افلاک به چاپ رسیده است. مسعودی که متولد ۱۳۳۲ است، دم از شاعری دیر رسیده می زند که از زبان راحتی سود می برد.

پارمیدا/من خرابم یا جاده جنون می آورد/و یا جهان /بی قطب نما/در گام های حیرت خودر به لکت افتاده است.

تهرانی کمک می شود و همه اینها به دلیل ضعف در کار تعاونی است.

آیا طرحی که در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با عنوان واگذاری صدور مجوز کتاب و نشر به ادارات کل استان ها، مطرح شده تا به حال در استان شما جامه عمل پوشیده؟

خیر ما هنوز به وزارتخانه مراجعه می کنیم. قبل از اینکه این طرح تفویض اختیار شود، می بایست امکاناتش در استان ها موجود باشد. در وزارتخانه کار به این صورت است که کتاب را به صاحب نظرها می دهند و بعد از بررسی، کتاب به تأیید وزارتخانه می رسد. قطعاً امکان پذیر نیست که در تمام حوزه ها در شهرستان کارشناس مربوطه حضور داشته باشد بنابراین در این مورد باید از امکاناتی که در تهران است، استفاده کرد.

از سختی های راه بگویید. برای گرفتن سهمیه کاغذ و زینک به لحاظ دور بودن از مرکز دچار مشکلیم. اگر سهمیه شهرستان ها عادلانه در وزارتخانه تقسیم و در استان ها توزیع شود خیلی بهتر است. مشکل دیگر عدم وجود مراکز

از سابقه نشرتان بگویید و اینکه چه تعداد کتاب منتشر کرده اید؟

دو سال پیش موفق به دریافت پروانه دائم شدم و ۲۳ عنوان کتاب در طول این مدت منتشر کرده ام. چه تعداد از این کتاب ها با چرخه نشر در گردش هستند؟

تعداد زیادی از این کتاب ها تجدید چاپ شده مثلاً مجموعه «نقد آثار دولت آبادی» و «مجموعه نقد آثار چوبک» به چاپ دوم رسیده اند.

دلیل اصلی اینکه کار نشر را انتخاب کردید، چه بوده است؟

اولاً علاقه به حوزه ادبیات و دیگر اینکه قبلاً به کار چاپ و لیتوگرافی مشغول بودم و همزمان با آن هم کار نشر را هم پیگیری کردم.

شاخه تخصصی فعالیت شما چیست؟ بیشتر در حوزه ادبیات فعال هستیم. اما آثاری در خصوص کودک و نوجوان، جغرافیا و تاریخ و حتی کتب دانشگاهی هم منتشر کرده ایم.

ارتباطتان با شرکت تعاونی ناسران چگونه است؟ متأسفانه تعاونی ناسران در استان ما انسجام لازم ندارد. تشکل تعاونی به نفع تک تک اعضا است به شرطی که همه اعضا علاقمند و به طور فعال پیگیر باشند. در اینجا ۳۶ نفر داریم که اکثر آن بازنشستگان آموزش و پرورش هستند و کار نشر را

به عنوان زنگ تفریح و کار دوم پیگیری می کنند و حرفه ای عمل نمی کنند. بنابراین توقع کار منسجم را نمی توان داشت. نشر شما در بخش خصوصی فعال است یا دولتی؟ در بخش خصوصی فعال هستیم.

آیا از نهادهای دولتی کمکی به نشر شما می شود؟ متأسفانه هیچ حمایتی از ما نشده، کمک های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در حد سهمیه کاغذ و زینک بوده آن هم نه به صورتی که به ناسران



جلسه شورای مشورتی ناشران ایران در خراسان برگزار شد

نخستین جلسه شورای مشورتی ناشران ایران در مراکز استان‌ها صاحب روز پنجشنبه دهم مردادماه در شهر مشهد برگزار شد. در این نشست که با حضور مسؤولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، علی اصغر رمضانپور معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مجید صیادی مدیر کل مراکز و روابط فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، محسن رضایی مشاور فرهنگی، مدیر کل ارشاد اسلامی استان خراسان و مدیران تعاونی‌های ناشران استان‌های تهران، کرمان، قم، یزد، خراسان، اصفهان، شیراز و همدان برگزار شد، در ابتدا گزارشی از عملکرد تعاونی ناشران استان خراسان قرائت شد.

رئیس هیات مدیره تعاونی ناشران خراسان در گزارش خود از انتشار ۱۶۱۵ عنوان کتاب با شمارگان ۷ میلیون و ۲۴۸ هزار جلد خبر داد. به گفته معینی از این میان ۸۹۵ عنوان کتاب برای اولین بار در استان چاپ و منتشر شده‌اند. وی واردات کاغذ به این استان را ۲۰۰۰ تن اعلام کرد. وی همچنین ضمن اشاره به مشکلات خرید و تعویق در

ساخت شهر چاپ با وسعت ۵۶۰۰ متر، زیان‌دهی شرکت تعاونی ناشران این استان را در همین مورد ۱۳۰ میلیون تومان عنوان کرد. معینی در بخش دیگری از سخنان خود به مشارکت تعاونی ناشران استان خراسان در برگزاری نمایشگاه‌های کتاب استانی در سال‌های ۷۹ و ۸۰ اشاره کرد.

در ادامه مدیر کل مراکز و روابط فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مشکل نشر و چاپ در این استان را حل‌نشدنی توصیف کرد. مجید صیادی ایجاد تغییر در سیاست‌های نشر در سال ۸۱ را منتفی دانست و اعلام کرد در بهای عرضه کاغذ پارانه‌ای تغییر حاصل نشده و تنها شیوه آن تغییر کرده است.

به گفته صیادی از اسامیل تا مبلغ ۱۵۵ تومان پارانه به ناشران پرداخت می‌شود و ماه به تفاوت پارانه به ارزش ارزی ۸۰۰ تومان توسط بانک رفاه پرداخت خواهد شد. وی ابراز امیدواری کرد که بروی نیاز مصرف کاغذ سال جدید براساس پیشنهادها تأمین شود و افزود: تأخیر اخیر به دلیل عدم مشخص بودن وضعیت کاغذ بوده است. مدیر کل مراکز و روابط فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ضمن ابراز امیدواری، به ناشران گفت: مادر سال ۸۱ هیچ نگرانی در تحویل کاغذ ناشران و میزان سهمیه ناشران نداریم و در بخش وام نیز از ابتدای سال با تلاش دوستان این امکان فراهم شده تا ناشران شهرستانی و استانی بدون نیاز به مراجعه به تهران، از طریق شعب بانک رفاه در سراسر کشور نسبت به تهیه وام خود اقدام نمایند.

وی همچنین از رسمی شدن طرح ثبت حق مالکیت اثر در روزهای آینده خبر داد و افزود: یکی از راه‌های ایجاد امنیت شغلی در نشر، ثبت مالکیت آثار است. بر اساس طرح اخیر هر نویسنده‌ای می‌تواند ثبت اثرش، شماره ثبت مالکیت دریافت نماید و اثرش غیر قانونی اثر خود جلوه‌گیری نماید. صیادی امکان استفاده از این طرح در بخش آثار ترجمه شده را به پیوند ایران به سازمان

مالکیت معنوی موکول دانست و اضافه کرد: این طرح ما را بر آن داشت تا فاصله زمانی از صدور مجوز و حق مالکیت معنوی را بسیار نزدیک به هم یا در یک زمان واحد پیش‌بینی نماییم. مدیر کل مراکز و روابط فرهنگی وزارت ارشاد از طرح اتحادیه تعاونی‌های ناشران استقبال کرد و آمادگی دولت برای همکاری این اتحادیه در قالب یک تشکل کشوری و سراسری را مورد تأکید قرار داد.

وی هر گونه تغییر در صدور مجوز کتاب در سال جاری نسبت به سال قبل را منتفی دانست و اضافه کرد: کماکان ملاک عمل مادر



صدور و مجوز کتاب، مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی است و در همین چارچوب تلاش داریم از تمام ظرفیت‌های این زمینه استفاده نماییم. مادر گذشته، موارد ابهام را که ناشی از فنی بودن برخی بندهاست از طریق نظر شورا و گفت‌وگو با کارشناسان برطرف نماییم. وی تصریح کرد: مادام که مصوبه اخیر اصلاح نشده و تغییری در آن حاصل نشده، آزادی بیان و نشر مورد تأکید ماست مگر مواردی که قانون مرز آن را در زمینه اخلاق در مبانی اسلام و عدم حرمت حقوق عمومی روشن کرده است. در ادامه مشاور فرهنگی معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به تشریح برنامه‌های هفته کتاب پرداخت.

رضایی گفت: ما هنوز موفق به ایجاد ستاد خاصی در حوزه بخش غیر دولتی در هفته کتاب نشده‌ایم و این امر شاید به دلیل آن است که آیین‌نامه هفته کتاب ناظر بر مشارکت دستگاه‌های فرهنگی دولتی است و دولت در این آیین‌نامه بر جلوه‌تر دیده شده است. وی ضمن اشاره به برخی فعالیت‌های هفته کتاب شامل کتاب سال دانشجویی و کتاب ولایت آنها را در زمره فعالیت‌های نهاده شده در ایام هفته کتاب دانست و تجهیز کتابخانه‌های عمومی و انتخاب برترین‌ها را نیز از جمله اهداف این هفته عنوان کرد.

مشاور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از فعالیت مالیاتی ۵ درصدی در قانون مالیات‌های مستقیم بند ۲۸ که ۵ درصد از دستمزد را برای خرید کتاب معاف از مالیات اعلام می‌نماید، به عنوان جاذبه‌ای برای کارفرمایان به منظور خرید کتاب و ورود کتاب به زندگی کارگران امیدبخش دانست. وی همچنین طرح کتاب در سید خانوار را از جمله سیاست‌های محوری هفته کتاب در سال جاری عنوان کرد. در ادامه این نشست مدیر کل مراکز و روابط فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در پاسخ به سؤالات برخی ناشران مباحثی را یادآور شد.

وی وقفه خرید کتاب را که از دی ماه سال ۸۰ ایجاد شده بود، منتفی دانست و آن را ناشی از عدم تخصیص بودجه به وزارتخانه عنوان کرد. وی همچنین بحث خرید کتاب را محدود به کتاب‌هایی دانست که مشمول قاعده کتاب‌های کتابخانه‌ای باشند.

صیادی گفت: وزارتخانه تمام کتاب‌هایی را که مجوز چاپ می‌گیرند مشمول شرایط خرید نمی‌داند. بلکه این وزارتخانه حمایت‌های عام خود را مشمول تمام آثار مجوز گرفته می‌نماید؛ فارغ از بحث محتوای کتاب‌ها.

در پایان این نشست نیز علی اصغر رمضانپور معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سخنانی ایراد کرد. وی ضعف استقبال از برگزاری جلسات شورای ناشران در مراکز استان‌ها را نشانه فعال شدن تعاونی‌های ناشران دانست. معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با پیشنهاد تهیه منشور مشترک از سوی ناشران در ایام هفته کتاب به منظور غلبه نشر خصوصی بر فضای دولتی و در راستای توسعه فرهنگ کتابخوانی، تأکید کرد: این منشور در موارد دیگر قابل تعمیم است و می‌تواند پیگیری جمعی سیاست‌های کتاب در زمینه‌های مختلف از کاغذ گرفته تا نمایشگاه، سیاست‌های کل کتابخوانی و... را در بر بگیرد. وی گفت: ناشران در ایام هفته کتاب می‌توانند با ارائه این منشور برنامه‌های خود را اجرا نمایند و از سویی به بازاریابی آثار خود نیز کمک نمایند.

وی همچنین از ناشران خواست تا تعیین سه نماینده به عنوان نمایندگان ناشران در جلسات مربوط به ورود کاغذ و برخی اقلام مورد نیاز ناشران، امکان ایجاد تغییرات کلان در اقتصاد نشر را فراهم نمایند.

وی یادآور شد: پیامدهای این تغییرات اسامیل در قالب یکسان‌سازی ارزی و در سال‌های آینده در سطح متنوعی بازار و آشکار خواهد شد. وی عدم حضور ستاد مشکل ناشران و اعضای دولت را به ایجاد انفجار در نمایندگان دولتی در جلسات اخیر منجر دانست و حضور ناشران در بهبود برگزاری و نتایج جلسات را مورد تأکید قرار داد.

معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در بحث دیگری مشکل کتاب کودک و نوجوان را از جمله مشکلات دیرپای نشر کشور عنوان کرده و گفت: بر اساس تحقیقاتی که انجمن نویسندگان کودک و نوجوان به سفارش وزارتخانه انجام داد، میانگین بهره‌برداری از کتاب در پایان دهه ۷۰ نسبت به دهه ۶۰ کاهش چشمگیری در میان کودکان و نوجوانان کشور داشته است. این در حالی است که در تعداد ناشران، تعداد عناوین کتاب و تراکم جمعیت کودکان افزایش چشمگیری را شاهد بوده‌ایم. وی این کاهش بهره‌گیری از کتاب کودک را ناشی از نبود وضعیت مطلوب در چاپ و انتشار کتاب کودکان خلاصه دانست.

رمضانپور در پایان طرح استفاده از محل‌های مسکونی به منظور انجام فعالیت‌های حوزه نشر را در حال حاضر به دلیل مخالفت برخی وزارتخانه‌ها منتفی اعلام کرد.

نشست فرهنگی ناشران استان خراسان برگزار شد

رضانپور: مشکل اصلی نشر در کشور ما اتکا بر حمایت‌های دولتی است

علی اصغر رمضانپور معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در نشست فرهنگی ناشران استان خراسان با مسؤولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که همزمان با جلسه شورای مشورتی ناشران کشور در استان خراسان برگزار شد خواستار ایجاد نهادهای منظم و منسجم برای ناشران و دست‌اندرکاران نشر در کشور شد.

معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یکی از مشکلات اصلی حوزه نشر کشور را اتکای ناشران بر مجموعه حمایت‌های دولتی و دیگر سازمان‌ها به جای ساز و کارهای درون نشر عنوان کرد.

وی تصریح کرد: تکیه بر حمایت‌های دولتی ریشه در یک تحلیل تاریخی دارد. فرض بر آن است در کشوری مثل ما که سازمان فرهنگ رشد چندانی نداشته و بخش فرهنگ نیاز به حمایت دارد این تفکر دو پیامد داشته است. وی گفت: بخش اول این پیامد در وجود کسانی در بخش فرهنگ خلاصه می‌شود که از حمایت دولت استفاده کرده و فعالیت‌های خود را گسترش داده‌اند اما دسته دوم که همانا پیامد نامطلوب تکیه بر حمایت دولتی را منعکس می‌کنند، وجود گروهی است که به جای اتکا بر بنیادهای خود بر بنیادهای دولتی متکی هستند.

وی ادامه داد: این اتکا در بدو امر ممکن است بد به نظر نرسد اما پیامد منفی آن این است که نبض کار این بار در بودجه دولت جست وجو می‌شود و بدتر زمانی است که نبض کار به جای جست وجو در بودجه دولت، در میان اراده دست‌اندرکاران دنبال می‌شود که در مرحله حادثه به حمایت سلیقه‌ای و جهت‌دار ختم می‌شود. لذا مسیری که با نگاه خوش بینانه امروز دو وجهه مثبت و منفی دارد بنا بر تحلیل کارشناسان مسیر خوشایندی برای انگیزه اقتصاد فرهنگ ما نیست.

به گفته معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فرهنگ ما مادام که متکی بر حمایت است در واقع از تکیه بر مصرف فرهنگ در جامعه فاصله گرفته حال آنکه هدف اصلی تمام دست‌اندرکاران فرهنگی افزایش حوزه مصرف فرهنگ در جامعه است.

وی در بخش دیگری از سخنان خود منظور از مصرف فرهنگ را افزایش حمایت‌های فرهنگی - اجتماعی و سیاسی افراد از طریق استفاده آنان از کالاها و خدمات فرهنگی عنوان کرد.

وی گفت: مادامی که افراد نیاموزند که برای افزایش مهارت فکری، اجتماعی یا سیاسی خود می‌بایست از کالاها و خدمات فرهنگی استفاده کنند و اطلاعات لازم را برای تحلیل کارها به دست آورند، در این صورت با جامعه‌ای رویه‌رو هستیم که کارش تنها جمع‌آوری اطلاعات و نه مصرف آنهاست و تازه حجم اطلاعات جمع‌آوری شده به جای آنکه در اذهان مردم باشد در درون قالب‌های تولید فرهنگی محدود می‌ماند.

وی ضمن دردناک توصیف کردن انباشت اطلاعات در قالب‌های تولید فرهنگی چنین میلی را در جامعه همگام با خواننده نشدن کتاب و عقب ماندن تولید کتاب و فرهنگ دانست.

وی خطر دوام انباشت شدن کتاب‌ها در انبارهای تولید را ادامه تولید بیهوده کالای فرهنگی دانست و گفت: روند تولید کتاب‌های انبار شده هیچ‌گاه متوقف نمی‌شود بلکه بخشی از آن به دلیل علاقه تولیدکنندگان و بخشی دیگر به دلیل نبود سازمان حرفه‌ای تولید همچنان دنبال می‌شود. وی در همین راستا ضرورت تأسیس یک سازمان حرفه‌ای به منظور فروش و بازاریابی فرهنگ را مورد تأکید قرار داد و وظیفه پیدا کردن نظام بازاریابی درست در زمینه نشر را نیز در حیطه وظایف ناشر عنوان کرد.

معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در ادامه لزوم دقت در نشر به منظور انتخاب و تولید هر اثر را مورد تأکید قرار داد و از ناشران به عنوان برنامه‌ریزان متفکر در جامعه یاد کرد.

وی احراز چنین دیدگاهی را در میان ناشران، موجب برتری آنان از دستگاه‌های دولتی و سیستم انتخاب و عرضه آثار در آنها دانست و از ناشری که علاقه‌ای به مطالعه اثری را که خود منتشر می‌کند، ندارد به عنوان ناشر رویه فقیر یاد کرد و لزوم ایجاد شکلی که به شکل دهی روابط میان ناشران و نویسندگان و مخاطب منجر می‌شود را ضروری عنوان کرد.

در این نشست همچنین ناشران استان خراسان به طرح دیدگاهها، مشکلات و موانع نشر در استان خراسان پرداختند و تسهیل شرایط صدور مجوز نشر را برای ناشران دور از پایتخت خواستار شدند.

کتابخانه های خصوصی!

در خیابان مجاهدین اسلام کتابفروشی کوچکی است به نام «آرمان نو». در این کتابفروشی، کتاب را به شما اجاره می دهند، یعنی اول تمام مبلغ کتاب را از شما می گیرند و پس از تحویل کتاب یک چهارم مبلغ کتاب کسر و مابقی مبلغ به شما پس داده می شود. به آدرسی که از این کتابفروشی دارم می روم، یک کتابفروشی کوچک که از کف آن تا سقف، کتاب چیده شده است. صاحب کتابفروشی آقای مختاری است، پیرمردی شصت و چهار ساله که هنگام ورود من سخت مشغول مطالعه است. با او مشغول صحبت می شوم؛ از او می پرسم: چطور شد اقدام به این کار کردید؟ می گوید: من از کودکی در میان کتاب بزرگ شده ام، شغل من فرهنگی بوده است و همیشه با کتاب سرو کار داشته ام، در این سن و سال تصمیم گرفتم مغازه ای اجاره کنم و کتاب اجاره بدهم، حقیقتش این کار حتی جواب هزینه اجاره مغازه را هم نمی دهد، اما تمام دلخواهی ام این است که باعث می شوم چند نفری بتوانند با شرایط بهتری کتاب بخوانند، من مغازه را یکسره باز نمی کنم، روزی چهار ساعت به اینجای می آیم و بعد به خانه می روم.

واقعیت این است که وجود چنین کتابفروشی هایی (شاید هم کتابخانه!) بسیار ضروری و تأثیرگذار است، اما متأسفانه نگارنده این متن فقط سه کتابفروشی را می شناسد که در تهران بزرگ، کتاب اجاره می دهند.

شما تصور کنید که اگر در نزدیکی خانه اتان محلی باشد که کتاب (بخصوص کتاب هایی جدید را) اجاره دهد، چه مقدار بر قدرت مطالعه شما افزوده می شود.

یکی از دلایل ضعف کتابخوانی، مشکلات مالی مردم و تا حدودی گرانی کتاب است، اما وقتی شما بتوانید کتابی را بخوانید و فقط یک چهارم مبلغ آن را پرداخت کنید، مطمئناً در مقابل این امکان کتاب های بیشتری می خوانید و هزینه های کمتری می پردازید.

در این کتابفروشی که بوم دو دختر جوان وارد شدند و از آقای مختاری کتاب های «انثیل استیل» را خواستند. از یکی از آنها می پرسم: چطور شد به این کتابفروشی آمدید؟ می گوید: پشت در کتابفروشی آگهی زده اند که کتاب را اجاره می دهند، خوب خوشبختانه کتابی را که می خواستم داشتند، شرایط خوبی ست! یک چهارم مبلغ کتاب، بابت اجاره.

در جایی که این کتابفروشی قرار دارد، رفت و آمد زیادی نیست و به قول صاحب کتابفروشی «استقبال کم است».

مکان هایی را که کتاب اجاره می دهند، در واقع می توان کتابخانه های خصوصی نام نهاد. کتابخانه هایی که صاحبان آن با علم به اینکه از این راه درآمد خوبی نخواهند داشت سرسختانه این راه را دنبال می کنند؛ رساندن متصرفانه کتاب به دست دوستداران آن.

موقع خدا حافظی آقای مختاری به من می گوید: «همه مردم دنیا احساس تنهایی می کنند، اما برایم بسیار پیش آمده که به واسطه کتاب با آنها دوست شده باشم، مثل تو!»

نسرین نورمحمدان:

با یک اسم نمی شود یک جریان را تعریف کرد!

سنی، طبقات اجتماعی، شغلی، اقتصادی و موضوع های اصلی نیز در این گونه رمان ها ساده شده همان موضوع هایی است که در دیگر رمان های هنری وجود دارد. یعنی به قول «فورستر» عشق و زندگی و مرگ، اما با ابزاری محدودتر و ساده تر. شاید این رمان هرگز به دنبال تکنیک های تازه نباشد. اما از آنجایی که آدم ها با هم متفاوت اند، زندگی های متفاوتی را نیز می توان در این گونه رمان ها دید که این زندگی متناسب با میزان دید نویسنده از پیرامون خود است که بسیار ملموس و محسوس نوشته می شود.

در دهه هفتاد، ادبیات داستانی چه تحولاتی داشت؟ بیشتر سعی می کنم هرآنچه را می شود، بخوانم. زیاد درگیر تفسیر و تعبیر و یا شناخت تحولات و تعاریف نیستم. چرا که معتقدم در حد و حدود خود تجربه کنم و در همان می آورم و ترجیح می دهم متقدمان در موردش نظر بدهند. چه آثاری از شما به چاپ رسیده و چه آثاری در دست چاپ دارید؟

اولین رمانم «شیخ گل سرخ» نام داشت. بعد از آن «قرار ملاقات با سرنوشته» را نوشتم که بازحمات بی دریغ نشر البرز به چاپ رسید. کتاب دیگری به نام «آفتاب در پس سایه» نیز توسط همین انتشارات ان شاء الله برودی به چاپ خواهد رسید و مشغول نوشتن رمان دیگری هستم که هنوز نامی برای آن انتخاب نکرده ام.

نویسنده ای هست که روی شما تأثیر گذاشته باشد؟ برای تمامی نویسندگان و بزرگان اهل قلم احترام خاصی قائل هستم و به دقت آثارشان را مطالعه می کنم. اما دوست دارم از طبیعت، آدم های اطرافم، از اجتماعی که در آن زندگی می کنم تأثیر بگیرم. شخصیت رمان هایمان را چطور انتخاب و خلق می کنید؟ شخصیت ها را با نگاهی به پیرامونم انتخاب می کنم. سپس به آنها اجازه می دهم در موقعیت های به وجود آمده در مسیر داستان هایم با موضوع انتخابیم عکس العمل های خود را بروز دهند.

رمان عامه پسند به چه نوعی از رمان می گویند؟ سؤال شما بسیار مبهم است نه بدین لحاظ که تعریفی نشود ارائه داد. از این جهت که آیا می توان گفت یک رمان عامه پسند است و دیگری ضد عامه و مورد علاقه عامه نیست؟ یا می شود نویسنده ای را پیدا کرد که رمان نوشته باشد تا عامه آن را نپسندد؟ اینها تقسیماتی است که توسط منتقدان صورت می گیرد. با یک اسم نمی شود یک جریان را تعریف کرد. اگر رمان ژورنالیستی، مد نظر شما باشد باید گفت به رمان هایی اطلاق می شود که چندان میلی به نشانه ها و سمبل ها و استعاره ها به عنوان شاخص های اصلی یک رمان هنری ندارند. اما بسیار به روز نوشته می شوند، با احساسگرایی بالا و در حد تجربه نویسنده گانشان که شاید کاملاً مدتی در آن برای قشری خاص می نویسد (قشر به لحاظ

رمان نویسی را چطور شروع کردید؟ از اوآن نوجوانی مطالعه شعر و داستان را آغاز کردم. با اشعار فروغ فرخزاده، رهی معیری و مهدی سهیلی و رمان هایی همچون زینق دره، قمارباز، بی بیان، به کاو مردی می خندد ناخواسته با فضای رئالیسم و رمانتیسیسم آشنا شدم و سپس با آثار صادق هدایت، میرصادقی، جمال زاده و سیمین دانشور، داستان نویسی ایرانی را پیگیری کردم و در نهایت با داستان کوتاهی به نام «برادرم محمد» وارد عرصه نوشتن شدم. در مقطع کوتاهی و تحت شرایطی خاص حسن نوشتن یک رمان در من زنده شد و دست به نوشتن زدم تا خودم را آزمایش کنم و با دورریختن مقدار زیادی از سیاه مش هایم بالاخره به آرزویم که رمان نویسی بود رسیدم.

هنگام نوشتن رمان چه حالی دارید؟ از آن جایی که شخصیت ها در نوشته های من دارای چالش های روانی و عصبی هستند و از اطراف و اجتماع اطرافم انتخاب شده اند قطعاً پرورش این شخصیت ها در موقعیت های به وجود آمده کار برای من به لحاظ روحی خیلی سخت می کنند. گاهی اوقات موافق کردن این شخصیت ها با سیر داستانی که مورد انتخابم است نزعی را بین من و داستان به وجود می آورد که موجب مشقت های فراوانی برایم می شود. با همه اینها فکر می کنم لذت آن لحظات که قطعاً به دلیل همان شخصیت ها و مشقات است با هیچ چیزی در زندگی قابل مقایسه نیست.

بایک مشتری کتاب

وقتی می بینم با چه شوق و ذوق و شتابی کتاب ها را از قفسه کتابفروشی بیرون می آورد و نگاه می کند، احساس می کنم از تشنگان وادی کتاب است، کنجکاوای تحریک می شود و تصمیم می گیرم با او گپی بزنم:

دنبال کتاب خاصی هستید؟ بله، کتاب مبانی زبان شناسی. این کتاب چه ویژگی خاصی دارد که شما را وادار کرده دنبال آن بگردید؟

من به ادبیات علاقه خاصی دارم و بیشتر رمان ها و شعرهایی را که چاپ می شود می خوانم، خوب زبان شناسی علمی است که رابطه تنگاتنگی با ادبیات دارد، دامنه علم زبان شناسی آنقدر گسترده است که شما احساس می کنید دارید در آن غرق می شوید! کتاب «مبانی زبان شناسی» به زبانی ساده شما را با این علم آشنا می کند.

چطور از این کتاب جدید اطلاع پیدا می کنید؟ از طریق دوستان اهل کتاب، قسمت هایی از روزنامه ها که در آن معرفی کتاب می شود، اما معمولاً وقتی به کتابفروشی ها می روم و کتاب ها را نگاه می کنم آثار جدید را می بینم.

پیش آمده کتابی را بخرید، بخوانید و بعد از خرید آن پشیمان شوید؟ خوب بله! اما این اتفاق عجیبی نیست، ما نباید این انتظار را داشته باشیم که همه کتاب ها باب میل ما باشند و لزوماً خوب بودن و بد بودن آن را با نظر شخصی خودمان بسنجیم.

در ماه چه مبلغی صرف خرید کتاب می کنید؟ بستگی به مشکلات آن ماه دارد! اما سعی می کنم از حقوق ماهانه ام حدود ده هزار تومان برای خرید کتاب، کنار بگذارم.

آخرین کتابی را که خواندید چه بود؟ «اکتور کال» که مجموعه شعرییست از غلامحسین نصیری پور.

چیزی از این مجموعه شعر به یاد دارید؟ کل کتاب یک شعر بلند است و در نوع خود کار جالبی است و شروع شعر آنقدر زیباست که در یادم مانده است. صدایم که می زنی، آنقدر شنیده می شوم که لبم تب می کند/ خواب پرندهای را بال می زدم/ که میله های ابری قفقس را بلعیده است. خودتان را معرفی می کنید؟ شروین گامی.

طرح



آقا، کتاب های مرا نمی خرید؟

موردی بوده عذر می خواهم.

هزیر بلاسچی

کتابفروشی ...! وابسته به یک انتشاراتی نامدار و محترم است. از انتشاراتی هایی که بندرت طمع بازار می کند و هنر و فرهنگ بویا و متعهد را ارج می نهد. آقای «ن» کتابفروش این انتشاراتی نیز یکی دیگر از کسانی است که با من بازاریاب بسیار بد و توهین آمیز برخورد نمود. روزانه چند بازاریاب کتاب به شما مراجعه می کنند؟

چهل - پنجاه تا.

چرا برخی از همکاران شما با بازاریابان کتاب برخورد بدی دارند؟

بیشتر به اخلاق بازاریاب بستگی دارد. ما معمولاً به آنها احترام می گذاریم، چون می دانیم کارشان سخت است. حتی اگر کتاب هم نخواهیم، کتاب هایشان را نگاه می کنیم.

ادژم است و عبوس. تو گویی فرقی نمی کند من هر که می خواهم باشم. بازاریاب کتاب یا گزارش نویس، کتابفروشان نشر... اما همواره خوش برخورد و بزرگواری بوده اند هیچ کتابی نخواستند اما تحقیرت نیز نکرده اند. همین موجب شد تا نزد مدیر کتابفروشی... هم بروم. اما افسوس...

روزانه چند بازاریاب به شما مراجعه می کنند؟ ۳۰ نفر.

چرا برخی از همکاران شما با بازاریابان کتاب توهین آمیز رفتار می کنند. بعضی از همکاران آن طور که باید روی پرسنلشان نظارت ندارند. ما روز اول به کارمندان آموزش می دهیم و می گویم که باید با مردم مؤدبانه برخورد بشود. شاید عده ای از همکاران به این مسئله بی توجه باشند.

جویندگان عرصه هول و وولا

در روزان غبارآلودی که فرهنگ کتاب نخوانی روندی دهشتناک دارد، در اوضاع وهم آلودی که خرید کلاه‌های فرهنگی در سبده هزینه‌های جاری هیچ خانواده‌ای پیش‌بینی نشده است، به نظر می‌رسد گفت‌وگو از وضعیت نشر خاصه در شهرستان‌ها عبت نماید؛ چه آنکه جویندگان این عرصه پرهول و ولا چندان نیستند که کسی به صرافت روشنگری باینست و در مقام تبیین برآید. این وضعیت جزیران چنان است که اگر همین امروز خبر رکود یا توقف فعالیت فلان ناشر شهرستانی که چه عرض کنم، ناشران معظم هم منتشر شود، بعید است حتی فغان از خاک خورده‌های این وادی برآید، چه رسد به لویان شوخ شیرین‌کار شهر آشوب.

با این همه شرط انصاف آن است که سواد با بیاض به چشم آید. با استناد به همین انگاره است که نگاه به جایگاه کلی ناشران شهرستانی را در پیش گرفته‌اند.

ذکر این پیش‌درآمد ناگزیر باعث بسی خرسندی است که اذعان شود نخستین ناشران ایرانی نه در پایتخت، که در شهرستان‌ها بوده‌اند. اما از پس این سالیان و در گذار از دهه‌های پرشتاب، وضعیت نشر تکانه‌های بسیار داشته است.

پرواضح است که هم‌اکنون شهر بی‌قواره‌ای چون تهران مرکزیت نشر را مانند هر چیز دیگری به خود اختصاص داده است. اما آیا این مرکزیت حائز آن چنان رونق و قوتی هست که به یک‌باره نشر شهرستان‌ها را هم معطل کند و سایه سنگین خود را بر قامت نازک آنها آوار؟ پاسخ این پرسش چالش‌گرانه را در آماری ساده می‌جویم. بدهی است یک راه قیاس، بررسی میزان ناشران و نیز در بخشی فرعی‌تر میزان چاپخانه‌هاست.

اگرچه بنا بر اطلاعات استخراج شده از کتاب بانک اطلاعات اهل قلم تا پایان سال ۱۳۷۸ پیش از یک هزار ناشر در استان تهران دارای مجوز نشر بوده‌اند اما در همین محدوده زمانی استان قم و خراسان با قریب به یکصد ناشر و وضعیت بسیار مناسبی داشته‌اند که در میان آنها ناشران قدرتمندی در بخش دولتی چون آستان قدس و دفتر تبلیغات اسلامی هم دیده می‌شود. استان‌های آذربایجان شرقی با بیش از سی و اصفهان با بیش از بیست ناشر و وضعیت نسبتاً قابل قبولی داشته‌اند و در بقیه استان‌ها اوضاع به مراتب ضعیف‌تری، آن‌چنان‌که در استان‌هایی چون سمنان، چهارمحال و بختیاری و سیستان و بلوچستان جز چند ناشر محدود، فعالیت نشری وجود نداشته است.

در همین برهه زمانی قریب به ۶۵۰ چاپخانه در تهران بزرگ فعال بوده‌اند که این رقم در استان‌های خراسان و اصفهان حدود ۱۱۰ چاپخانه بوده است و در استان آذربایجان غربی حدود ۹۰ چاپخانه. ضعیف‌ترین عدد در استان‌هایی چون سمنان و بوشهر دیده شده است. آمار چاپخانه‌ها از آن جهت قابل اعتناست که در واقع امکان نشر را فراهم می‌آورد. اگرچه ناگفته پیداست که بسیاری از چاپخانه‌های شهرستان‌ها از نوع ملخ‌می‌هستند و با امکانات تازنی، برش و صحافی را ندارند. یعنی عملاً در پروسه نشر کتاب به کار نمی‌آیند.

همین جا داخل پراکنش باید یک تفاوت عمده ناشران شهرستانی را با ناشران پایتخت عنوان کرد و آن اینکه درصد بالایی از ناشران تهرانی الزاماً صاحب مطبعه نیستند در حالی که این قضیه در شهرستان‌ها با هم نسبت مستقیم دارد. یادآوری این نکته مهم ضروری است که بسیاری از ناشران شهرستانی نیز با واسطه ناشران تهرانی و یا حداقل ارتباط با چاپخانه‌های معتبر قم و تهران، کارهای خود را به نشر می‌رسانند، آن‌چنان‌که گاهی عمل آنها طفیلی‌گری را به ذهن متبادر می‌کند.

شیدا شیرزاد عراقی سراینده مجموعه «مثل چشم تو»

متوجه کردن انسان‌ها به تماشای زیبایی‌ها



جویندگان جوان با سرمایه‌گذاری شخصی اقدام به چاپ کتاب کرده‌اند. برای ما بگویید که چه مبلغ و چه در اختیار ناشر قرار داده‌اید و نظراتان درباره سنت غلط سرمایه‌گذاری مؤلف برای چاپ کتاب چیست؟

(بعلفی که من برای چاپ کتاب در اختیار ناشر گذاشته‌ام حدود یک میلیون و دویست هزار تومان بوده است.) به دلیل استقبال کم از مجموعه‌های شعر خصوصاً کتاب شاعران نو قلم، ناشران جسارت سرمایه‌گذاری برای چاپ کتاب به خود نمی‌دهند و معمولاً اولین واقعیتی که برای یک شاعر جوان قبل از چاپ اثرش بازگو می‌کند واقعیت مذکور است.

سرودن شعر را چگونه و از کجا آغاز کردید و با کدام یک از شاعران معاصر بیشتر آشنا می‌دارید؟

به صورتی کاملاً اتفاقی سرودن شعر را شروع کردم. در سن ۱۴ سالگی ابتدا نوشته‌هایم را چندان جدی نمی‌گرفتم تا اینکه پس از ورود به دبیرستان از راهنمایی‌های دبیر ادبیاتم استفاده کردم. این روند ادامه یافت تا حدود ۲ سال پیش که توسط یکی از دوستان نویسنده با جلسات شعر حوزه هنری که به صورت هفتگی در روزهای چهارشنبه برگزار می‌شد آشنا شدم. پیشرفت خود را به حوزه هنری و راهنمایی‌های استاد عزیز و شاعر محترم جناب آقای عباس براتی‌پور، مدیونم. در جلسات شعر فرهنگسراها هم شرکت می‌کنم و عضو دوره هفتم جلسات هفتگی شعر خانه شاعران ایران نیز

خوشبختانه این روزها رویکرد شاعران جوان به قالب‌های غزل، رباعی و... با نگاهی مخصوص، بسیار رایج است. به عنوان یک شاعر جوان برای ما بگویید که این رویکرد حاصل چه پیش و نگرشی است؟

به اعتقاد من، هر شاعری رسالتی دارد؛ زبانی را که شاعر برای ارسال پیامش انتخاب می‌کند، هر چه بیشتر توأم با طراوت و تازگی و به قول شما نگاهی مخصوص باشد، ارتباط با مخاطب را آسان‌تر می‌کند. نمونه این بحث شاعران معاصر هستند که به دلیل برخورداری از نگاه نو شعر، خاستگاه ویژه‌ای در بین شعرای جوان دارند. از جمله آثار آقای محمدعلی بهمن غزلسرای نوافرین معاصر است. با توجه به اینکه ایشان در قالب غزل بیشتر کار کرده‌اند، اما حرف‌های بدیع و نوینی را برای ما بازگو می‌کنند. قالب شعر هر چه باشد اگر حرف تازه‌ای برای گفتن داشته باشد، همیشه برای مخاطبان عام و خاص مطبوع و دلپذیر است و ناخودآگاه ملکه ذهن می‌شود. خود شما هم در قالب غزل شعر گفته‌اید. چرا این شاخه از شعر را برای برون‌افکنی حالات درونی خود انتخاب کرده‌اید؟

در وهله اول می‌توانم بگویم اولین جرقه‌های شعر در ذهنم، به صورت غزل اتفاق افتاد. سپس با مطالعه بیشتر در این سبک، به این شیوه از شعر علاقمند شدم. سبک غزل به دلیل ضرب آهنگ‌ها، فضا سازی و خیال‌انگیزی خاصی که دارد همیشه برای من جذاب بوده است. علیرغم آنکه گاه دست و پاییم را برای گفت‌وگویی وسیع‌تر می‌بندم اما آنجا که توانسته‌ام خود را در این وادی آزموده‌ام، اینکه تا چه حد موفق بوده‌ام قضاوت برعهده خوانندگان گرامی است.

دلیل دیگر اینکه عده‌ای از کارشناسان ادبیات مخصوص در حوزه شعر، معتقدند که برای ورود به حیطه شعر باید در ابتدا با سبک کلاسیک آشنا شد و در این شاخه به نتیجه رسید. در واقع سبک کلاسیک را مقدمه‌ای برای آزمون سبک‌های دیگر می‌دانند.

از قرار معلوم شما هم مثل بسیاری دیگر از شاعران و

از نسل خودمان

سیاوش شیدا

نگاهی به مجموعه «پل آنکومیکا» نوشته جواد شریفی

درک بی‌نظمی صفحه‌ها!

پل آنکومیکا را ورق می‌زنیم، چهارده داستان و بعد دیواری به نام «آنکومیکا» پلی میان شعرها و داستان‌ها که خود نه شعر است، نه داستان، داستانی است که شعر را به داستان ربط می‌دهد و همه اینها یعنی پل آنکومیکا، کتابی که وقتی روبروش را کشف می‌کنی، وقتی به ساختن آگاه می‌شوی، از خودت می‌پرسی، خوب که چچی؟ چرا این طوری است و نه همان طور که همه کتاب‌ها هستند. بله، به گمانم دارم چیزی را توضیح می‌دهم که احتمالاً شما نمی‌دانید؛ توضیح می‌دهم، همان طور که همه توضیح می‌دهند: «کتاب پل آنکومیکا مجموعه‌ای از چهارده داستان، یک شعر نیمه بلند و یک شعر بلند گسسته گسسته است، یا به زبان ساده‌تر: چند شعر و چند داستان، نوشته جواد شریفی. ناشرش دشتستان است، شمارگان هفتصد جلد. داستان‌ها عموماً درباره هیچ‌اند، شعر آنکومیکا درباره دیوارگی است و هویت‌های در سر نوشت یکی شده و شعر بلند گسسته گسسته درباره عشق، کلمه و البته تقابل زمان و مکان روایت و کلام با صفحه سفیدی که روی آن جز نواقعی چیزی نمی‌توان نوشت... اما قضیه این نیست؛ با فقط این نیست. داستان‌ها، داستان‌هایی با روایات نامعلوم. در همه آنها، بلا استثنا، این پرسش مطرح است که کی دارد روایت می‌کند. مثلاً در داستان «آگاهی طبقاتی» کسی دارد می‌گوید که با پنج نفریم و آنگاه اسم چهار نفر را می‌آورد. کسی که نیست، راوی کسانی است که هستند، یا شاید هر پنج نفر، نه هر چهار نفر راوی‌اند، یک راوی که می‌شود چهار به علاوه یک. پس پنج احتمالاً همه چهار نفرند. که در این صورت راوی خود داستان است. می‌شود؟ نه.

در داستان «برخورد احتمالی» نمونه‌ای دیگر، همه چیز عادی است، البته تا خط یکی مانده به آخری: دانای کل نامحدود. تا اینکه یک «من» که تا حالا ندیده بودیمش خودش را وارد ماجرا می‌کند: «او به فکر فرو می‌رود. ناگهان با صدای تقریباً بلند: دیدید گفتیم؟ دیدید گفتیم؟ یک بسته آدامس، یکی به مرده، یکی به من، یکی خودش...» تا اینجا، آدم‌های داستان فقط دو نفر بودند: «او» و «مرده» «من» ساخت روایت را در جایی می‌شکند که دیگر داستان تمام شده و فرصتی برای برپا کردن اسطوره تازه‌ای برای ساختار نیست.



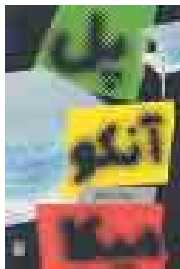
نو قلم

هستیم. از شاعران معاصر ادات خاصی نسبت به آقای دکتر قیصر امین‌پور و آثارشان داریم. آقایان حسین منزوی و محمدعلی بهمنی را هم در رابطه با آثارشان می‌شناسم. به عنوان شاعری جوان ارزیابی‌تان را از دنیای شعری امروز ایران بگویید.

در دنیای شعر امروز، چهره‌های جوانی هستند که می‌توانند خوش بدرخشند. به شرط آنکه مغلوب تقلید کورکورانه از سبک شعری یکدیگر نشوند. متأسفانه آنچه اغلب شاهد هستیم این است که عده‌ای از شاعران آنداز مجلوب سبک شعری یک شاعر می‌شوند که تمام شعرشان رنگ و بوی کار آن شاعر را می‌گیرد و اگر آن عناصر را از شعرشان حذف کنیم حرفی از خودشان برای گفتن باقی نمی‌ماند. در حالی که اگر هر شاعری سبک و هدف خاص خودش را در شعر پیدا کند می‌تواند جایگاه محکم و واقعی در این حوزه برای خود ایجاد کند.

متأسفانه گاهی شاعران جوان چنان دغدغه رسیدن به شیوه‌های تازه را پیدا می‌کنند که فقط به شکل صوری شعر نگاه می‌کنند و پیام و هدف اصلی را گم می‌کنند. در نتیجه کلامشان آقدر ثقیل و پیچیده می‌شود که فلسفه سرایش جایش را به کلافی سردرگم می‌دهد؛ تا حدی که وقتی چنین کارهایی تقد می‌شود، حالت طبل تو خالی را پیدا می‌کند و شعر به جای آنکه فضای آرامش بخشی را برای مخاطب ایجاد کند، برعکس او را کجیج‌تر می‌کند.

هدف شعر مانند هنرهای دیگر، متوجه کردن انسان‌ها به تماشای زیبایی‌هاست. امیدوارم خداوند همه شاعران را یاری کند تا در راستای این هدف متعالی گام بردارند و اصل صداقت را از نوشته‌هایشان دور نکنند. قلمی که به صداقت می‌چرخد اثری جاودان خلق خواهد کرد. از دوستان شاعر تقاضا دارم انتقادپذیر باشند و فراموش نکنند که تازه‌مانی که شعری صیقل افتاد نخورده باشد کمتر راه پیشرفت و تعالی را به خود هموار خواهد کرد.



بحث راوی را از این دیدگاه می‌توان در مورد دیگر داستان‌ها هم پیش کشید و بسط داد و البته در معدود جاها هم می‌توانیم طعمه دندان‌گیری ببیم؛ مثلاً در داستان «به نام خدا به نام دیکتاتور» پس از گزارشی کاملاً ژورنالیستی و سریع با راوی سوم شخص، دوباره همان «من» سرک می‌کشد، اما این بار داستان رو به پایان نیست و آن قدر فرصت هست که اسطوره‌ها در ریخته داستان بازسازی شود: «آه چقدر دردناک است ادیکتاتور عزیز! اما دعا می‌کنیم، باور بفرمایید. من مخالف نیستم، موافق نیستم، هیچ تولید می‌کنیم...»

درباره شعر «آنکومیکا» حرفی نیست. یک قطعه کاملاً تجربی که جابجایی فکری هم دارد. صحبت درباره انتزاع این قطعه، که فقط به دلیل اینکه ساخت شعری دارد می‌گویم شعر، مثل خود انتزاع، پرگویی بی‌سرانجامی خواهد بود. اما درباره بخش شعر؛ فقط می‌توانم بگویم که ساده است و آن قدر ساده که به دید نمی‌آید و آن قدر شفاف که آدم تردید می‌کند که نکند کاسه‌ای زیر نیم کاسه باشد. اگر کمی به بی‌نظمی عددی صفحه‌ها در این بخش وقت بکنیم، قضیه را می‌گیریم. حرکت آرام و سبک قطعه‌های متجلی شده در کلمه‌ها، به آنها آن قدرت رموز را می‌دهد که در هم روان شوند و شماره صفحه‌ها را هم به بزند و البته نعل اصلی این سبکی فراموشی است. این قطعه را برای مثال می‌آورم و تماشا می‌کنیم: «با خودم حرف می‌زدم / مادر می‌آید / چیزی می‌گوید که نمی‌شنوم / می‌روم / رفتنش را جا می‌گذارم، آمدنش را با خود می‌برم / نویسم / چه کسی می‌نویسد؟ چه موقع نوشتم؟ شب، سفید / مادر، سیاه / من... هر دو شاید... فرقی نمی‌کند... / لمس شده بودم / در اتاق باز شده / مادر آمده / مادر رفته / صدایی شنیده نشده / صدایی شنیده نمی‌شود / به یاد می‌آورم که زنده‌ام / دوباره فراموش می‌کنم...» دو سطر آخر با حروف سفید در زمینه سیاه تایپ شده‌اند. تأکید روی جمله «لمس شده بودم» است. سبکی ناگفتنی و لمس‌ناپذیر این قطعه نمودار جالبی است برای درک بی‌نظمی صفحه‌ها. فرو ریختن عدد، به معنی باززدایی هندسه‌ای در هیأت بخار است. عددی جان سخت را در نظر بگیرد که دارد بخار می‌شود. از این لحظه بخار شدن عکس گرفته شده و این عکس طبعاً شکلی دارد که نظم چون و چرا ناپذیر عدد را ندارد.

دکتر مصطفی رحیمی او میزبان ما بود در یک پاییز سرد

وقتی کسی را برای اولین بار ببینی و بعد ندانی که این آخرین دیدار هم هست، بعداً پشیمانی خاصی گریبانگیرت می‌شود، مخصوصاً اینکه در خانه‌اش مهمانست هم بوده باشی و او بسیار صمیمانه از تو پذیرایی کرده باشد.

پاییز سال پیش بود که کتاب آگزیستانسیالیسم و اصالت بشر با ترجمه او تجدید چاپ شده بود و به همین بهانه خواستیم تا گفت‌وگویی با این مترجم و دانش‌پژوه داشته باشیم. وقتی برای گرفتن شماره تماسی با ناشرش - نشر نیلوفر - تماس گرفتیم، مطلع شدیم که بیچاره هم هست و بعد دانستیم که برای گفت‌وگو ما را پذیرد اما اولین تماس تلفنی نظرم را تغییر داد. صدایی گرم از آن سوی خط بعد از آنکه توضیح را شنید، مرا به خانه‌اش در یکی از خیابان‌های خلوت امیرآباد دعوت کرد. روز دیدار که برای گفت‌وگو در خانه‌اش بودیم، به محض آنکه برای بدرقه‌مان دم در ورودی بودم پیرانه‌اش ای روشن دیدمش، دانستم که تا اکتد و اصراراش برای درک و یادداشت درست آدرس خانه‌اش، چقدر با گذشته‌رویی و پذیرایی‌اش یکی بود.

خانه‌ای زیبا و ساده که در آن حضور کتاب همه جا خودنمایی می‌کرد. او راحت باب سخن را گشود. با اینکه سؤال ما را از قبل برایش از پشت تلفن خوانده بودم اما باز به حرف‌هایم با صبر و تأمل گوش کرد و وقتی همسرش یک سینی جای آورد حرفش را قطع کرد، از او تشکر کرد و ادامه سخن داد و لحشت تا آخر مصاحبه هیچ‌گاه تغییر نکرد. به تک تک سؤالات ما گوش می‌داد و بعد سخن می‌گفت. به دلیل بیماری او نباید زیاد مصاحبه را طولانی می‌کردم بنابراین بیشتر از تعداد سؤال‌هایی که برایش بود چیزی نپرسیدم اما می‌دانستم که هم برای من و هم برای خوانندگان، خاطرات و نظرات انتقادی‌اش درباره سارتر و اندیشه‌های او خواندنی است.

بی‌آنکه شیرینی‌های خانگی همسرش را نخوریم، اجازه نداشتیم که از خانه‌اش بیرون برویم. موقع خداحافظی و قبل از آنکه برای جوان‌ها آرزوی موفقیت بکنم، قرار شد که مصاحبه را قبل از چاپ برایش بریم و من این چنین کردم اما آن مصاحبه هرگز چاپ نشد. می‌دانستم که او از این موضوع ناراحت نخواهد شد اما احساس دینی که از این اتفاق احساس می‌کنم، همچنان با من است. مگر نه آنکه اگر برای تهیه مصاحبه و گفت‌وگویی همچنان کسی می‌شوی، به او زنگ می‌زنی و از استراحت و امی‌داری‌اش، دوست داری که تو هم در برابر این همه مزاحمت کاری بکنی؟ اما...

میهمانی تلخ رمان مک دونالدی انسان امروز

دوازدهمین نشست کانون ادبیات امروز، به نقد و بررسی رمان «میهمانی تلخ» اثر سیماک گلشیری اختصاص داشت. در این نشست ابتدا نویسنده بخش آغازین رمان را برای آشنایی مخاطبان با شیوه بیان و روایت داستان، قرائت کرد، سپس ناتاشا امیری به عنوان اولین منتقد کوشید تا از زوایای مختلف درباره زبان، شخصیت پردازی، معنا، گفتار و دیالوگ محکم بر فضای داستان سخن بگوید. او رمان «میهمانی تلخ» را رمانی پرهیجان و پرکشش دانست و گفت: «تصور و دیالوگ، عناصر عمده‌ای هستند که داستان را سامان می‌بخشند. در واقع سه نوع دیالوگ در رمان وجود دارد: دیالوگ واقع‌نمایی، دیالوگ متن و دیالوگ رازند».

او همچنین از شخصیت‌پردازی خوب «میهمانی تلخ» یاد کرد و گفت: «دو شخصیت اصلی داستان - استاد و توریج - در دو قطب تعادل و عدم تعادل حضور دارند. به بیان دیگر تمام ماجرای رمان بین واقعیت و غیر واقعیت شکل می‌گیرد. در رمان «میهمانی تلخ» این عدم تعادل در همه وجوه و به طرز بارزی خود را نشان می‌دهد».

امیری از پایان‌بندی صریح و عمیق نبودن برخی از ماجراهای داستان و حضور غیر فعال برخی از روایت‌های داستان انتقاد کرد. سپس حامد یوسفی منتقد جوان «میهمانی تلخ» را از زاویه جامعه‌شناختی بررسی کرد. او پس از بیان مقدماتی در باب ساختارگرایی در متن ادبی و نقد ادبی و پیشینه آن در جهان به تقابل بین زبان و گفتار پرداخت و گفت: «من دلیلی برای فصل‌بندی این رمان نمی‌بینم زیرا فصل‌بندی بر اساس زمان و موضوع پدید می‌آید اما فصل‌بندی‌های این زمان فاقد این معناست در حقیقت گلشیری می‌توانست تمام داستان را بدون فصل‌بندی، بنویسد».

او در پایان صحبت‌هایش همچنین به یک نقطه‌ای که در هر فصل اشاره کرد بدین معنا که هر فصل، ابتدا با یک روایت ساده و معمول زندگی آغاز می‌شود، سپس با یک واقعه غیر قابل پیش‌بینی مواجه می‌شود، در نهایت به همان روایت ساده ختم می‌شود.

یوسفی گفت: «رمان میهمانی تلخ» رمان و صنعت مک‌دونالدی انسان امروز است. زندگی انسان امروز قابل پیش‌بینی است و این نکته را به طرافت گلشیری در دانستنش آورده است. البته فصل اول رمان تمثیلی از کل ماجرای زندگی انسان امروز است. در دوازدهمین نشست هفته کانون ادبیات امروز، پس از صحبت منتقدان، برخی از حاضران از جمله فتح‌الله بی‌نیاز، محمدرضا ساطعی و چند تن دیگر درباره ساختارگرایی و نوع بینش حاکم بر داستان سخنانی بیان کردند.

نگاهی به مجموعه در «چشم تاریکی» نوشته محمدرضا گوردزی

چشمان کاملاً باز در تاریکی

خون دل‌مه بسته و ایستاده آن کج و داری غش غش می‌خندی، شکاف جمجمه‌ات باز می‌شد و بسته می‌شد. انگار نفس می‌کشیدی. اولین دفعه بود که این طور آهک و سیمان‌ها را پس می‌زدی و از خانه چندین و چند ساله‌ات می‌آمدی بیرون».

داستان «پرو و شیشه» هم گویی باز تلاشی دیگر است برای پیوند دنیای وهم و واقعیت اما این بار جذاب‌تر و به‌مدد زبان یکدست و خالی از ملال راوی، روایت‌تری است. با همه دیدار و گفت‌وگو دارد به مدد شخصیت پردازی از زبان او ما براحتی به فضاسازی و شناخت دختری جوان می‌رسیم. اما این فن نویسنده در داستان «دختری با پیرانه بلند قرمز» به یک اغراق خسته‌کننده بدل می‌شود. مردی که در خیال خود عاشق دختری است که با چهره گرد و سفید، چشم‌های سیاه و پیرانه بلند قرمز موهایش را آشفته کرده است و به او می‌نگرد. نویسنده گو اینکه در این داستان فراموش کرده است که آفرینند فضاهای این چنینی که بیانگر رؤیای خیال کسی است، نخب نما شده است؛ فضایی که نه درختن تک می‌شود و نه برگی می‌چیند یا دشتی برهنه‌زیر آفتاب، تک‌درختی خشک و سوسمارهای عجول با چشم‌های قوق زده. بوته‌های پراکنده خار و همه چیز و همه‌جا خاکستری. بی‌رنگ، محو.

و پیامی هم برداستان حاکم است که اغلب قابل حدس است چرا که چاره‌ای جز این پایان‌بندی برای این نوع داستان‌ها مرسوم نیست.

نویسنده این کتاب در مجموع سعی در امتحان فرم‌ها و فضاهای متفاوتی دارد که گاه در آن موفق می‌شود. مثل داستان «کت دوم» که مردی تنها از زندان آزاد شده است و با تغییر رفتار دوستانش مواجه می‌شود. مرد داستان نویسنده به خوبی از پس بیان مطلب برآمده و فضاهایی که خلق کرده است همه‌ها را به دنبال تهایی مرد می‌کشاند.

کتاب «در چشم تاریکی» «الاهی» است برای ساده نشستن و ساده حرف زدن اما این تفاوت که گاه باید داستان‌هایی نظیر «گل» یا «عباده» را ندید بگیریم. چرا که این کارها اگر ساده و راحت گفته شده است اما حسی را هم در خواننده بیدار نمی‌کند مخصوصاً اینکه در داستان «گل» می‌بینیم که گویا اجتناب بیان زبان گروهی لپن هیچ چیز هدف نویسنده نبوده است. یا داستان «پتیم» چه می‌خواهد بگوید؛ مگر نه آنکه این سوزده‌هایی که دکتر در جراحی، عضوی را به جای عضوی دیگر جراحی کرده است هزاران بار در برنامه‌های کم‌دی رادیو و تلویزیون اجرا شده است. با همه اینها وقتی می‌بینیم که در مجموع‌ای کارهای زیبا و گاه قوی‌ای وجود دارد که در خاطر می‌ماند می‌توانیم به کتاب‌های بعدی این نویسنده امیدوار باشیم اما باید این را هم بپذیریم که گاه برای رساندن تعداد داستان‌ها به مرزهای عز می‌باید باشد. به انتباهی دچار می‌شویم که جبران آن سخت است. به عبارتی دیگر اگر این مجموعه برای انتشار قدری بازنگری می‌شد شاید هیچ‌گاه داستان‌هایی که حکم یک آزمایش برای تمرین کار در دنیای شخصی نویسنده دارد در کنار کارهای باصطلاح شسته و رفته و آماده برای انتشار آورده نمی‌شد.

را حفظ می‌کند. این داستان از زبان پسری است که پدرش بعد از دو سال مرگ چند روزی است برگشته است. از همان ابتدای داستان به نحوی است که باید قبول کنیم در فضایی واقعی قرار گرفته‌ایم و انگار به انگار که مرده‌ها - حداقل با توجه به منطقی داستان - نمی‌توانند به دنیای زنده‌ها در هیأت قبلی‌اشان برگردند.

گوردزی می‌خواهد رابطه مرده‌ها با زنده‌ها را حل شده نشان دهد و با حضور ناگهانی و بی‌دلیل آنها در این داستان و «لبخند ری‌دی پستی چرم‌گون اسعی» در اثبات این فکر دارد اما متأسفانه در همین داستان «در چشم تاریکی» به هیچ وجه فضا و موقعیت برای پذیرش این فکر آماده نیست. اما این تلاش در داستان لبخند... باورپذیرتر است. چرا که حداقل راوی تحت فشارهای روحی - روانی بسیار است و بعد نیست که با کسی که مرده است - او یا به عبارتی کشته شده است - دیدار و با رابطه‌ای داشته باشد. اما در نهایت چیزی که خواننده را



● نویسنده سعی در امتحان فرم‌ها و فضاهای متفاوتی دارد که گاه در آن موفق می‌شود

سرباز داستان سرانجام این پادشاه کوچک را به ضرب گلوله‌ای از پای می‌آورد و تنها از او چند قطره کوچک خون می‌بیند که سریع جذب خاک می‌شوند اما این موجود که حالا شکل یک هراس را پیدا کرده است با باقی گذاشتن تکه‌ای از پوست تشنه‌اش در پیش می‌خواهد وجود دیوانه کفته خود را جلودار کند. با خواندن این داستان که از قضا اولین کاری است که در این مجموعه آمده است به این نتیجه خوب می‌رسیم که داریم کاری متفاوت از اثر قبلی این نویسنده به نام «پشت حمال» می‌خوانیم و خوشحالیم که در چهارده داستان کوتاهی که فکر نویسنده آنها دست و پنجه نرم کردن در خلق زبان و فضا نیست بلکه می‌خواهد در قالب داستان‌های ساده از دل‌ضربه‌های انسان‌های امروزی و اضطراب‌های ناگهانش سخن بگوید. اما به شرطی که وقتی تنها همین یک کار را می‌خوانیم کتاب را بندهیم تا خاطر خوش‌اثری متفاوت از گوردزی در ذهنمان بماند.

داستان کوتاه «در چشم تاریکی» دومین داستان این مجموعه است که همچنان و ذوق حاصل که از خواندن اولین داستان مجموعه به وجود آمده است

موقعیت نقد شعر در دنیای امروز

نشست نقد شعر در دنیای امروز در کانون ادبیات برگزار شد. در این جلسه که به همت کانون ادبیات شعر امروز برگزار شد، ابتدا دکتر بهرام مقدادی درباره موقعیت نقد شعر در دنیای امروز سخنرانی کرد. پس از آن مفتون امینی، عمران صلاحی، قیصر امین پور و تعدادی از شاعران جوان آخرین سروده‌های خود را برای حاضران قرائت کردند. محل برگزاری این مراسم فرهنگسرای بانو بود.

تأملی بر چشم انداز شعر امروز

سخنرانی ماه فرهنگسرای اندیشه این بار به سخنان محمود معتقدی اختصاص داشت. عنوان این سخنرانی «تأملی بر چشم انداز شعر امروز در دو دهه اخیر»

بود که طی آن معتقدی به نقد و بررسی جریان‌های شعری در دو دهه اخیر پرداخت. محل برگزاری این نشست آملی تئاتر فرهنگسرای اندیشه بود. **برگزاری اولین همایش شعر ترجمه در ایران**

اولین همایش شعر ترجمه در فرهنگسرای ورزش (بهمن) برگزار می‌شود. همایش شعر ترجمه با هدف شناسایی چهره‌های برتر در ترجمه و تشکیل کانون مترجمان ۲۵ مرداد سال جاری برگزار می‌شود. این همایش با نام «پنجره» و بر محور ترجمه شعر از دو زبان انگلیسی و عربی است که در پایان ۲۰ قطعه شعر جهت قرائت برگزیده و جوایز فیسی به آثار برتر اهدا خواهد شد. همچنین گزیده‌ای از آثار، در کتاب همایش (پنجره) چاپ و در دسترس خوانندگان قرار خواهد گرفت.

رمان قابل شناسایی است البته تمام میراث ادبی ما در ۵۰ سال اخیر همه‌اش تک صدایی نیست. اینطور که در تمام موارد یک استبداد ذهنی روی شخصیت‌ها سایه انداخته باشد ولی موارد زیادی هم بوده. ولی در این دو دهه ما تجربه‌هایی به دست آورده‌ایم که به ما ثابت کرده که چیزهای قطعی نیستند و همان‌طور تمام چیزهایی که گمان می‌کردیم مقدسند.

همین این امکان ذهنی را برای ما ایجاد کرده است که در برخورد با هر پدیده‌ای به جای قضاوت یگانه یا هیچ، قضاوتی ارائه نکنیم. این در مورد نقاشی هم مصداق پیدا می‌کند در مورد سینما هم. باید باور کنیم که به تعداد کسانی که یک اثر را می‌بینند حقیقت وجود دارد. این در واقع همان حقیقت متکثری است که وجود دارد. مجموعه تمام اینها زمینه‌هایی ایجاد می‌کند که ما به صداها می‌دهیم که در ناخودآگاهمان وجود دارد امکان بروز بدیهی. این یک دریافت مهم است که مبتنی بر یک زندگی ۲۰۰-۳۰۰ ساله مدرن است که به نوعی در ذهن هنرمند بازتاب می‌یابد و در قالب شکل‌های هنری متجلی می‌شود. تجربه‌هایی که ما تا بیرون یک جور تعریف می‌کردیم می‌توانند تعاریف دیگری هم داشته باشند. همین است که ذهن ما را توسعه می‌دهد این همان کارکرد ادبیات در جامعه مدرن است. کاری است که رمان در جوامع غربی کرده است. رمان به آدم امکان صحبت کردن می‌دهد ولی این را به وجدانیات ما نیز منتقل می‌کند، به گونه‌ای که صدای دیگران را هم بشنویم. این کارکرد اجتماعی ادبیات است در شعر هم همین طور است. از جمله بازتاب‌های این امر همین قضیه چند روایتی است و سبب فراهم هم اتفاقاً از همین جا آمده است. یعنی اگر ما این را بدرستی درک نکنیم ممکن است به یک امر کلیشه‌ای تبدیل می‌شود. فقط با گذاشتن یک حرف، یک قضاوت، یک دیدگاه، با لهجه و تکیه کلام‌های مختلف نمی‌توان به یک شعر چندصدایی رسید. در این صورت شعر به مضحکه‌ای تبدیل می‌شود که نمونه‌اش هم که نیست.

مسئله تفکیک واژه‌های ادبی از هم، مسأله‌ای است که این روزها خیلی‌ها از آن صحبت می‌کنند. یعنی مشخص کردن مرزهای بین داستان، شعر، سینما و غیره... این مسأله را در رابطه با کارهای اخیرتان چگونه توجیه می‌کنید؟

مرز موجود میان واژه‌های گوناگون مرزی نیست که بتواند مانع تداخل آنها در یکدیگر شود. امروز اتفاقاً دوره تداخل فرم‌ها در یکدیگر است. ولی در عین حال نباید یک ژانر را به نوعی از دیگر مصادره کرد. در شعر ما نباید داستان به نفع شعر مصادره شود و یا برعکس. در چنین تعاملی اگر قرار باشد تکنیک‌های روایتی داستان را بگیریم و وارد حوزه شعر کنیم همان بهتر که به خود زحمت شعر گفتن ندهیم و به جای آن داستان کوتاه بنویسیم.

بنابراین کیفیت این ورود بسیار مهم است. افشین شاهرودی کتاب اخیرش را به صورت یک مجموعه از شعر - طرح، چاپ کرده است. به طوری که این طرح‌ها بخشی از شعر او را تشکیل می‌دهند. این به عنوان تجربه هیچ ایرادی ندارد. منتها اگر این صرفاً به صورت کلیشه‌ای و مکانیکی در تمام هنرهای اتفاق بیفتد به امر ناخوشایند و آزار دهنده‌ای تبدیل می‌شود. اما اگر این به صورت دیگری اتفاق بیفتد یعنی اگر شما تکنیک‌های سینما را به نفع شعر مصادره کنید، در این صورت این دیگری استفاده از سینما نیست. بلکه یک نوع شعر خوانی است. به همین صورت مای توایم از تکنیک‌های روایت در شعرمان استفاده کنیم ولی به شکل درستش و در نهایت ما باید هر لحظه این آماجگی را داشته باشیم که یک روز به یک مجلس شعر خوانی دعوت شویم که شاعر پس از شعر خوانی، سطرهایی از شعر را با تابلوهای نقاشی نشان دهد و بخش‌هایی را به صورت یک فیلم سینمایی، این غریب‌مکن نیست البته برای شاعری که بر تمامی اینها احاطه نسبی داشته باشد. این رویکرد، رویکردی است که در نهایت می‌تواند به نفع هنر گیرنده تمام شود.

گرایش‌های ایماژیستی هم یکی از نکاتی است که در شعر شما نمود فراوانی دارد به گونه‌ای که گاهی احساس می‌شود که شعر شما (کاملاً آگاهانه) به سمت ایجاد یکسری تظاهرات ایماژیستی کشیده شده است. در این مورد خاص نظرتان چیست؟

تصویر (ایماژ) چیزی است که عمدتاً در توصیه‌های نیما به چشم می‌خورد. این یکی از آموزه‌های نیما بود که بشدت مورد غفلت قرار گرفت. چیزی که من بخصوص در اسطرهای پنهانی «از حوزه تعاریف نیما گرفتم» پرداختن به این وجه توصیفی بود. نیما معتقد بود که زبان شعر قدیم ما از زبان زنده توصیفی که در گفتار مردم، زنده است، به دور مانده است.

ما باید به این زبان نزدیک شویم. البته خود نیما در این

زمینه تجربه‌هایی داشت. مثل تصویرهایی که نیما از زندگی روستایی می‌دهد، از یک برهنه، یک درخت و... و حضور این عوامل به عنوان یک عین نه یک عامل ذهنی. اگر در شعر قدیم این عناصر حضور می‌یافتند بلافاصله به عناصر ذهنی تبدیل می‌شدند. در حالی که به توصیه نیما ما باید کاملاً برعکس عمل کنیم. باید در شعر مسائل ذهنی را به عینیت تبدیل کرد و این یعنی تجسد بخشیدن به شعر. یکی از راه‌های رسیدن به این امر همان زبان توصیفی است و راه دیگر دوری جستن از استعاره در محورهای افقی شعر. اما همان طور که گفتم این چیزی است که از آن غفلت شده. حتی شاعر بزرگی مثل سپهری تمام اساس کارش را روی عکس این موضوع قرار داد. یعنی ذهنی کردن تمام عینیات. هر چند حس زیبایی‌شناسیک خاصی که در کارهای او وجود دارد به کار او اعتبار دیگری بخشیده. به گونه‌ای که بعضی از تقلیدها از کار او به کاریکارهای مسخره‌ای تبدیل شده است.

اما چیزی که نیما می‌گفت حاصل زندگی مدرن بود. چیزی که هم دوره‌های نیما که غرق در دست‌های کلاسیک بودند نتوانسته بودند درک کنند. حتی کسانی مثل بهار، عشقی و شهریار و... آنها می‌خواستند چیزهایی مثل رادیو، هواپیما و موشک را در ساختار قدیمی کارشان وارد کنند. غافل از آنکه در آن ساختار ذهنی این عناصر واقعات عینی خود را به روشنی نشان نمی‌دادند. اما در شعر امروز ما قضیه فرق می‌کند. من همیشه سعی کرده‌ام این شعر را در شعر خودم به کار بگیرم. من وقتی می‌گویم درخت، فقط می‌خواهم درخت را توصیف کرده باشم نه



● حافظ موسوی: شعر در واقع

با احساسات یکی نیست.

شعر اتفاقاً با احساسات همراه است و نه با احساسات

بیشتر و نه کمتر.

یعنی به نوعی، گریختن از پرداختن به پیرامون اشیاء و بازگشت به ذات اشیاء...

این طور هم می‌توان گفت. من اخیراً در مقاله‌ای این روند را در شعر بعضی از شاعران نشان داده‌ام. شاید این یکی از انحرافات شعر دهه ۷۰ باشد. اینکه بعضی از شاعران در شعرشان دارند به سمت یکسری از بیان‌های ذهنی عقبگرد می‌کنند به جای بیان‌های عینی.

وجود یک فضای رمانتیک در شعر چیزی است که در کار شما انکارکردنی نیست. فضایی که به نظر می‌رسد به وسیله یکسری واژگان خاص که در عین حال حس نوستالژیک خاصی را تداعی می‌کنند، بر شعر شما سایه افکنده باشد. وجود چنین فضای تا چه حد می‌تواند در فضای آثار شما مؤثر باشد؟ و یا شاید برعکس... واژگانی چون چنگل، مه، رودخانه، کودک و...

قبل از هر چیز باید بگویم که تکرار چنین واژگانی و در پی آن چنین حسی برای من کاملاً یک مسئله شخصی بوده است که به تجربه خاصی در زندگی خصوصی من برمی‌گردد. فضایی که زلزله سال ۶۹ در رودبار در ایجاد آن بی‌تأثیر نبوده است. چون به هر حال من اهل رودبارم و چنین تأثیر این حادثه در زندگی من بسیار عمیق بود. چنین عناصری هم بی‌آنکه تعمداً در کار باشد وارد کارم شدند. البته بافاصله گرفتن از آن زمان بتدریج بازتاب این عناصر هم در ذهن من کمرنگ‌تر شد. هر چند در مجموعه اخیر هم ممکن است وجود داشته باشد. در مورد احساسات گرایش هم، من وجودش را در بعضی شعرهایم انکار نمی‌کنم. شعر در واقع با احساسات یکی نیست. شعر اتفاقاً احساسات همراه است و نه با احساسات. این برمی‌گردد به آنچه در مورد نیما گفتم؛ یعنی آنچه به حواس پنجگانه بر می‌گردد نه به احساسات رقیق که آن برمی‌گردد به حوزه گفتن و بیان و این برمی‌گردد به حوزه نشان دادن و تصویر کردن. این در کارهای من هست اما من امیدوارم که در مجموعه آنها موفق شده باشم. هر چند من آدمی نیستم که از خود منتظرات عجیب و غریب داشته باشم. اگر یک مجموعه شعر، چند شعر خوب هم داشته باشد که بتواند انتظارات خواننده جدی را برآورده سازد موفق بوده است.

رویکرد به متون مقدس و تأثیر پذیری از وقایع تاریخی

- مذهبی، چیزی است که امروزه دو گرایش موازی با آن در جریان است. شری امروز دیده می‌شود. یک گرایش افراطی به وارد کردن آنها در شعر و در مقابل گریز از پرداختن به مضامین این چنینی در فرایند ادبی. ضمن اینکه تأثیر تأویل‌های متون مقدس را در کار اخیر شما هم می‌توان دید... شعرى مثل «در خواب و بیداری» و دیگر اشعار مجموعه «شعرهای جمهوری».

حوزه متون مقدس چیزی است که بسیاری از شاعران از آن بهره‌برداری کرده‌اند... از شاملو گرفته تا دیگران. من معتقدم که هیچ عنصر فرهنگی وجود ندارد که نتواند دستمایه شعر قرار بگیرد. در مورد شعر من هم همین طور، هدف من هم همین بوده، انتزاع یک عنصر فرهنگی که گذشته و عنصری که با زندگی امروز ما عجین می‌شود. یک جور چرخه پایان‌ناپذیر که مدام تکرار می‌شود. شاید مفهوم دایره‌وار بودن محتوا هم که قبلاً بحثش شد، اینجا مصداق بیشتری بیابد.

در تاریخ ۴۰۳۰ ساله ما، جنبش‌هایی ایجاد شده که همه پس از طی یکسری روندهای دایره‌ای دوباره به نقطه آغاز برگشته‌اند. این است که شاملو می‌گوید: «ما حافظه تاریخی نداریم» یعنی ممکن است یک چیز را دو سه بار تجربه کنیم. از نظر حافظه تاریخی، این ناشی از دو امر است یکی گسست‌هایی که ایجاد می‌شود و دیگری ساختار قدرت. این دو عامل باعث شده است که ما بسیاری از تجربه‌ها را دور بزیم و هنر هم که می‌دانید چیزی است که از نظر روانشناسی هم از درون آدم‌ها نشأت می‌گیرد.

در کنار فضای نوستالژیک که از آن صحبت کردیم همواره یک تداخل ظریف میان روایا و واقعیت خودنمایی می‌کند. به این صورت که حافظ موسوی در «شعرهای جمهوری» اش دارد ما را بشدت عینی‌گرا می‌کند. او از «بریان دریایی» حرف می‌زند که هیچ وقت نمی‌آیند و مقابل، ما را به لمس همین «دختران سیاه سوخته» فرا می‌خواند. اما این روند حرکت، بسوی واقعیت مستقیم نیست. ما ابتدا به سمت تخیل خوابیده در پشت این واقعیت کشیده می‌شویم و دوباره در یک سیکل بسته به سمت واقعیتی پرتاب می‌شویم که شاید خیلی شیرین نباشد ولی به هر حال واقعیت است.

جالب است. دوست دیگری هم در نقدی که بر کارهای من نوشته بود به این نکته اشاره کرده بود که فلانی با دست گذاشتن بر تناقض‌های زندگی همواره به یک نوع تعامل بازنگری می‌رسد اما برای خود من، این یک امر درونی است. من فکر می‌کنم که آدم متعادلی هستم، بنابراین، این حرکت من در شعر به هیچ وجه آگاهانه نبوده است. در عین حال که فکر می‌کنم تمام زندگی مجموعه‌ای از تناقض‌هاست و انسان همواره در بین این تناقض‌ها در حرکت است. گاهی امیال درونی شما با امیال درونی جامعه سرسنازگاری دارد. یکی از شاعرانی که همیشه بر من تأثیر زیادی داشته است فروغ بوده است. با فروغ ما درست در وسط تناقضات و معضلات زندگی هستیم. با تمام تعاریف سهل و متعنی که فروغ از زندگی ارائه می‌دهد. اینها چیزهایی است که دیگر نمی‌شود مشخصاً تعریف کرد. اتفاقاً هنر در همین حوزه‌ها کار می‌کند. هنر اینجاست که زاویه‌های خیلی را کشف می‌کند.

هنرمند به علت اینکه در خود آن پدیده فرو می‌رود (با وجود تناقض‌های موجود) می‌تواند راه‌گشای عمل کند. من اصلاً قصد ندارم به یکسری برخوردی ناخوار برسم گرچه ممکن است شاعری هم به آن برسد. اما حرکت کردن در فاصله این تضادها و تناقض‌ها در روحیه من یک جور نقطه تعادل ایجاد می‌کند. یعنی به جایی در شعر می‌رسم که «دیگر نمی‌توانم». اینجاست که شعر می‌شود؛ یعنی به جایی می‌رویم که «با صبر/ با سکوت/ با عقل/ با جنون/ با هیچ چیز دیگر نمی‌توانیم» (شعرهای جمهوری صفحه ۱۵) یا در همین شعر «انسان و زمین» (شعرهای جمهوری صفحه ۴۸) ما با تناقض‌های انسانی روبرو می‌شویم و زندگی انسان در مجموعه همین تناقض مفهوم خودش را پیدا می‌کند. اما ما در کدام نقطه به تعادل می‌رسیم؟ انسان از سپیده دم تاریخ دنبال همین بوده ولی هیچ وقت به آن نرسیده و شاید هیچ وقت هم نرسد. ولی این کار، کار هنر است که انسان را با این تراژدی که هیچ وقت هیچ رستگاری از کار نیست سازگار کند. یعنی انسان فقط در هنر است. در شعر است که به راه‌هایی می‌رسد. آنجاست که تمامی عناصری که هرگز در واقعیت بیرونی با هم جفت نمی‌شوند با هم جور می‌شوند و شما برای لحظه‌ای احساس می‌کنید که رها شده‌اید. چه به عنوان خود خواننده چه به عنوان شاعر.

استاد

سیدابوالحسن مختاباد
a_najva@yahoo.com

فرهنگ واژه‌ها



دانشنامه‌نگاری
و فرهنگ‌نویسی
در چند سال
گذشته رشد
چشمگیری داشته

است؛ اگر چه در این میان برخی کتابسازی‌های رندانه صورت گرفته است، اما در مجموع، آثار و کتاب‌های مفید و کاربردی در این زمینه منتشر شده‌اند و روند انتشار آنها هم به گونه‌ای است که هر روزه کار بر کتابسازان دشوارتر می‌شود، چرا که دانش و آگاهی خوانندگان و بیگنان اینگونه آثار و نیز نقد آنها از سوی نقدمان، سبب شده تا بازار کتاب‌های باری به هر جهت این حوزه کساد شود.

کتاب «فرهنگ واژه‌ها» نمونه‌ای از کارهای شسته - رفته و جمع و جور و البته کاربردی در حوزه دانشنامه‌نگاری است. موضوعات و مدخل‌هایی که کتاب توضیح و تعریف واژه‌های آن را هدف خود قرار داده، عمدتاً در حوزه علوم انسانی و تا حدودی دین قرار دارند. پیش از این

داریوش آشوری فرهنگ علوم انسانی را که در واقع تنها معنی واژه‌ها را در برداشت و نه توضیح آنها را (انتشار داده بود. انتشارات مازار نیز فرهنگ علوم اجتماعی را عرضه کرده بود که در نوع خود اثری کامل و جامع بود، بخصوص که ناشر کتاب اخیر نیز همانند همین «فرهنگ واژه‌ها» از مجموعه‌ای از مترجمان و مؤلفان برای ترجمه مداخل مختلف حوزه علوم اجتماعی بهره برده بود.

نگاهی به مدخل‌های «فرهنگ واژه‌ها» نشان می‌دهد که سرور استار و ناشر سعی کرده‌اند هدف‌های زیر را در نگارش این اثر مدنظر قرار دهند:

مکاتب و مفاهیم نو و رایج را در حوزه‌های فلسفه و کلام، سیاست، هنر و... معرفی کنند، در بررسی و تبیین مفهومی واژه‌ها توصیفی علمی، بی‌طرفانه و به دور از حب و بغض‌های متداول را لحاظ کنند، در فرایند نگارش هر مدخل از محققان و نویسندگان متخصص و مشرف به همان حوزه استفاده کنند، در تدوین و نگارش متن نیز از زیاده‌نویسی، دشوارنویسی و پیش‌دوری‌های مرسوم پرهیز کنند. آنجا هم که نگاه انتقادی به مفهوم و مکتبی بوده، از زاویه علمی انتقاد شده و کنه‌اندونولوژیک.

فرهنگ واژه‌ها در هیأتی مناسب، با شیرازه‌بندی و صفحه‌آرایی چشم‌نواز به سرور استار و تألیف عبدالرسول بیات و جمعی از مؤلفان، از سوی نشر اندیشه و فرهنگ دینی به بازار عرضه شده است. نشر این کتاب نشان می‌دهد که ناشر نوپای این کتاب می‌خواهد ستون‌های کار خود را استوار و دقیق بنا نهاد.

گفت و گو با حافظ موسوی شاعر معاصر به انگیزه انتشار آخرین دفتر شعرش «شعرهای جمهوری»

شعر ، تعادل و رهایی

حافظ موسوی، از شاعران مؤثر در جریان شعری دهه ۷۰، با انتشار آخرین کتاب شعرش «شعرهای جمهوری» در ابتدای دهه ۸۰ حرف‌های تازه‌ای برای گفتن و شنیدن دارد. او که متولد ۱۳۳۳ از شهرستان رودبار است، تاکنون در عرصه‌های مختلف ادبیات و مطالعات توریک، فعالیت مستمری داشته است. که حاصل این فعالیت سه دفتر شعر منتشر شده «دستی به پنجره‌های مه گرفته دنیا»، «سطرهای پنهانی» و «شعرهای جمهوری» و مقالات متعدد است. به بهانه انتشار آخرین دفتر شعرش با او گفت‌وگویی انجام داده‌ام که می‌خوانید.



دهه‌های اخیر وضع فرق می‌کند. تمام تجربه‌ها در خود شعر اتفاق می‌افتد. ما هیچ حکم ایدئولوژیک قبلی نداریم. مثلاً وقتی من می‌گویم: «جمهوری یعنی عشق» بازی دو کیبوتر/بام یک حرم» این دیگر یک سخن ایدئولوژیک نیست. چیزی که من از جایی دیگر استخراج کرده باشم. این حس یک لحظه از زندگی من است. این تصویر یک جور تمنای رهایی است که از ما دریغ شده است. ولی وجود دارد. بحث ما البته تبدیل کردن شعر به یک مقاله یا یک بلندگویی ایدئولوژیک نیست این همان اتفاقی است که در دهه ۴۰ و ۵۰، شعر ما ملزمه زد. ضمن آنکه با وجود تمام مسائل تاوانست پیشهاد گیرنده هم باشد. شعر به جای دستور گرفتن از ایدئولوژی و آن حرف‌های کلی از پیش تعیین شده، با خود زندگی، تماس برقرار می‌کردند. نمونه برجسته‌اش هم فروغ فرخزاد است.

این مسأله فقط به شعر من مربوط نمی‌شود. مسأله روایت یکی از دغدغه‌های شعر امروز است چیزی که در اواخر دهه ۶۰ و دهه ۷۰ به آن رسیدیم این بود که شعر در وضعیتی قرار گرفته بود که دیگر تنها پیشنهاددهنده نبود. شعر می‌توانست پیشنهاد گیرنده هم باشد. شعر به ما این اجازه را می‌داد که از تجربه رمان هم استفاده کنیم. وقتی که من برای اولین بار کتاب اصلاح‌خانه شماره ۵ کورت ونه‌گات را می‌خواندم، جرقه‌ای در ذهن من زده شد. این رمان خودش یک جور ضد رمان را تداعی می‌کند. یعنی حتی در خود رمان هم، روایت، اساس کار رمان قرار نمی‌گیرد و شاید در همان ابتدا گره کار باز شود.

اینها همه مغزپلشتی ذهنی ما بوده است. ما همه سینما را دنبال می‌کردیم و کمابیش هم ناچار بودیم یک چیزهایی از سینما بگیریم. شاعر این دوره همانطور که گفتیم بی‌نیاز از هنرهای دیگر نیست. اگر این طور باشد و خودش را فقط به یک حوزه خاص محدود کند شاعری خواهد بود با دنیای محدود. این چیزها ما را به تلاطم وادار می‌کند. با وجود این زندگی متناقص، که هنوز چیزی را عرضه و بلافاصله ضد نقضی برای آن ارائه نکرده ما دیگر با یک روایت خطی مواجه نیستیم. شاید با همین دلیل من در شعر «در سطرهای بعدی» «امام در خلال شعر، سطرهای شعر را اصلاح می‌کنم یعنی دریافتی که در این شعر وجود دارد اصابت نمی‌کند. البته یعنی شعر هرچه جلوتر می‌رود در می‌یابیم که دریافت‌های ارائه شده در سطرهای قبلی ظاهرآ اشتباه بوده است. در مورد این بحث چند روایتی بودن شعر هم که این روزها مطرح است باز هم یک سوء تفاهم وجود دارد. این به معنی قاطعی کردن این مورد یا شعر چندصدایی به معنی عاشق نیست. اینکه چند آدم و چند زبان یا با چند لهجه مختلف در شعر وارد شود. چرا که اگر اینطور بود باید تمام نمایشنامه‌ها را چند صدایی می‌نامیدند. در حالی که بسیاری از نمایشنامه‌ها تک صدایی‌اند. ممکن است چندین نفر با تپ‌های مختلف هر کدام با لهجه‌ها و تکیه کلام‌های خاص خود در نمایشنامه‌ها حضور داشته باشند ولی این اثر، چندصدایی نیست، اثری چند صدایی است. (علمی چندصدایی می‌دهد. به همین دلیل است که کارنیزا آنتونیا «تولستوی»، «آنا کارنیزا» را می‌نویسد به آن براحتی نمی‌توانیم «آنا کارنیزا» وارد کنیم یا اینکه از او متفر شویم. البته ممکن است در آخر به یک نتیجه اخلاقی هم برسیم. این اثر یک چندصدایی است یا مثلاً «امام بواری» فلورین. این امر در تجربه‌های ادبی ما بخصوص در حوزه

من قصد ندارم که یک کلاه شرعی روی سر شعرهای ضعیف بگذارم ولی این توقع از منتقد و حتی خواننده وجود دارد که یک شاعر را در روند حرکت کلی‌اش بررسی کنند و این حق را به شاعر بدهند که گاهی برای یک طیف گسترده هم شعر داشته باشد. که اگر اینطور نباشد شاعر به یک ماشین شعرنویسی تبدیل می‌شود که فقط قرار است در حد و اندازه‌های فلان و بهمان معیار شعر بگوید. چنین کسی عملاً خلاقیت خود را سرکوب کرده است ولی در این مورد با شما موافقم. آن شعرهای پیشنهاددهنده و با شعرهای راهگشا ممکن است در هر شاعری کم اتفاق بیفتد یا ممکن است شما استنباط کنید که مثلاً من در مقایسه با شعرهای قبلی مثل «سطرهای پنهانی» که یکسری پیشنهاددهای مشخص در فرم، روایت و بیان... داشت، در مجموعه اخیر کمی کوتاهی کرده باشم. اما دلیل آن برای خود من بر هم رسیدیم. شعر ما در دهه ۶۰ بیشتر در حال مشق کردن بود. ما داشتیم فرم‌های جدیدی را مشق می‌کردیم. یعنی یکسری فرم‌های تثبیت شده تقدس زدایی می‌کردیم. در دهه ۷۰ و یکسری سوآخر آن ما با مسائل دیگری روبرو بودیم. بخصوص حرکت‌های اجتماعی در جامعه ما ایجاد شده بود مسائلی مثل دوم خرداد، جنبش‌های دانشجویی و اقبال عمومی مردم به درک و دریافت مسائل زندگی مدنی خود و... خوب مای شاعر هم در چنین فضایی زندگی می‌کردیم و این مسائل مسلماً روی کار ما اثر می‌گذاشت و این فقط در شعر من نیست. هر چند این شناس راداشته باشم که از اولین کسانی باشم که این گرایش‌ها را در شعر خود بازتاب داده باشم. زیستن در جامعه‌ای تلاطم که می‌خواهد خیلی از چیزها را دوباره معنا کند. گرایشی که در کار شاعران نسل جوان‌تر هم خودش نشان داده است. شعرهایی با تجربه زندگی در وضعیت موجود.

در این شعرها شما می‌توانید با رییس جمهور هم شوخی کنید و خیلی از عناصر و عوامل دیگر را نیز به خدمت بگیرید. فرم‌های ما اقتدر محدود نیستند که ما توانیم تجربه‌های زندگی را در آنها وارد کنیم. یکی از دلایل به بن بست رسیدن شعر در دهه ۶۰ این بود که شعر ما دیگر قادر به بازتاب دادن پیچیدگی‌های زندگی آن روز ما نبود. تجربه‌های جدید در فرم شعرهای دهه ۷۰ این ظرفیت را در شعر ما ایجاد کرد. شاید تجربه‌های این چنین راهم بتوان در شعرهای جمهوری پیدا کرد.

فکر می‌کنید تجربه‌های دهه‌های اخیر، ظرفیت‌هایی را برای ما ایجاد کرده باشند که بتواند ما را به سوی یکسری معیارهای تثبیت شده‌تر از نظر زیبایی‌شناسی هدایت کند؟ معیارهایی که در سایه آنها ما توانیم شاهد ظهور ژورنه‌های ادبی قابل توجهی باشیم. شاعرانی که آن چنان که باید و شاید با مخاطبان ارتباط برقرار کنند.

اگر بخواهیم این بحث را بازتر کنیم، این طور خواهد شد که شعر ما در سال‌های اخیر یک رویکرد اجتماعی‌تر پیدا کرده است. نمونه‌اش همین «شعرهای جمهوری» البته نباید فراموش کرد که در دهه ۴۰ و ۵۰ تمام شعر ما، شعر اجتماعی و شعر سیاسی بوده است اما میان این دو فضا یک فرقی وجود دارد. شعر سیاسی - اجتماعی آن سال‌ها عمدتاً یک شعر ایدئولوژیک بود و از یکسری دریافت‌های کلی سرچشمه می‌گرفت و خواننده به دریافت جدیدی نمی‌رسید. خواننده و شاعر بر سر یکسری مقوله‌های ایدئولوژی توافق ضمنی داشتند. این شعرهای بود که اصطلاحاً فقط یکسری وظایف و احساسات خاص را بیان می‌کرد. اما در

باید و شاید با فرم درگیر نمی‌شود. این مسأله را در راستای بحثی که داشتید چگونه توجیه می‌کنید؟ همانطور که می‌دانید مسأله ارتباط میان فرم و محتوا داستان قدیمی شده‌ای است. البته کسان دیگری هم ممکن است چنین بحثی را مطرح کنند که در این شعرها محتوا بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است. یعنی بیشتر چیزهایی که قرار بوده گفته شود اما در عین حال من معتقدم (نه اینکه مبتکر این قضیه باشم) که اگر به دقت به شاعران بزرگی که همواره دوست داریم بخش کارمان باشند نگاه کنیم، می‌بینیم که این شاعران بزرگ همه به نوعی متنوع بوده‌اند. یعنی شما اگر به شاعری مثل «رتیسوس» توجه کنید می‌بینید که شدت تنوع در کار او تا کاملاً تخصصی و سوگنامه‌هایی مادر شعر «شردا» انواع و اقسام چیزها را می‌بینیم. همین طور که در آثار «رتیسوس» شعری می‌بینیم که شعر کارگری است. شعری است که در میتینگ‌های کارگری خوانده می‌شود. در کنار شعرهای کاملاً ساده هم دارد و طیف که انسان را واقع‌انگیز می‌سازد. از ایران خودمان هم می‌توانیم کسی مثل شاملو را مثال بزنیم. شاملو شاعر بسیار متنوعی است. بعضی از کارهای شاملو از نظر فرمی بسیار پیچیده است و از سوی دیگر کارهای بسیار ساده هم دارد و طیف بسیار گسترده‌ای از مخاطبان را جذب می‌کند. در مورد فروغ هم همین طور است. مهم این است که شما وقتی به کلیت کارهای یک شاعر نگاه می‌کنید چقدر بتوانید در بین یک مجموعه، دو مجموعه و یا بیشتر از اشعار او، شاعری را



● حافظ موسوی:

شعر ما در سال‌های اخیر

یک رویکرد اجتماعی‌تر

پیدا کرده است

بیابید که طیف گسترده‌ای از مردم بتوانند با آثار او هم‌دلی داشته باشند و یا اگر بر فرض چنین کسی را بیابید آثار شاعر او در کلیت خود می‌تواند بازتاب و جودان جمعی مردم یک دوره باشد؟ من نمی‌خواهم ادعا کنم که موفق بوده‌ام ولی فکر می‌کنم تا حدی در این سمت حرکت کرده‌ام. مثلاً در همین شعرهای آخر مجموعه «شعرهای جمهوری» یک نوع تجربه در فرم‌های دیگر را با استفاده از تمثیل می‌بینید در این شعرها اساس کار، کار بر روی فرم‌های دیگری است با استفاده از طنز.

و یا شاید یک نوع غافلگیری... به ممکن است در خود «شعرهای جمهوری» هم با وجود اینکه شاید به نظر شما تکیه بر روی دریافت‌های شاعرانه باشد ولی اگر دقت کنید یک جور گفت‌وگویی بینامتنی هم وجود دارد (هر چند به طور ناخودآگاه) یعنی با وجود یک ساختار روایی خاص در شعری مثل «شعر جمهوری» با دریافت‌های دیگری که در مورد جمهوری (مثلاً در کار افلاطون) وجود دارد گفت‌وگو ایجاد می‌کنیم. البته گاهی اوقات هم در بعضی از شعرهای من حالتی وجود داشته است که در کل به شعر من ضربه زده است. مثلاً شعر «زمانی برای مستی آب‌ها» که واکنشی است. در مقابل فیلمی از بهمن قبادی. شاید بسیاری از دوستان این شعر را نپسندند ولی این شعر مخاطبان خاص خودش را داشته است. کردهایی که به خاطر این شعر مرا مورد لطف خود قرار دادند و حتی این شعر را ترجمه کردند. البته

در مجموعه شعر قبلی شما - سطرهای پنهانی - تلاش برای ایجاد نوگرایی در فرم را کمتر می‌بینیم. یعنی به نوعی در این دفتر ما با فرم‌های تجربه شده‌ای مواجهیم که به طرز عجیبی از اصالت پرداخت شده‌ای برخوردارند. نظر خودتان چیست؟

به طور کلی جریان شعری در دو دهه گذشته عرصه‌ای برای تجربه‌های جمعی بوده است و این ویژگی یکی از دلایل متفاوت بودن جریان شعری این دهه‌ها با دهه‌های گذشته است. در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ هر شاعری تقریباً تجربه‌های خاص خودش را داشت. از نیما و شاملو گرفته تا فروغ و سپهری یعنی با این وجود که کار آنها یکسری اشتراکات ضمنی داشت ولی خط فارق آنها هم روشن‌تر و آشکارتر بود. در دهه اخیر، تجربه‌های شعری جمعی‌تر و عمومی‌تر شد، یعنی در واقع همه کسانی که در این سال‌ها کار خود را شروع کردند و سعی داشتند به فضای شعری جدید برسند در یک حوزه‌های با هم اشتراک داشتند. مانند نگاه جزء نگرانه، پرداختن به زبان ساده و متمایل به زبان گفتار، فاصله گرفتن از لحن خطبه‌ای قاطع یا پیامبرانه، تقدس زدایی از قالب‌های گذشته، حتی از مضامین و قسطیاتی گذشته و...

یعنی به نوعی تولد مؤلفه‌های شعر متفاوت امروز... دقیقاً. این چیزی است که هم در کار شاعران قدیمی‌تر و هم در مورد شاعران جوان‌تر به چشم می‌خورد. یعنی شاعرانی که در همین دهه‌های اخیر کارشان را شروع کرده‌اند. پس حضور من در چنین تجربه مشترکی کاملاً طبیعی است. ولی این قضیه که من به امتحان کردن مجدد فرم‌های تجربه شده توسط دوستان هم تسلیم پرداخته‌ام (بی‌اینکه عیبی در این بینم) چیزی است که من تأییدش نمی‌کنم. من هیچ وقت آدمی نبوده‌ام که بپرروم کارهایم جنجال ایجاد کنم. شاید چون عقیده داشته‌ام که این کار است که باید خودش را نشان دهد و این در حالی است که بسیاری از مواردی که به عنوان مسائل فرم در کارهای من مطرح بوده است و نظر دیگران را هم جلب کرده است و شاید این سوء تفاهم را بوجود آورده است، مسائلی است که به سالها پیش و حتی به اولین دفتر شعر من برمی‌گردد. یکی از این موارد مسأله روایت است. تجربه‌های روایتی در شعر من، از اولین تجربه‌ها در این حوزه خاص بوده است. مثل تجربه‌هایی که در شعر «در سطرهای بعدی» و چند شعر دیگر دیده می‌شود. فکر می‌کنم تا پیش از آن ما شعری به این صورت و با این نوع خاص از تجربه‌های شعری را نداریم. هر چند بعدها دوست دیگری این کار را پیگیری کردند و توسعه دادند و یا یکسری از رفتارهای خاصی که در حوزه افعال انجام می‌شد و در همان سال‌ها در کارهای من وجود داشت و همین طور آویختن دو ذهنیت موازی.

ولی حتماً قبول دارید که یکسری از فرم‌ها در شعر شما به نوعی اصالت دست پیدا کرده‌اند که توجه مخاطب خاص را به لایه‌های درونی‌تر اثر جلب می‌کند... البته شاید این طور باشد که شما می‌گویید... شما حتماً می‌دانید که در این هفتاد ساله بعد از نیما که این همه آدم آمدند و رفتند، زمانه انتخابش را بر روی ۵۰ نفر بیشتر انجام نداده است. بنابراین ممکن است ما اصلاً این شناس راداشته باشم که هفتاد سال بعد حتی یک شعر از ما ماندگار با این حال هر کدام از ما سنگی در این بنای گذاریم. مهم این است که هر شاعری در درجه اول از شعر خودش لذت خاصی می‌برد و خنل‌های روحی خود را بر می‌کند. حالا در همین راستا سنگی می‌ماند، چیزی مثل همین اصالتی که به زعم شما در این فرم‌ها به چشم می‌خورد. موضوع دیگر تحولی است که به نظر می‌رسد به صورت یک انقلاب در محتوا بخصوص در کتاب اخیر تان «شعرهای جمهوری» ایجاد شده است. در عوض فرم به طور کامل به موازات آن متحول نشده است، به گونه‌ای که این شعرها، مخاطب را در محتوا نگه می‌دارد. به طوری که آن چنان که

حسین ابوترابیان، هم‌اند بسیاری از کهنه کاران مطبوعات و کتاب، شیرین سخن و پر از خاطرات شیدنی و خواندنی است، به نحوی که وقتی پای صحبت‌های می‌نشینی، اگر محدودیت زمانی نباشد، می‌خواهی ساعت‌ها و ساعت‌ها بنشین و از تجربیات پست و بلند زندگی‌اش آگاهی پیدا کنی. حسین ابوترابیان نزدیک به ۶۰ سال سن دارد و عمده فعالیت‌هایش در تدریس علوم ارتباطات و روزنامه‌نگاری است، اگرچه خوی به دامپزشکی علاقه شدیدی داشته و به همین دلیل این رشته را برگزیده است. ابوترابیان همچنین دستی چیره در تاریخ دارد و بزودی جلد اول از مجموعه پنج جلدی «تاریخ ایرانیان» وی به بازار عرضه خواهد شد. ترجمه و تألیف ۲۵ کتاب از دیگر فعالیت‌های این دانش‌آموز سال‌های دور است.

علاقه مندی شما به کتابخوانی از کجا نشأت گرفت؟
زمانی که من خواندن و نوشتن را آمیختم، یعنی وقتی کلاس دوم، سوم دستان بودم معلمی داشتیم که عادت بسیار جالبی داشت و هفته‌ای یک بار، کتاب به کلاس می‌آورد و برایمان می‌خواند و همین امر باعث شد تا من بتدریج به خواندن کتاب و گوش دادن عادت کنم و به کتابخوانی و مطالعه علاقمند شوم.
معلمات معمولاً چه نوع کتاب‌هایی را سرکلاس می‌خواند؟
کتاب‌هایی که با موضوعات متنوع از داستان گرفته تا کتاب‌های اجتماعی، تاریخی و...
در آن زمان، کتاب‌های دلخواهتان را چگونه تهیه می‌کردید؟

کتابفروشی‌ای نزدیک منزل ما واقع شده بود که من هر چند وقت یکبار به آنجا مراجعه می‌کردم و از آنجا کتاب کرایه می‌کردم، متأسفانه در آن زمان درآمدها آنقدر ناچیز بود که ما حتی پول خرید کتاب را نداشتیم.
بابت کرایه هر جلد کتاب چقدر پرداخت می‌کردید؟
یک ریال، یعنی شبی ۱ ریال پرداخت می‌کردیم و من برای اینکه پول کمتری بپردازم یک کتاب ۲۰۰ صفحه‌ای را ۲۰ روزه تمام می‌کردم و فقط ۲ ریال به کتابفروش می‌دادم.
وقتی که کتابی را می‌خواندید برای دوستان و همسن و سالانتان تعریف می‌کردید؟
اتفاقاً معلم ما همیشه به ما می‌گفت که بچه‌ها اگر کتابی خواندید، می‌توانید آن را سر کلاس تعریف کنید و من یاد می‌آید که چندین نوبت کتاب‌هایی که خوانده بودم را سر کلاس برای هم کلاسی‌ها و معلم تعریف کردم و این کار واقعاً برایم جالب بود و حتی من تشویق می‌شدم تا بیشتر

دانش آموز سال‌های دور

مریم جباری

گفت و گو با حسین ابوترابیان مورخ و مدرس علوم ارتباطات

۲ ریال برای کتاب ۲۰۰ صفحه‌ای

کتاب بخوانم و برای دوستانم تعریف کنم. بیشتر چه کتاب‌هایی می‌خواندید؟
مسلمان در آن زمان که من در سطح دبستان بودم و سن چندانی نداشتم نمی‌توانستم کتاب‌های سنگین را بخوانم، لذا بیشتر رمان‌های ساده و ابتدایی را می‌خواندم.
مثل چی؟

مثل: ترجمه‌های ذبیح‌الله منصوری و نوشته‌های شاپور آریزن‌زاد و ابراهیم مدرسی.

نام بردن از این کتاب‌ها نشان می‌دهد که بیشتر به موضوعات تاریخی علاقمند بودید، این علاقمندی از چه زمانی شروع و سپس تشدید شد؟
وقتی که کلاس سوم دبیرستان (قدیم) دوم راهنمایی (امروز) بودیم معلم تاریخی داشتیم به نام آقای «باباصفیری» وی اهل اردبیل و فرد با مطالعه‌ای بود که با لهجه سرزین ترکی تاریخ را بخوبی برایمان تشریح و توصیف می‌کرد. روزی درس ما به تاریخ امیرکبیر رسید و ایشان توصیه کردند که کتاب «امیرکبیر و ایران» نوشته دکتر فریدون آدمیت را بخوانیم. من هم طبق توصیه‌شان، اولی کتاب را تهیه کردم و خواندم و شاید باور نکنید الان که ۲۵۵۰ سال از آن زمان می‌گذرد می‌بینم که آن کتاب چقدر تاریخ ایران را به گونه‌ای تحلیلی و گویا نسبت به کتاب‌های دیگر تاریخی مطرح کرده است. کتاب بسیار فوق‌العاده بود و از همان زمان علاقه من به تاریخ شروع شد تا اینکه تاریخ قاجاریه و... را نیز خواندم. در واقع علاقمندی‌ام به تاریخ را مدیون معلم تاریخم آقای باباصفیری و دکتر فریدون آدمیت هستم که ایشان آن کتاب را بقدری جالب نوشته بودند که در من تأثیر بسزایی گذاشت و باعث شد به دنبال کتاب‌های تاریخی دیگر بروم.

از کتابفروشی نزدیک خانه‌تان چه کتاب‌هایی می‌گرفتید؟
بیشتر کتاب‌های داستانی که جنبه سیاسی و جنایی داشتند را کرایه می‌کردم؛ مثل کتاب آرسن لوپن و یا کتاب‌های تاریخی برحادثه مثل «۱۰ مرد رشید»، «لشاد خاتون» و عمده آثار آقای شاپور آریزن‌زاد.
در بین افراد خانواده چه کسی بیشتر شما را به کتابخوانی تشویق می‌کرد؟



پدرم فردی، اهل مطالعه بود ولی بیشتر کتاب‌های تخصصی می‌خواند.

چه کتاب‌هایی؟
چون تخصصش ریاضی بود (معلم ریاضی بود)، فقط کتاب‌های ریاضی و کتاب‌های فنی و مهندسی می‌خواند.

خود شما هم به ریاضی علاقمند بودید؟
نه زیاد، ولی در مدرسه درس ریاضی‌ام خوب بود و همیشه از درس ریاضی نمره خوبی می‌گرفتم و حتی بعدها دبیرم ریاضی گرفتند و در کنکور دانشکده علوم در رشته ریاضی با رتبه خوبی قبول شدم، ولی با توصیه اطرافیانم که می‌گفتند: «باید به دنبال رشته نان و آبدار بروی!» به دانشکده ریاضی نرفتم. به دنبال حرفه دامپزشکی رفتم، چون واقعاً به این حرفه علاقه داشتم.

پس چه کسی شما را به کتابخوانی تشویق می‌کرد؟
پدر بزرگم نقش اساسی و اصلی را در تشویق من به مطالعه داشت. او علاقمند به مطالعه کتاب‌های منطق و فلسفه و تاریخ بود. همیشه به من می‌گفت به جای کارها و رفتارهای بچه‌گانه کتاب‌خوان! من را کنار خود می‌نشاند و ساعت‌ها برایم از اولاتو و سعیدی و فلسفه مختلف سخن می‌گفت.
اوقات فراغتتان را صرف چه کاری می‌کردید؟
غیر از مطالعه و کارهای فنی هم علاقه داشتم، تابستان‌ها در گاراژ مکانیکی کار می‌کردم؛ گاراژ در چهارراه کالج واقع شده بود. به همین جهت به دانشکده فنی رفتم و

دیلم مکانیک اتمیبل را گرفتم. البته به کارهای الکترونیک هم علاقه داشتم و گهگاهی رادیو و تلویزیون را باز و بسته می‌کردم!!

خاطره‌ای از دوران دانش‌آموزیتان دارید؟
به یاد دارم وقتی که کلاس ۵ ابتدایی بودم (زمان ملی شدن صنعت نفت بود) درس جغرافیا داشتیم و معلم نقشه کشورهای آسیایی را بر روی تخته نصب کرده بود و درس می‌داد. کسی در کلاس رازد و در باز شد و دیدم که چند نفر بازرس از وزارت فرهنگ (آموزش و پرورش) آمدند و داخل شدند و یکی از بازرس‌ها گفت سؤالی می‌کنم هر کسی که بیاید در دستش را بالا بگیرد. گفت چرا انگلیسی‌ها کشتی مریل‌ها را توقیف کردند و...؟

آن زمان معلومات عمومی دانش‌آموزان در حد بسیار پایینی بود. چون به کتاب دسترسی نداشتند و مطالعه نمی‌کردند، لذا وقتی بازرس این سؤال را کرد همه فقط به او خیره شدند. از بین بچه‌ها من دستم را بالا گرفتم. بازرس گفت بیای تخته و توضیح بده. رقمم پخته است و در مورد ملی شدن صنعت نفت توضیح دادم.

بازرس متعجب به من نگاه کرد. تشویق کرد. وقتی به بیرون از کلاس آمدم، با خودم گفتم اگر به تاریخ علاقه نداشتم و مطالعه غیردرسی نمی‌کردم نمی‌توانستم به این سؤال پاسخ درست دهم.

خاطره دیگری به ۱۴ سالگی من بر می‌گردد که در مجله تهران مصور مسابقه و جدول و... طرح می‌کردم و برایشان می‌فرستادم و آنها هم چاپ می‌کردند. روزی نامه‌ای از طرف مجله برای من آمد. (نامه در مورد همکاری بیشتر با مجله تهران مصور بود) من رفتم و نزد مدیر مجله (مهندس عبدالله والا) در دم گفتم شما با ابوترابیان کار داشتید؟ گفت: بله. گفتم من ابوترابیان هستم. گفت: پس به پدرت بگو باید داخل گفتم من گفتم پدرم خودم ابوترابیان هستم که مسابقه را برای مجله‌تان طرح می‌کنم. به من نگاه کرد و خندید و گفت: احسن سپرم. و از آن به بعد با وجود سن کم سرپرست مسابقات و جدول مجله شدم. حتی بعدها ترجمه‌هایی را به مجله می‌دادم که چاپ می‌شد.

چند فرزند دارید؟
دو فرزند.

آنها هم مثل شما اهل مطالعه هستند؟
بله. اتفاقاً یکی از فرزندانه به تاریخ علاقه شدیدی دارد و یکی دیگر فقط به داستان و قصه علاقه دارد. من آنها را از همان کودکی به حال خود گذاشتم تا کتاب‌های دلخواهشان را بخوانند.

در صدقه ۱۳ کتاب هفته مورخ ۱۴۲۹/۸/۲۲ (پیلی ۴۵۹) مطلبی از آقای نصرالله حدادی تحت عنوان «چاپ‌بند و چاپ کردن» به چاپ رسیده بود که بیان کرد مشوک اغلب نشران این مرز و بوم است در سفرهای پهلانی مطلب آقای حدادی ظاهر آنمآم تقصیر رایبه گردن آن ناثر بیچاره انداخته و در مان دروش را چاپ نکردن کتاب و تخته کردن در نشر و از نان خوردن افتادن دست‌اندر کاران آن دانسته‌اند.

آقای حدادی در ستون راسته کتابفروش‌ها، تا امروز نسخه‌های فراوانی برای دردهای فراوان نشر ایران نوشته‌اند که برخی از آنها یکی‌چیده شوند، گره‌های بزرگی از کار بازمی‌شود و برخی علیرغم مفید بودن، اصلاً قابل پیچیدن نیستند، اما این نسخه بسیار تعجب‌برانگیز بود. هر چند مثال کار گران‌لوله‌گاز و غیرت‌نفر اصلی، شباهت‌هایی اندک به وضوح صنعت نشر ما دارد، اما اصلاً قابل مقایسه مع الفارق است و هیچ ربط معقولی به آن ندارد. شما که در دانشتای این راهبید و می‌دانید در مملکت ما ناشر شدن یعنی خودکشی اقتصادی یعنی عشق، یعنی جان‌کندن و سختی کشیدن برای کاری که در هیچ کجای مملکت غیر از دل و زبان اهل فرهنگ، قدردان و حامی ندارد و... شما دیگر چرا اهالی فریخته و دل‌سوخته نشر را با کارگری که تنها برای به پایان بردن روز و گرفتن دستمزد زمین‌راهی کند و پرمی‌کنند و به خیر و شوش هم کاری ندارد یکی می‌کنید!!

با اندک شناختی که از طریق نوشته‌های شما پیدا کرده‌ام گمان نمی‌کنم که ندانید گره کار کجاست و فکر نمی‌کنم که قصد گرفتن واهی یا اخذ مجوزی یا تأسیس مؤسسه‌ای داشته‌باشید که شمارا وادار به غضب عین کرده باشد.

هر کسی با کتاب سر و کار دارد می‌داند که برای هر عنوان کتاب در هر زمینه‌ای (جز موارد استثنایی که بسیار اندک می‌باشد) در کشور ما حداقل ۲۰۰۰ خواننده پیدا می‌شود و صداقت بسیار بیش از این رقم خواننده بالقوه برای هر کتابی وجود دارد، اما آنچه باعث می‌شود کتاب‌هایی با شمارگان حتی ۲۰۰۰ نسخه بر روی دست ناشر بماند و هزینه انبارداری را نیز بر زبان انباشته ناشر نیفزاید، چیز دیگری است اگر می‌باید دست می‌داد و ستونی و صفحه‌ای فراهم می‌بود، به تفصیل وارد این بحث می‌شدم. اما عناوین آن اینها هستند:

۱- نبودن نظام توزیع منسجم و گسترده در سطح کشور. ۲- غلط بودن سیاست‌های وزارت ارشاد. ۳- غلط بودن سیاست‌های تبلیغی وزارت ارشاد، صدا و سیما و سایر متولیان تبلیغی و فرهنگی کشور. ۴- نواقص فراوان نظام آموزشی کشور در سطح مختلف از پیش از دبستان تا دانشگاه.

ایدموارد می‌یادداشت برخاسته از درد، شمارا وادارده به این گونه مسائل بریزد و به جای نوبت کردن ناشران از خدمت بزرگی که به جامعه می‌نوشته‌هایتان بیدار بانی برای اولیای امور فرهنگی جامعه باشد.

مسئدهای شما چه می‌باشد

راسته کتابفروشی‌ها

گفتن و ناگفتن

نصرالله حدادی

دوست نادیده، جناب آقای سید مهدی جهرمی، بزرگواری فرموده و نقدی بر نوشته حقیق قلمی فرموده‌اند. نقد ایشان بر مقاله «چاپ‌بند و چاپ کردن» که در شماره ۷۲ به چاپ رسید، حاوی نکاتی درخور تأمل است و امید آنکه بتوانم حق مطلب را ادا کنم و پیشاپیش امید عفو و اغماض دارم.
دوست خوبم! بر من خرده گرفته‌اید که چراپی حاصل بودن کاری را با ماجرای لوله‌گذار قیاس کرده‌ام و آن را قیاس مع الفارق» فرض فرموده‌اید و با بی‌ارتباط دانستن آن، تذکر داده‌اید که شاید باعث نومیدی همکاران نشر شود. خدمتتان عارضم، چگونگی می‌توان عملی را انجام داد و «به خیر و شروش کاری نداشت؟ انجام هر کاری، باید بازمی‌داشتند باشد. اگر بازده مثبت است، آن شاه‌الله که خیر است و اگر عمل انجام شده، با منفی داشته باشد، به جز شرمش منشأ دیگری نمی‌توان بر آن مترتب دانست.

همگان می‌دانیم که کتاب بر روی کاغذ با قیمت پاره‌ای به چاپ می‌رسد. همان‌گونه که نان به قیمت ارزان طبع می‌شود و دور ریز آن کفران نعمت است، چرا باید کتابی در شمارگانی کارشناسی نشده به چاپ رسد و بعد به ثمن بخص، آن هم به صورتی کاملاً غیر تجاری به فروش رسد. بحث امانی گرفتن کتاب از سوی مؤسسات پیش‌کتاب، هیچ دلیلی ندارد، زیرا آنکه بسیاری از مؤسسه‌های دولتی و غیر دولتی، آشنایی چندانی با «ورود کتاب» ندارند و با چاپ آن، فقط اتلاف بیت‌المال می‌کنند و سرانجام، آن را چوب حراج است و یا کارخانه مقواسبزی. آیا به صرف اینکه خواسته‌ایم «عده‌ای از نان خوردن نینفتند» باید کاری عبث انجام داد؟ خوب! بهترین راه این است که ضرر را دو سو بیه نکنیم، ما که قرار است پولی را به هدر دهیم، پس چرا کتاب چاپ کنیم؟ به افرادی که قرار است نان بخورند، حقوق بیکاری بدهیم و عزای فروش کتاب را نیز بگیریم. به نظر می‌رسد استدلال شما، پایهای چوپین دارند، البته اگر به دنبال خیر کاری نباشیم و قصد آن کنیم که برای گرفتن دستمزد زمین را بکنیم و بر سرزمین حال «اگر برای دیگران آب ندارد، برای ما که نان دارد» فرموده‌اید: ناشر شدن یعنی خودکشی اقتصادی، یعنی جان‌کندن و سختی کشیدن برای کاری که در هیچ کجای مملکت، غیر از دل و زبان اهل فرهنگ، قدردان و حامی ندارد. «اولاً، من

نمی‌دانم چرا تنها ما فکر می‌کنیم که عاشق کارمان هستیم و دیگر مشاغل، عشقی را نمی‌آفرینند؟ ثانیاً، اگر کار نشر خودکشی است، پس چرا پنج هزار مجوز نشر صادر شده است؟ یعنی ما این تعداد آدم واجد خودکشی داریم، آن هم این‌گونه آگاهانه؟!

بزرگواری، «ناز پرورد تعمر نبرده به دوست» بسیار هستند که در این دیار «دل در گرو» کار خود، آن هم عاشقانه دارند، مگر ما تافته جدا بافته‌ایم؟ ثانیاً نگاه به احوال برخی از ناشران بیندازید تا بداند خودکشی آن هم از نوع اقتصادی‌اش چگونه است؟ دوست خوبم! این روزها هیچ عاشقی «بار عشق و مفلسی را با هم به دوش نمی‌کشد». ... خاطر خواهی، پول می‌خواد دایی «و باید» در کبسه‌ت زر باشد، تا کلمات را متین بخواند، «یک جمله از این معنی، گفتیم و همین باشد» و عاقل را یک اشاره کافی است، کدام خودکشی؟

فرموده‌اید فکر نمی‌کنم که قصد گرفتن واهی یا اخذ مجوزی یا تأسیس مؤسسه‌ای داشته‌باشید که شما را وادار به غضب عین کرده است.

باید خدمتتان عرض کنم به علت «لکنت عقل» ارتباط این کتاب با دیگر مطالبتان را دریافت نکردم، ولی باید بگویم، بزرگواری که حقیق را می‌شناسند می‌دانند «نه خراب‌دشاهم، نه رعیت دولت» و اگر نبود یابیی که در کل دارم؟ زهر چه رنگ تعلق پذیرد، از خدای خواست تا آزادم دارد و اگر «برای نان خوردن، چانه‌ای می‌چینانم» حیاتی است که در گرو دارم و مدیون اویم که اندک غیرتی را در من دمیده تا امیدوارش سازم، و گرنه در خود، این همه‌ها را نمی‌دیدم و شاکرم از خدای خود که به طیفیل او نانم می‌دهد.

در ارتباط با ایراد و اشکال‌های موجود در توزیع کتاب و سیاست‌های حمایتی و تبلیغی و آموزشی، خدمتتان عارضم: ما را با بزرگان کاری نیست و بسیار شنیده‌ام «صلاح کار خویش خسرو است دانند» و «حکمت» یاد لقمان دادن، عین بی‌ادبی است» و آنچه به قلم کشیده حقیق همواره جاری است، دو منشأ دارد: اول: توصیه دوستان در باب مطرح کردن مشکلات خانواده نشر و دوم: تجارب نزدیک به ربع قرن عضویت در خانواده نشر که بر آن ادعایی ندارم، ضمن آنکه «افتادگی» بیش از حد را نیز بسبب می‌شمارم. بر تذکر پایانی اتان، سیاست‌گذارم. در بیان درده، قصد نومیدی ندارم و امید آن که چنین برداشتی از این پس از قلم من نشود. از خداوند بزرگ می‌خواهم که هرگز مرا به خود وانگذارد و با امید زیارتان، تا بگویم آنچه را که در دل دارم تا بداند چقدر فاصله است میان «خودکشی اقتصادی» و تجارت پاره‌ای! هر چند که همیشه این بند سعیدی بزرگواری را همواره بر گوش دارم: راز خود، با یار خود، هر چند بتوانی مگو یار را یاری بود، از یار یار اندیشه کن

یادیار باشید

گفت و گو با محمدتقی امینی پور کتابفروش (تبریز)

کتابفروشی فلسفه

در میان کتابفروشی‌های شهر تبریز، کتابفروشی جمع و جور و کوچکی قرار دارد که نزد شهروندان تبریزی به کتابفروشی «فلسفه» مشهور است. محمدتقی امینی پور که مدتی کار کتابفروشی را رها کرده بود، دوباره در این کتابفروشی به کار مشغول شده است. گفت‌وگو با او به این شکل بود.

از چه زمانی به حرفه کتابفروشی روی آوردید؟
از قبل از انقلاب مدتی سرگرم کار کتابفروشی بودم، ولی بعد رها کردم و...

چه دنبال حرفه دیگری رتم.
علاقه‌ای به کتابفروشی نداشتید؟
چرا ولی به خاطر مشکلات رفتن به دانشگاه و... مدتی این حرفه را رها کردم.
مجدداً از چه زمانی وارد این حرفه شدید؟
از سال ۷۴.

مساحت کتابفروشی شما چند متر است؟
حدود ۱۲ متر.
در این مترها چند جلد کتاب جای می‌گیرد؟
حدود ۶ هزار جلد.

بیشتر چه کتاب‌هایی عرضه می‌کنید؟
کتاب‌هایی با موضوعات علوم انسانی؛ مثل ادبیات، فلسفه و...

در کنار کتاب، لوازم التحریر، CD و... هم می‌فروشید؟
نه، البته چند نوار و CD مثل نوارهای دکتر شریعتی را می‌فروشیم. ولی لوازم التحریر و CD نمی‌فروشیم.

مشتری ثابت دارید؟
بله، همین مشتریان ثابت باعث دلگرمی و تداوم کارمان می‌شوند.

مشتریان شما بیشتر از چه کتاب‌هایی استقبال می‌کنند؟
بیشتر فلسفه، البته کتاب‌های فلسفی را بیشتر از کتاب‌های دیگر در کتابفروشی عرضه می‌کنیم.
چرا؟

چون در تبریز زمینه توزیع این نوع کتاب‌ها محدود است.

معمولاً به مشتریانان در موقع خرید کتاب، مشاورت و آگاهی می‌دهید؟
تا حدودی. البته فکر می‌کنم مشکل اکثر کتابفروش‌ها همین باشد. کمتر کتابفروشی شما پیدا می‌کنید که با مطالعه قبلی و اطلاعات وارد این حرفه شده باشد. من معمولاً سعی می‌کنم که از تجربیات و اطلاعات دوستانه استفاده کنم.

کتاب می‌خوانید؟
بله، معمولاً کتاب‌ها را مطالعه می‌کنم.

تحقیق هم می‌دهید؟
بستگی به مشتری دارد. معمولاً به دانشجویان ۵ تا ۱۰ درصد تحقیق می‌دهیم.
از نظر اقتصادی حرفه‌اتان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
کسی که به دنبال درآمد بیشتر باشد هرگز به این حرفه رونمی‌آورد.

میزان فروش شما نسبت به کتابفروشی‌های اطرافتان چگونه است؟

کتابفروشی ما در پاساژ واقع شده و در معرض دید مستقیم نیست و مسلمان‌نیت به کتابفروشی‌های دیگر فروش کمتری داریم.
پرفروش‌ترین کتاب‌های دو هفته گذشته را نام ببرید؟
هایداگر و سیاست، مترجم؛ سیاوش جمادی، انتشارات ققنوس.

پرنده من، فریبا وفی، نشر مرکز.
مجموعه آثار افلاطون، ترجمه دکتر محمدحسن لطفی، انتشارات خوارزمی.
مصدق، دولت ملی و کودتا، انتشارات طرح نو، زیر نظر عزت‌الله سبحانی.

خسرو جمال پور مدیر نشر پور

توزیع سنتی و ناکارآمد



کتاب جدول هم ما را یاری دادند. ایشان سال گذشته در گذشتند.
شما تمام فعالیت‌هایتان معطوف به نشریه کتاب جدول است. کار نشر را چه می‌کنید؟
بله. کار نشر را هم اگر فرصتی پیش بیاید انجام می‌دهیم؟

شمارگان نشریه کتاب جدول چند نسخه است؟
بین ۲۰ تا ۳۰ هزار نسخه که در فصل‌های مختلف تغییر می‌کند. مثلاً فصل تابستان شمارگان و فروش ما زیاد است.

کل شمارگان به فروش می‌رسد؟
خیر.
برگشتی‌هایتان چکار می‌کنید؟
آنها را برای خمیر شدن می‌فروشیم. هر نسخه ۳۰ تومان ولی متأسفانه این نشریات سراز ترمینال‌ها و خیابان‌ها در می‌آورد. کسانی که اینها را از ما می‌خرند آنها را چند برابر می‌فروشند. چون نشریه جدول تاریخ مصرف خاصی ندارد و هیچ وقت کهنه نمی‌شود.

توزیع و پخش کارهایتان به چه شکلی است؟
ما با نشر گستر قرارداد داریم و آنها کار پخش تهران و شهرستان ما را انجام می‌دهند.

شما با مخاطبیتان هم در ارتباط هستید؟
بله ماهانه بین ۶۰۰ تا ۱۰۰۰ نامه از مخاطبیتان دریافت می‌کنیم که در آنها پیشنهاد و انتقادهایی مطرح شده است. برگشت سرمایه در انتشار نشریه سریع‌تر است یا نشر کتاب؟

مسئلاً در کار نشریه ما برگشت سرمایه مان سریع‌تر است، ولی متأسفانه در اینجا هم، ما با پخش‌ها مشکل داریم به این شکل که ۳۶ درصد از قیمت روی جلد به توزیع کنندگان تعلق دارد.
در مورد کتاب‌هایتان هم با این مشکل مواجهید؟

در میان تمامی ناشرانی که به کار نشر می‌پردازند ناشران کتاب‌ها و نشریات جدول، جایگاهی ویژه دارند. این گروه در واقع مدرسان فرهنگ مطالعه و به کارگیرنده دانسته‌های حل‌کنندگان جدولند. با جمال پور که علاوه بر انتشار نشریه جدول مدیریت نشر پور را به عهده دارد، گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که می‌خوانید.

چطور شد که علاقمند به فعالیت در حوزه نشر شدید؟
من قبلاً در وزارت اطلاعات و جهانگردی سابق مشغول بودم و آنجا در اداره کل انتشارات کاری می‌کردم و همانجا با کار نشر آشنا شدم و آشنایی مختصری نیز با انتشارات و مطبوعات پیدا کردم. بعد از اینکه بازنشسته شدم اقدام به تأسیس نشر پور کردم.
نشر پور در چه سالی تأسیس شد؟
سال ۱۳۷۰.

حوزه فعالیت کاری شما در چه زمینه‌هایی است؟
کتاب‌هایی که ما چاپ می‌کنیم متنوع هستند. رمان و داستان، سینما و خاطرات. ما علاوه بر کار کتاب در کار نشریات هم فعالیم.

چه نشریاتی؟
نشریات جدول و سرگرمی مثل جست‌وجو، کتاب جدول و...
چند عنوان کتاب از تأسیس نشر پور تا حالا منتشر ساخته‌اید؟

۱۲ عنوان کتاب چاپ کرده‌ایم، ولی عمده کارهای ما در سال‌های اخیر همان چاپ کتاب جدول بوده است.
چرا دنبال انتشار کتاب‌های جدول رفتید؟
من قبلاً در مجلات مختلف جدول بودم، مثلاً کتیبه از جمله نشریات معتبر در امر جدول و سرگرمی بود. در آنجا با دوستان زیادی آشنا شدم از جمله مرحوم علی‌اصغر افراسیابی که در این امور خلاقیت ویژه‌ای داشتند و در

گفت و گو با دکتر فریدون کامران مدیر انتشارات دانشیار

پخش کتاب کودک آسان‌تر است



مؤسسه تحقیقاتی، انتشاراتی و مشاوره عالی دانشیار از سال ۱۳۷۳ کار خود را با ارائه مشاوره به دانشجویان مقاطع کارشناسی ارشد و دکتر، آغاز کرد. بتدریج برگزاری کلاس‌های آموزشی مدیریت در سطوح مختلف را و پس از آن چاپ و انتشار کتاب در حوزه‌های متعددی چون برنامه‌ریزی، مدیریت و حتی کودکان سرلوحه کار خود قرار داد.

دکتر فریدون کامران:

درست است که کارمان را با مشاوره به دانشجویان آغاز کردیم اما بتدریج احساس کردیم مشکل اصلی درون سازمان‌های ما نهفته است. ما از ضعف فراوان مدیریت رنج می‌بریم، پس متوجه شدیم جای دست زدن به ساختار سازمان‌ها وجود دارد و می‌توان انتظار داشت با این روش دگرگونی عمده‌ای در وضعیت اقتصادی-اجتماعی سازمان‌ها به وجود آید و این میسر نبود جز با تغییر سطح شناخت مدیران بدون آنکه شننج سازمانی وجود آید و این همه موجب شد که آموزش را در سطح مدیران از سطوح پایین مثل مدیریت سرپرستی آغاز کردیم و آن را به بالاترین سطح یعنی مدیریت استراتژیک تعمیم دادیم. بتدریج برگزاری همایش‌های متعددی در زمینه بهره‌وری را هم به مجموعه کاری امان افزودیم و شاید بتوان گفت ما اولین سازمان خصوصی بودیم که در سطح ملی همایش برگزار کرده و می‌کنیم. چون معمولاً دولت با دانشگاه‌ها با بودجه بسیار وسیعی که دارند باعث و یبانی این همایش‌ها هستند. شما با این تعدد مشغله کاری، مشغله نشر را چگونه و با چه هدفی افزودید؟

مشغله وقتی زیاد شد میزان کار کم می‌شود. وقتی ما کار تحقیق مشارکت سیاسی کارگران را انجام می‌دادیم، شش ماه کار نشر را تعطیل کردیم. پس اعتراف می‌کنم مشغله گسترده کاری بدون تأثیر نیست اما سعی می‌کنیم با

برنامه‌ریزی همه‌اش را در کنار هم داشته باشیم و شاید به همین دلیل است که پس از یک سال و نیم حدود ده عنوان کتاب منتشر کرده‌ایم اما حالا احساس می‌کنیم با سازمان‌های بیشتری می‌توانیم کار نشر را جلو ببریم.
با مطالعه‌ای که روی برخی عناوین منتشر شده شما داشتیم، به نظر می‌رسد تاکنون تنها چکیده همایش‌ها را در قالب کتاب منتشر کرده‌اید؟
البته کار انتشارات این موارد را هم

دنبال می‌کند یعنی کتاب‌های خودمان را منتشر می‌کنیم مثلاً کتاب توسعه عمران با برنامه‌ریزی روستایی، اما هم‌اینک در تلاشیم آن را وسعت دهیم. طبعاً از بخش نشر هم انتظار داریم در حوزه‌های دیگر مثلاً کودکان، کتاب‌های آموزشی و طراحی نیز فعال باشد.

آیا شما سابقه نشر کتاب کودک هم دارید؟
تاکنون حدود ۵ یا ۶ کتاب کودک کار کردیم.

منظورم سابقه تخصصی کتاب کودک است؟
در زمینه کتاب کودک هم ما رسالت خودمان را به عنوان

استاد فراموش نکردیم. در حال حاضر بازار کتاب را کتاب‌های کامپیوتری یا رنگ‌آمیزی جذاب اما بی‌محتوا پر کرده است و این جای تأسف است و طبعاً موجبات نگرانی برای نوجوانان می‌پردازیم که حامل یک پیام آموخته برای بچه‌ها باشد و البته سعی داریم روی رنگ‌آمیزی کتاب هم کار کنیم و فکر نمی‌کنیم لطمه‌ای به کودکان زده شود بلکه ما پیامی آموخته را به آنها انتقال می‌دهیم. از طرفی پخش کتاب کودکان راحت‌تر از زمینه‌ای است که در آن تخصص داریم. نباید فراموش کرد که جامعه ما با جمعیت زیادی که در سطح کم‌سواد بی‌سواد خود دارد، برای آموزش به ساده‌ترین زبان که همان زبان کودک است، نیاز فراوان دارد.

منظورم این است که فقط سووددهی این بخش که موجب سرشکنی هزینه‌ها در بخش‌های دیگر می‌شود، شما را به



بله. مشکل پخش کتاب در ایران مشکل دیرینه و حل‌ناشده‌ای است که همیشه بر صنعت نشر تأثیر گذاشته است. تعداد زیادی از کتاب‌هایی که چاپ کرده‌ایم الان در انبار است و دلیل اصلی هم این بود که ما توزیع کننده خوبی پیدا نکردیم. اگر پخش کتاب‌های ما خوب صورت می‌گرفت مطمئناً مورد توجه قرار می‌گرفتند.

میانگین شمارگان کتاب‌هایتان چقدر است؟
۳ هزار نسخه.
آخرین کتابی را که منتشر کردید چه بود؟
کتابی بود تحت عنوان «خودآموز» که نویسنده این

رمان آقای حسین آرابی پور هستند.
به عنوان آخرین سؤال، بزرگ‌ترین مشکل صنعت نشر ایران را چه می‌دانید؟
توزیع بد و سنتی ناکارآمد. به نظر من کار پخش و توزیع کتاب و نشریات را باید وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عهده گیرد، اگر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یک سازمان مشخصی را جهت توزیع در نظر بگیرد با جرأت می‌توان گفت اگر تسهیلاتی هم که به ناشر تعلق می‌گیرد قطع شود، ناشر می‌تواند به کار خود ادامه دهد.

منظورم این است که حوزه نشر در کشور کلاسه شده نیست. ناشر در یک موضوع خاص کار می‌کند و سودآوری خود را از حوزه‌های دیگر تأمین می‌کند البته این در ذات خود ایرادی ندارد اما نزدیک شدن به زمینه کودک که دستمایه اغلب ناشران است، خطرناک است. به دلیل حساسیت مخاطبان آن بهتر است سؤال را اینگونه بپرسم که به نظر شما به عنوان یک اقتصاددان و جامعه‌شناس چگونه می‌توان مشکلات حوزه نشر را حل و فصل کرد و اصولاً ما در این حوزه مشکلی داریم یا خیر؟

مشکل نشر بیشتر معطوف به پخش کتاب است. اما مشکلات موجود در حوزه نشر از طریق مدام کردن مطالعه یعنی ایجاد ضرورت مطالعه به عنوان یک نیاز عام در جامعه حل شدنی است. نیاز عام یعنی به عنوان مثال در هر کشور خارجی کتاب در مترو، اتوبوس و صف خرید همواره در دسترس و مورد مطالعه مردم است اما مردم ما ساعت‌های طولانی از وقت خود را در تاکسی، اتوبوس و صف‌های طولی می‌گذرانند یعنی آن‌که حسن کنند می‌توانند مطالعه کنند. زمینه ایجاد چنین تفکری نیز عدم تأمین اجتماعی است چرا که در نظر روانی هر فرد دغدغه تأمین مخارج خود و خانواده خود را دارد و لااخر. از طرفی میزان تبلیغات کتاب در کشور ما بسیار پایین است و محیط مطالعه بسیار محدود و مبسته. مردم، نویسندگان و محققان خود را نمی‌شناسند و طبعاً آثار آنها را نیز نخواهند شناخت.

خواندن داستان‌های انگلیسی کوتاه

گفت و گو با الهام اخوان ذاکری - مترجم

کتاب زمان هیچگاه برای موشها متوقف نمی شود با ترجمه الهام اخوان ذاکری بتازگی در نشر ایران‌بان چاپ شده است. این کتاب اولین تجربه ذاکری در زمینه ترجمه کتاب‌های کودکان است.

ابتدا خودتان را معرفی کنید.

الهام اخوان ذاکری متولد سال ۱۳۴۹ فارغ التحصیل رشته مترجمی زبان انگلیسی از واحد مرکز دانشگاه آزاد اسلامی (واحد زبان‌های خارجه) هستم و از ابتدای ورود به دانشگاه با تدریس،

الهام اخوان ذاکری

شرکت در نمایشگاه‌های بین‌المللی به عنوان مترجم همزمان، ترجمه مقاله‌های گوناگون و نیز به عنوان راهنمای تورهای خارجی مشغول به کار بوده و هستم.

از چه زمانی به فکر ترجمه افتادید و آیا کتاب حاضر به سفارش ناشر ترجمه شده یا خودتان در انتخاب آن نقش داشتید؟

از دوازده سالگی به این رشته علاقه پیدا کردم. زیرا فراگیری مداوم زبان انگلیسی و تشویق‌های خانواده‌ام برای یادگیری هرچه بیشتر و خواندن کتاب داستان‌های انگلیسی کوتاه، انگیزه ترجمه و تحصیل در رشته مترجمی را برایم ایجاد کرد و به همین علت بود که این رشته را انتخاب کرده و ادامه تحصیل دادم. البته باید بگویم در دوران دانشجویی و بعد از آن کتاب‌هایی را ترجمه کردم که در دست چاپ هستند. در بهمن سال ۱۳۸۰ بود که این کتاب به حسن سلیقه و سفارش دوست عزیزم خانم نیلوفر تیموریان که ناشر این کتاب هستند و خودشان نیز مترجم چندین کتاب دیگر در زمینه ادبیات کودک و نوجوان می باشند، انتخاب شد و من بعد از مطالعه، تصمیم به ترجمه

تذکره

از سبلان تا آلف

جلسه نقد و بررسی آثار محمدرضا بایرامی

جلسه نقد و بررسی آثار محمدرضا بایرامی نویسنده کتاب‌های مهر مهربان، مهمان مهناب، پشت سپیدار بلند مدرسه ما، شب در بیابان، بر لبه پرنگاه، وقتی کولی‌ها برمی‌گردند، کوه مرا صدا زد و... در کتاب ماه کودک و نوجوان برگزار شد.

در این جلسه امیرحسین فردی درباره جایگاه آثار بایرامی صحبت کرد و دکتر علی عباسی به بررسی صور خیال و ساختار برخی از آثار بایرامی بخصوص کتاب «کوه مرا صدا زده» پرداخت.

امیرحسین فردی سخنان خود را با یاد شهدای نویسنده آغاز کرد و ادامه داد: «آقای بایرامی از صفر شروع کرد و توانست آوازه نام ادبیات کودک و نوجوان ایران را به آن سوی مرزها برده و پایه تعبیری صدای سبلان را به آلف برساند. «فردی دهه ۶۰ رده پرفروغی برای ادبیات کودک و نوجوان دانست و گفت: «در این دهه شاعران و نویسندگان با انگیزه قوی وارد میدان شدند. همه دنبال هویت گمشده خود بودند و می‌خواستند بگویند که ما هم سری در سراها داریم. در واقع در جنگ بودیم و در پشت جبهه‌ها قصه نوشته می‌شد.»

فردی اظهار داشت: «اکنون که به گذشته می‌نگرم متعجب می‌کنم که چه چیزی موجب شد کیهان بچه‌ها متحول شده و کانون نویسندگان قرار گیرد؟ نویسندگانی همچون آقای بایرامی که داستان پشت سپیدار بلند مدرسه ما نوشته ایشان برای اولین بار در کیهان بچه‌ها را چاپ شد و البته نویسندگان دیگری همچون آقای محمدرضا کاتب، آقای باباخانی، غلامی، شفیع، خانم قاسم‌نیا، طاق‌دیس و... همه از کیهان بچه‌ها شروع کردند و من از این نظر خود را سر دیر خوشبختی می‌دانم.»

فردی که ۲۰ سال است سردبیر مجله کیهان بچه‌ها می‌باشد، گفت: «بهترین آثار بسیاری از نویسندگان در دهه ۶۰ در کیهان بچه‌ها نوشته شد. دوستان جمع می‌شدند و کارهای یکدیگر را نقد و اصلاح می‌کردند. چرا چنان صمیمیتی دیگر وجود ندارد؟»

این سخنران بی‌توجهی به کتاب کوه مرا صدا زد را تأسف برانگیز خواند و گفت: «زمانی که اولین شماره‌های کوه مرا صدا زد که در کیهان بچه‌ها چاپ

آن گرفتیم. البته در اینجا لازم می‌دانم که در کنار حسن سلیقه و انتخاب ایشان از کمک‌های خانم مرجان کشاورز آزاد در ویراستاری و آقای علیرضا افغان در طراحی جلد این کتاب قدردانی و سپاسگزاری کنم.

موضوع کتاب چیست و نویسنده در پی رساندن چه موضوعی به خواننده است؟

داستان از شهری خیالی که جمعیت آن راموش‌ها تشکیل می‌دهند، شروع شده و در ابتدا زندگی ساده و آرام موش ساعت‌سازی را به تصویر می‌کشد که با ورود خانم موش خلیبان برای تعمیر ساعت مچی‌اش، دستخوش تغییر و دگرگونی می‌گردد. زیرا عدم مراجعه خانم موش خلیبان در زمان مقرر و از طرفی عشق به دیدار مجدد این خانم، ناخودآگاه او را بر آن می‌دارد تا به کمک خانم موش خلیبان رفته و وارد دنیای عجیب و پرحادثه‌ای شود و سرانجام...

به طور کلی نویسنده سعی کرده با انتخاب موش‌ها، شخصیت‌های مثبت و منفی انسان‌ها را به گونه‌ای دلنشین به خوانندگان همه گروه‌های سنی انتقال دهد تا بتوانند درک صحیحی از شناخت زیبایی معنوی که ماندگار بوده و روی به کمال و تعالی دارد، برسند. زیرا که زیبایی ظاهری با گذشت زمان و با وجود استفاده انسان‌ها از انواع روش‌های علمی جهت حفظ آن، زوال پذیر است و تمامی انسان‌ها روزی با این حقیقت روبرو خواهند شد.

در فعالیت‌های آینده خودتان اگر کتابی در دست دارید، بگویید.

کتاب‌های دیگری را از این نویسنده برای ترجمه در نظر دارم.

فاطمه ادبی

خط دوست

حمید هنرجو

مؤلف به دنبال جایگاهی واقعی!



هفته گذشته، انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، طی نامه‌ای معافیت مالیاتی نویسندگان و مؤلفان را به وزارت دارایی متذکر شد، ضمن آنکه بیشتر هم‌اشاراتی بر این موضوع رفته بود...

تألیف و مؤلف در جامعه ما هنوز جایگاه تعریف شده خودش را پیدا نکرده است. بسیاری از اظهارنظرها و حرف‌هایی که بر اهمیت نوشتن و جایگاه مؤلف دلالت دارند اما همانطور که گفته شد، این جایگاه در محدوده الفاظی زیبا و راضی‌کننده باقی مانده و مصداقی در عمل پیدا نکرده است، زیرا نوشتن به عنوان یک حرفه معرفی نشده و اصولاً یک نویسنده حرفه‌ای باید مشکلات عدیده‌ای را تحمل کند تا بتواند کار خود را تداوم بخشد.

عدم معافیت جامعه مؤلفان از مالیات، رو در رویی با مشکلات ناتمام وادی نشر، برخورداری سلبی و قضایی با آنها و... همه و همه از مسائلی است که این قشر را جامعه فرهنگی، به طور جدی با آنها مواجهند و برای رفع هر کدام از این تقیصه‌ها اگر قدم مسؤولانه و کارشناسی برداشته نشود، نباید به چشم انداز روشنی از آتیه فرهنگ کشور اندیشید.

مؤلف، تمامت آرزوها، یأس‌ها، آموزه‌ها و

اهتمام خود را طی سالیانی دور و دراز وارد دنیای مکتوب می‌سازد. می‌نویسد و پاره‌های فکر و رنج انکارناپذیرش را بر صفحات سپید منقوش می‌نماید. از لحظه‌ای که قلم در دست می‌گیرد تا هنگامی که اثرش در دستان مخاطب تورق می‌شود، مراحل توصیف‌ناپذیری پشت سر گذاشته می‌شود و اینجا تازه اول کار است. نقد و بررسی اهل نظر در رسانه‌ها

و محافل فرهنگی و... مؤلف را با خود درگیر می‌کند که این تعامل افتاقاً به نفع اثر و نهایتاً جامعه است. زیرا نقد و بررسی جامع یک اثر مکتوب، اطلاع‌رسانی مناسب را نیز به همراه دارد اما به ناکاه بر اثر یک سوء تفاهم یا برداشت شخصی، نویسنده به محاکم قضایی خوانده می‌شود، یا مبلغ قابل توجهی به عنوان مالیات از حق‌التألیف ناچیزش کسر می‌شود و... حال بماند که در مرحله نشر کتاب هم با دشواری فراوانی مواجه بوده است! آیا واقعاً زمان آن نرسیده است که نگاه عمیق‌تر و کلان‌تری به جامعه اهل قلم داشته باشیم؟ قبول کنیم بزرگ‌نمایی اشتباهات ناخوایسته و احتمالی آنها به نفع هیچ‌کس نیست.

اما تشویق آنها به تقویت و ارتقای جایگاه فرهنگی جامعه می‌انجامد. بی‌تردید در چنین شرایطی از مؤلفان می‌توان انتظار داشت که در تئور مسائل انسانی و ارزشی بکوشند و با رویکردی دلسامی و آگاهانه بنویسند...

فرهنگنامه کودکان و نوجوانان

فرهنگنامه کودکان و نوجوانان - جلد هفتم، پدیدآورنده: شورای کتاب کودک زیر نظر توران میرهادی (خمارلو) و ایران گرگین، شرکت تهیه و نشر فرهنگنامه کودکان و نوجوانان، چاپ اول، ۱۳۸۱، ۲۹۴ صفحه.

جلد هفتم فرهنگنامه کودکان و نوجوانان حاوی آخرین مقاله‌های حرف ب از بوتیمار تا بیهقی و مجموعه‌ای از مقاله‌های حرف پ از پائولی تا برندگان است. این جلد دارای ۱۲۲ مقاله، ۱۹ ارجاع، ۳۲ تصویر، ۳۲ نقشه، ۱۷ نمودار و جدول می‌باشد.

ناشر در ابتدای کتاب فرهنگنامه را اینگونه توصیف می‌کند:

فرهنگنامه کودکان و نوجوانان به این دلیل که اطلاعات پایه و آگاهی‌های عمومی مورد نیاز دانش‌آموزان را با بیانی علمی و زبانی ساده و ملمه‌دار تاریخ فرهنگ ایران در اختیار آنان قرار می‌دهد. راهنما و نقشه تحقیق و پژوهش است، روحیه جست‌وجوگری را در میان دانش‌آموزان تقویت می‌کند که پیش‌نیاز دگرگونی در نظام آموزش و پرورش کنونی کشور ماست.»

در پیشگفتار این کتاب به ایجاد بخش ترویج فرهنگنامه اشاره شده که این بخش وظیفه معرفی فرهنگنامه را به عنوان کتاب مرجع به مدارس، دانش‌آموزان، معلمان و مدیران به عهده دارد. گفتنی است فرهنگنامه در سال ۱۳۷۹ جایزه ترویج علم ایران را اخذ نموده است.

درختی که زمستان را از سر گذراند

درختی که زمستان را از سر گذراند، سهی مری، تصویرگر؛ امیل آتونوچی، مترجم؛ دل آرا قهرمان، ۱۳۸۰، ۶۶ صفحه، مصور و رنگی.

زمستان تمام شده و دوران تاریکی به سر رسیده بود، ابتدا درخت با شادمانی دریافت که توانسته زنده بماند؛ با خاطرات تلخ و ناملاطماتی که متحمل شده بود، اینک تنها مانده و فراموش شده بود؛ زنده ماندن کافی نبود. می‌بایست به گذشته بنگرد و در آن معنایی بیابد. مری سهی قصه‌ای برای نوجوانان نوشته که در آن برای همه کسانی که از دورانی دشوار در زندگی گذر کرده‌اند پیامی دارد، «درختی که زمستان...» برای آنانی نوشته شده که زنده مانده‌اند و در ورای رنج‌ها، شادی و اعتماد به نفس خود را باز یافتند و همدردی با دیگران را آموختند.

دوچرخه سبز

دوچرخه سبز، محمدرضا یوسفی، مشهد، شرکت به‌شتر، (آستان قدس رضوی)، ۱۳۸۰، ۸۰ صفحه.

بین چیمین نوجوان کرمانشاهی با آرش که به خاطر انتقالی پدرش به کرمانشاه آمده، دوستی زیبا و صمیمانه‌ای شکل می‌گیرد. چیمین نان خشک‌های مردم را جمع می‌کند و از فروش آن می‌خواهد دوچرخه‌ای شبیه دوچرخه آرش بخرد. آرش با خانواده‌اش از کرمانشاه می‌رود...

کتاب باقطعه‌های زیبایی ادبی در هر فصل شروع می‌شود.

ایستگاه میر

(بر می‌گردیم و گل ستاره می‌چینیم) ایستگاه میر، ویولت رازق‌پناه، تهران، نشر آینه آثار، ۱۳۷۸، ۱۰۶ صفحه.

این کتاب برنده جایزه صلح یونسف در سال ۱۳۷۹ شده است. آنتین برنده المپیاد علمی از ایران به همراه نخبگان دیگر از کشورهای آلمان، روسیه، ژاپن و آمریکا برای تحقیق و آشنایی با ایستگاه میر به مسکو می‌روند. آنان ضمن آشنایی با فرهنگ و تجربیات یکدیگر پیام عشق، محبت، دوستی و اتحاد خود را برای جهانیان ارسال می‌کنند.

صدیقه حاجی زاده در مدارس ۳۰ سال سابقه کار مدیریتی و تدریس دارد؛ وی تحصیلات خود را در زمینه کارشناسی تغذیه به اتمام رسانده اما علاقه خاص وی به کتاب و کتابخوانی سبب شده تا هنگامی که وارد مدرسه پیش‌دانشگاهی شد، ابتدا با ۵۰ جلد و سپس با مشارکت دادن دانش‌آموزان و اولیای آنها، کتابخانه‌ای با ۲۳۰۰ عنوان کتاب را بنا نهاد. گفت‌وگو‌ی ما را با وی بخوانید.

از چه سالی مسؤلیت این مرکز پیش‌دانشگاهی را عهده‌دار شدید؟

از سال ۷۶-۷۵.

وضعیت کتابخانه مدرسه به چه صورتی است؟

بهبتر است بگویید چطور بود.

چرا؟

زمانی که من مسؤلیت مرکز پیش‌دانشگاهی را به عهده گرفتم کتابخانه‌ای در این مرکز وجود نداشت. من در همان بدو ورود به این مرکز از نقاط مختلف با همکاری دانش‌آموزان ۵۰ جلد کتاب تهیه و کتابخانه را راه‌اندازی کردم. بعد از آن هر ساله به مناسبت هفته کتاب، کتاب‌هایی را از اداره آموزش و پرورش با تخفیف می‌خریدیم و به کتابخانه اضافه می‌کردیم.

هم‌اکنون چند جلد کتاب در کتابخانه موجود است؟

حدود ۲۳۰۰ جلد.

دانش‌آموزان مدرسه و نیز اولیا و مربیان برای تجهیز کتابخانه کمک می‌کنند؟

بله، یکی از دانش‌آموزان به مناسبت هفته کتاب ۵۰

در گفت‌وگو با شادی جنان‌صفت متوجه شدم که وی تقریباً تمامی اخبار مربوط به کتاب را دنبال می‌کند و شاخص‌ترین نویسندگان هر رده سنی را می‌شناسد. گفت‌وگو‌ی ما را با وی بخوانید.

چقدر به مطالعه کتاب‌های غیردرسی اهمیت می‌دهید؟

به قدری که حتی شب امتحان دست از مطالعه کردن بر نمی‌دارم. همین امروز صبح بود که کتاب «چشم به راه» اثر دانیل استیل را تمام کردم.

در روز چند ساعت مطالعه می‌کنید؟

بستگی دارد. اگر کتاب خوب و دلخواه من باشد به طور پی‌درپی آن را می‌خوانم ۵.۶ و شاید هم ۷ ساعت. شما که به طور پیوسته مطالعه می‌کنید، مورد اعتراض مادر و پدرتان واقع نمی‌شوید؟

چرا اتفاقاً زانمان امتحانات بود که کتاب اسکارلت را از نمایشگاه بین‌المللی کتاب خریدم و در هنگام خرید مادرم با من شرط گذاشت که موقع امتحانات کتاب را نخوانم. به شرط مادرت عمل کردی؟

(می‌خندد) بله. البته اول تکالیفم را انجام دادم و دیدم نمی‌توانم از کتاب دست بکنم به ناچار از خواب شبم زدم و کتاب را خواندم.

چه چیزی باعث شده تا شما به این صورت (جدی) کتاب بخوانی؟

شاید باور نکنید، من واقعاً به کتاب و مطالعه علاقه دارم و حتی شادی و لذتی که از خواندن کتاب به من دست می‌دهد شاید با چیز دیگری به دست نیاید. از کتابخانه مدرسه کتاب امانت می‌گیری؟

بله. چه نوع کتاب‌هایی امانت می‌گیری؟

کتاب‌هایی که مورد علاقه و توجهم باشد. مثلاً کتاب مردان کوچک اثر آل کورت را از کتابخانه امانت گرفتم.

کتابخانه مدرسه خودتان را چگونه دیدید؟

متأسفانه کتاب‌های موجود در کتابخانه با جذابیت ندارند و یا اینکه تکراری هستند و من آنها را خوانده‌ام. از طرفی کتابخانه در طبقه آخر، یعنی طبقه چهارم مدرسه واقع شده است و مافقظ رنگ‌های تفریح فرصت داریم که به کتابخانه برویم و از آنجایی که کتابخانه همیشه شلوغ

جد کتاب به کتابخانه مدرسه اهدا کرد و انجمن اولیا و مربیان نیز حدود ۵۰ هزار تومان کتاب خریداری و به کتابخانه مدرسه اهدا کردند.

تعداد دانش‌آموزان مرکز پیش‌دانشگاهی چند نفر است؟

۶۳۷ نفر.

چند نفر از دانش‌آموزان عضو کتابخانه هستند؟

حدود ۲۰۰ نفر.

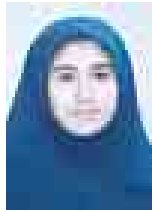
فکر نمی‌کنید این تعداد برای عضویت کتابخانه کم باشد با توجه به اینکه به کمک‌های دانش‌آموزان و استقبال آنها از کتابخانه‌ها در بین صحبت‌هایتان اشاره کرده‌اید؟

البته به جز این تعداد، یعنی ۲۰۰ نفر، بقیه چه‌جا به صورت متفرقه از کتابخانه مدرسه کتاب می‌گیرند؛ یعنی در فضای کتابخانه مطالعه می‌کنند و کتاب امانت نمی‌گیرند از طرف دیگر دانش‌آموزان به دلیل تحصیل در مقطع پیش‌دانشگاهی درگیر امتحانات کنکور هستند و ترجیح می‌دهند، اوقاتشان را صرف خواندن کتاب‌های درسی کنند تا کتاب‌های غیر درسی.

دانش‌آموزان بیشتر از چه نوع کتاب‌هایی در کتابخانه استقبال می‌کنند؟

شادی جنان‌صفت دانش‌آموز سال سوم راهنمایی مرکز آموزشی فرزندانگان:

ما را دست‌کم نگیرید



● نویسنده‌گان ایرانی هنگام تألیف و نوشتن رمان یا داستان فکر می‌کنند دانش‌آموز زیاد نمی‌فهمد

هست، زنگ‌های تفریح نمی‌توان به آن مراجعه کرد. چون تا بخواهی چهار طبقه را بالا بروی و کارت بدهی و کتاب بگیری زنگ خورده است. بنابراین فرصت مراجعه به کتابخانه خیلی کم است. البته باید همین‌جا اشاره کنم که تأخیر در تحویل کتاب هم عاملی برای مراجعه کمتر به کتابخانه است.

چرا؟

در برابر هر تأخیر کتاب از نمره انضباط ما کم می‌شود و گاهی اوقات من آنقدر درگیر درس و خواندن کتاب می‌شوم که کتاب را دیر تحویل می‌دهم و یا همیشه وقتی کتاب را امانت می‌گیرم می‌ترسم که اگر دیر تحویل بدهم از نمره انضباطم کم شود. برای همین کمتر از کتابخانه مدرسه استفاده می‌کنم.

بیشتر چه نوع رمان‌هایی می‌خوانی؟

رمان‌های خارجی.

چرا؟

چون داستان‌های ایرانی که برای نوجوانان نوشته می‌شوند فضای محدودتری دارند و نویسندگان خوب نمی‌نویسند.

منظورتان چیست؟

یعنی نویسندگان ایرانی هنگام تألیف و نوشتن رمان یا داستان فکر می‌کنند، دانش‌آموز زیاد نمی‌فهمد. لذا نوشته‌هایشان را بسیار ساده و حتی سطحی می‌نویسند. به عبارت بهتر آنها نوجوان را پایین‌تر از سنش در نظر می‌گیرند و این طرز فکر و نوشتن اصلاً جذاب نیست. برای همین نوجوانان ترجیح می‌دهند آثار خارجی بخوانند.

این حرف شما شامل همه نویسندگان ایرانی می‌شود؟

نه، برخی از نویسندگان واقعاً خوب می‌نویسند. مثلاً

بیشتر از تست‌ها و کتاب‌های کمک‌درسی! البته از کتاب‌هایی با موضوعات تاریخی و جغرافیایی هم استقبال می‌کنند. تاریخ و جغرافیا؟!

بله، دبیران تاریخ و جغرافیا، دبیران بسیار فعالی هستند و دانش‌آموزان را با پیشنهاد کارهای تحقیق به کتابخانه سوق می‌دهند. دانش‌آموزان هم برای انجام تحقیق به کتابخانه می‌آیند و از کتاب‌های دلخواهشان استفاده می‌کنند.

امسال چه مقدار بودجه برای خرید کتاب اختصاص دادید؟

اسمال ۵۰ هزار تومان بودجه برای خرید کتاب در نظر گرفتم علاوه بر آن فهرست برخی کتاب‌ها را مشاور و مربی تربیتی در اختیار ما گذاشتند که ما با توجه به آن فهرست ۲۰ هزار تومان دیگر هم در اختیارشان گذاشتیم.

حداکثر هزینه‌ای که در طول سال تحصیلی برای خرید کتاب اختصاص می‌دهید چقدر است؟

حدود ۱۰۰ هزار تومان.

اداره آموزش و پرورش هزینه‌ای یا کمکی برای تجهیز کتابخانه مدرسه در اختیار شما می‌گذارد؟

بله، گاهی اوقات کتاب‌هایی از اداره برای نمایشگاه‌های کتاب ارائه می‌شود که با تخفیف خریداری می‌کنیم. سال گذشته ۵۵ هزار تومان از اداره کتاب خریدیم.

یعنی این کتاب‌ها در کتابخانه موجود است؟

بله!

فکر می‌کنید یک کتابدار چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟

در مرحله اول فقط کتابدار باشد. یعنی در کار کتابداری کارشناس و متخصص باشد. چون در این صورت بهتر می‌تواند با بچه‌ها ارتباط برقرار کند و به آنها مشورت دهد.

اسماعیل فصیح و هوشنگ مرادی کرمانی واقعاً نوشته‌هایشان متناسب با سن افراد است.

چه کتاب‌هایی از اسماعیل فصیح و هوشنگ مرادی کرمانی خوانده‌ای؟

کتاب «اسیر زمان» و «دل کور» و «داستان جاوید» که از آثار اسماعیل فصیح است و کتاب‌های «حمره»، «همهان» «امان»، «قصه‌های مجید» از هوشنگ مرادی کرمانی. به نظر شما تفاوت نوشته‌های این دو نویسنده با سایر نویسندگان در چه چیزی است؟

(خوب) به نظر من در مرحله اول تنوع سوز در نوشته‌هایشان باعث شده که داستان‌هایشان به نوعی با سایر نوشته‌های نویسندگان تفاوت داشته باشد.

از آثار خارجی چه کتاب‌هایی خوانده‌ای؟

کتاب‌های جان کریستوفر، «واقعاً برایم جالب بود. موضوع کتاب در مورد زندگی در یک سیاره بود. زندگی در محیط متفاوت.

پس شما بیشتر به کتاب‌های تخیلی علاقمند هستید؟

بله. کتاب‌های تخیلی واقعاً برایم جالب است.

شما که به داستان‌های تخیلی علاقمند هستید کتاب‌های پاتر را خوانده‌اید؟

بله. البته ترجمه ویدا اسلامیه را خوانده‌ام که واقعاً جالب بود.

ترجمه‌های دیگری را خوانده‌اید؟

بله، ولی فکر می‌کنم ویدا اسلامیه در ترجمه‌های پاتر موفق‌تر بوده است.

چرا؟

شاید در به کار بردن روان‌تر و سپس تر اصطلاحات که متناسب فرهنگ ما بوده است.

علاوه بر رمان‌های تخیلی چه رمان‌هایی می‌خوانی؟

رمان‌های تاریخی یعنی رمان‌هایی که تاریخ را در قالب داستان روایت می‌کنند.

یکی از رمان‌های تاریخی که خوانده‌ای را نام ببر؟

«آخرم فرح» و «لاله برافروخت».

البته علاوه بر رمان‌های تخیلی نمایشنامه هم می‌خوانم. مثل آثار شکسپیر که میکث یکی از آنها است.

به نمایشنامه خوانی علاقه داری؟

تا حدودی؛ فکر می‌کنم خواندن داستان‌ها و نمایشنامه‌ها تجربیاتی را در اختیارم می‌گذارد و من را بیش از پیش نسبت به جهان پیرامونم آگاه می‌کند.

تا به حال شده کتابی را بخوانی و واقعاً تحت تأثیر موضوع کتاب قرار بگیری؟

بله. کتاب خاطرات یک دختر جوان به نام فرانک.

داستان این کتاب واقعی بود و موضوع آن درباره دختری یهودی بود که خانواده‌اش را در زمان نازی‌ها از دست داد و به خانواده دیگری منتقل شد و برایش مشکلات فراوانی پیش آمد که در نهایت به درگذشتن منجر شد.

با دوستانان کتاب مبادله می‌کنید؟

بله. ولی بیشتر من کتاب به دوستانم امانت می‌دهم و همیشه از این مسأله ناراحت هستم که چرا من باید فقط کتاب بدهم و چرا نمی‌توانم از دوستانم کتاب بگیرم.

مجله و روزنامه هم می‌خوانی؟

بله. هفته‌نامه چهل چراغ و ماهنامه محک که مطالب آن خواندگی و جذاب است.

از مجلات مدرسه هم استفاده می‌کنی؟

گاهی اوقات. البته کمی مدت در کتابخانه مجله نمی‌داند و می‌فگنند که به درس لطمه می‌زند. اکثر مجلاتی که بچه‌ها می‌خوانند در مورد بازیگران است که معمولاً این نوع مجلات، آنها را از درس خواندن باز می‌دارد و ذهنشان را مشغول می‌کنند.

در بین اعضای خانواده چه کسی بیشتر مطالعه می‌کند؟

پدر و مادرم که پدرم به خاطر حرفه‌اش (روزنامه‌نگاری) بیشتر کتاب‌های اختصاصی و مادرم هم اغلب اوقات رمان‌های تاریخی می‌خواند.

سخن آخر؟

از مسؤولان محترم تقاضای کنم که کتاب‌های بهتری با کیفیت بالا را چاپ کنند و آنقدر مانو جوانان را دست‌کم نگیرند. باید بلدانم ما هم اطلاعات زیادی داریم و می‌توانیم مسائل را درک کنیم.

الکلنگ داستان جنگ



بزرگان داستان نویسی یکی از عناصر مهم در خلق داستان را تخیل خلاق می‌دانند. در نقد داستان هم همین عنصر همواره مد نظر قرار می‌گیرد.

اما داستان جنگ حکایت دیگری دارد. تخیل خلاق در داستان جنگ در بسیاری از موارد یعنی خروج از مرز حقیقت و بسیاری این را بر نمی‌تابند.

برای داستان جنگ و حیطه خلاقیت می‌توان سه گونه را متمایز از یکدیگر باز شناخت: اول داستان‌های مستند که بر اساس زندگی سرداران و با وقایع مستند عملیات‌ها شکل می‌گیرد. خلاقیت داستانی در این داستان‌ها نقش مهمی دارند اما تخیل خلاق در این گونه داستان‌ها ناگزیر در پایین‌ترین سطح خود قرار دارد. گونه دیگر داستان جنگ داستان‌هایی است که اگرچه واقعیت ندارند اما برخاسته از واقعیت هستند و نویسنده موتور تفکر خلاق را تنها تا مرز حقیقت پیش می‌آورد؛ حقیقتی که واقعیت‌های جاری در بستر آن شکل گرفته‌اند. در این گونه دوم تفکر خلاق تنها با حد و حدودی رویه‌روست که تنها مسیر حرکت او را مشخص می‌کنند و برای او انتهایی را قرار نمی‌دهند.

در آخرین گونه از داستان جنگ، تفکر خلاق نویسنده آزادانه به هر سوئی پرسه می‌زند. از مرز واقعیت عبور می‌کند، به حقیقت وفادار نمی‌ماند و تنها خلق داستان اصالت پیدا می‌کند و پس در این فضا آنچه که تولید می‌شود اثری داستانی است با موضوع جنگ.

بازشناسی این سه گونه داستانی از یکدیگر کار سختی نیست. با استفاده از اسناد و خاطرات بسادگی می‌توان حقیقت را شناخت و بر مبنای آن قضاوت کرد. داشتن هر سه گونه داستانی قطعاً اشکالی ندارد اما نویسنده‌گان و ناشران باید پذیرند که هیچ‌کدام نمی‌توان یک داستان از گونه اول را در مجامع ادبی شرکت داد و از آن به عنوان شاهکار یاد کرد و حتی شاهکارهایی که در گونه سوم خلق می‌شوند، نمی‌توانند به عنوان بخشی از تاریخ کشور مدعی رسالت اطلاع‌رسانی و پیام‌آوری از پدیده مهمی مثل جنگ باشند.

در داستان جنگ ما که با عنوان دفاع مقدس تمایزات خود را از دیگر پدیده‌های مشابه معرفی می‌کنند؛ این دقت نظرها مضاعف می‌گردد. پس نباید انتظار داشت که نهاد‌های متولی ادبیات دفاع مقدس یا ادبیات‌پداری با هر سه گونه داستان جنگی برخوردارهای یکسانی داشته باشند.

شعر انقلابی

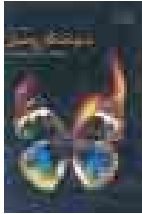
توصیف خاکبان از آفتاب، مؤلف: مصطفی فیض، ناشر: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه، ۳۵۶ صفحه، قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان.

مؤلف در این اثر اشعار مختلفی را که درباره حضرت امام (ره) در طی سال‌ها و ماه‌های پیش و پس از انقلاب سروده شده و به صورت اعلامیه منتشر شده، جمع‌آوری کرده و تصویری از موقعیت ایشان را در سال‌های گوناگون نهضت به دست داده است. ناشر نیز این اثر را که صد و چهل و نهمین کتاب از مجموعه کتاب‌های ادبیات‌پداری است، به عنوان بخشی از «طرح تدوین تاریخ انقلاب اسلامی» معرفی کرده است.

مؤلف اشعار کتاب را بر اساس زمان انتشار به هشت فصل تقسیم کرده است؛ به ترتیب سال‌های «۴۱ تا ۴۲»، «۴۳ تا ۴۴»، «۴۴ تا ۴۹»، «۴۹ تا ۵۶» و «بهار و پاییز دی ماه ۵۷»، «اواخر دی ماه و اوایل بهمن ۵۷»، «۱۲ تا ۲۲ بهمن ۵۷» و «فروردین ۵۸».

درباره ویژگی‌های این اثر می‌توان به چند نکته اشاره کرد. اول این که مؤلف تنها برای ۳ فصل آخر نامی برگزیده است و ۵ فصل اول از داشتن نام محروم هستند. مؤلف تا حد ممکن اطلاعات جانبی را نیز به اشعار افزوده؛ از قبیل تاریخ سروده شدن شعر، دیگر اطلاعات موجود در اعلامیه، مشخصات فنی شعر، نام شاعر و...

کلمات آتش انگیز



سوختگان وصل (نکوداشت جانبازان شیمیایی)، گردآوری و تدوین: دفتر هنر و ادبیات نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه تهران، ناشر: معارف، شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه، ۱۶۳ صفحه، قیمت: ۸۰۰۰ ریال.

سال گذشته اولین همایش سوختگان وصل با عنوان نکوداشت جانبازان شیمیایی برگزار شد. کتاب حاضر در بزرگداشت این اشعاری است که سال گذشته برای این همایش سروده شده است.

۶۲ شاعر با غزل‌ها، قصیده‌ها و... در این مجموعه حضور دارند. از نکات جالب توجه و برجسته در این همایش و کتاب آن، کنار هم نشستن پیشکسوتان و جوانان است.

مرغی امیری اسفندفقه شاعر خوب و پرتلاش

و معاصر و مسوؤلان جلسات شعر همین دفتر، در مقدمه‌ای بر کتاب نوشته است:

«هنر شاعر، نه کاستن است و نه افزودن. بیان است.

که امور، هیچ کم و کاست ندارند. در دایره‌ی حق،

شعر هست و ادب هم و بیرون از این دایره، شعر هست

و ادب نه! ادب، اندازه است و اندازه نگاه داشتن، تا

آنجا که، صورت به تصویر رسد، کلمه به ملوکوت، تا

رسیدن به نمای روابط پنهان و متصل هستی، و شعر

بی ادب، سروده‌ی شیاطین است که انسان را و هستی

راه، کج و معوج می‌خواهند و اندیشه‌ای که برتر از ادب

هستی، می‌برد، هستی را آنچنان که هست، نمایش

نمی‌دهد و کلمات شاعر آن اندیشه تارک است.

و شاعر ادیب، آن چشم سوم است که دیده‌ها را از

پدیده‌ها، می‌نماید. بی کم و کاست.»

سلاح اسرائیلی

اسرائیل و سلاح‌های هسته‌ای، اولز کوهن، رضا سعید محمدی، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول: ۱۳۸۱، ۳۱۰۰ تومان.

کوهن نویسنده این کتاب با استفاده از هزاران سند دولتی آمریکا و اسرائیل و انجام پیش از یکصد مصاحبه

با شخصیت‌های کلیدی به ارائه یک تاریخ تحلیلی-سیاسی تحت عنوان «اسرائیل و سلاح‌های هسته‌ای» می‌پردازد. نویسنده تحقیقات خود را بر یک دوره بیست ساله از ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ که طی آن آرمان بن گوریون برای تبدیل اسرائیل به یک قدرت سلاح هسته‌ای تحقق پیدا کرد، متمرکز کرده است.

از نوستر آداموس تا...

شاید سرآغاز جنگ جهانی سوم، محسن همتی، نذیر، ۵۰۰۰ نسخه، ۸۰۰ صفحه، ۳۲۰۰ ریال.

نویسنده این کتاب رابا

بررسی وقایع روز دنیا از

حادثه ۱۱ سپتامبر آغاز کرده

است و با بررسی مسائل

مشابه در پیش‌گویی‌های

نوستر آداموس و همچنین

متون مذهبی سعی خود را بر آن داشته تا مسأله جنگ

جهانی سوم را مورد بررسی قرار دهد.

همتی در این رهگذر به بررسی مسأله نوع جنگ‌ها

در جنگ جهانی سوم پرداخته و همچنین مسأله ظهور

حضرت ولی عصر (عج) گرانیز مورد اشاره قرار داده است.

بازارها و انقلاب

نقش بازار در قیام ۱۵ خرداد، رحیم روحبخش، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۳۰۰۰ نسخه، ۴۶۸ صفحه، ۲۵۰۰ ریال.

با خواندن نام کتاب

بی‌اختیار خاطرات مربوط به

بازار تهران در قیام ۱۵ خرداد

سال ۴۲ به ذهن متبادر

می‌شود. اما یکی از

ویژگی‌های این کتاب، بررسی نقش بازار ۱۸ شهرستان

بزرگ کشور در بخش پایانی آن است.

البته ناگفته نماند که بخش دوم کتاب تماماً به

نقش بازار تهران در این قیام اختصاص یافته است و بر

پایه اسناد مسائلی تاریخی به صورت روزانه جمع‌آوری

و بررسی شده است. بخش اول کتاب نیز به بازار در

چشم‌اندازی تاریخی نگریسته و ضمن بررسی پیوند

بازار و مذهب نقش آن را در ۳ جریان جنبش تنباکو،

انقلاب مشروطیت و نهضت ملی شدن صنعت نفت

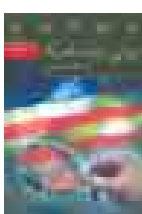
مورد بازایی و بازبینی قرار داده است. «نقش بازار در

قیام ۱۵ خرداد»، یک صد و پنجاه و چهارمین کتاب از

مجموعه کتاب‌های مرکز اسناد انقلاب اسلامی و

هفدهمین کتاب از مجموعه اسناد این مرکز است.

آمریکا از نگاه اقتصادی



ارزیابی رابطه با آمریکا از دیدگاه اقتصادی، حسن دادگر، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۶ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه، ۶۱۰ تومان.

نویسنده در پنج فصل

این کتاب به تحلیل و بررسی

رابطه آمریکا با دیگر کشورها

از منظر اقتصادی پرداخته

است. نویسنده بحث

ارتباط‌های اقتصادی آمریکا را با کشورهای در حال

توسعه آغاز کرده است و سپس بحث را به رابطه آمریکا

با کشورهای جهان اسلام و در آخر ایران ادامه داده

است. در این کتاب راه سفارش کانون اندیشه جوان

نوشته و در نگارش آن از ۷۵ منبع مختلف بهره‌برداری

کرده است.

نویسنده در خلاصه کتاب فرضیه اصلی خود را

ضربه دیدن ایران از ایجاد ارتباط اقتصادی با آمریکا

دانسته است و همت خود را بر آن گماشته تا این را

فرضیه به صورت علمی و با استفاده از مستندات متقن

به اثبات برساند.

اسارت در کتابخانه جنگ

کتابخانه جنگ سومین شماره بولتن تازه‌های کتاب خود را به همراه اولین فهرستگان موضوعی کتاب‌های اسیر

و اسارت برای اعضای خود ارسال کرده است.

تجلیل از شهدای دولت

همایش یادواره و زورا و پانزده هزار شهید دولت در آستانه هفته دولت با برپایی یک اجلاس به آغاز به کار می‌کند. ظاهرأ

قرار است این همایش به صورت سالیانه در شهرها و شهرستان‌های مختلف برنام‌های را داشته باشد. ستاد یادواره در

اولین گام نشریه «دولت عشق» را منتشر کرده است و بنا دارد در طول برپایی کنگره کتاب‌هایی را درباره وزاری شهید و

همچنین شناسنامه‌ای از پانزده هزار شهید دولت به شکل کتاب منتشر کند.

دومین همایش سوختگان وصل

قاصدک‌های سوخته عنوان دومین همایش سوختگان وصل است که توسط دفتر هنر و ادبیات نهاد مقام معظم

رهبری در دانشگاه تهران طی روزهای هفتم تا نهم آبان ماه سال جاری برگزار می‌شود. امسال قاصدک‌های سوخته با چهار

موضوع شعر، داستان، خاطره و عکس برگزار می‌شود. اولین همایش سوختگان وصل در سال گذشته تنها در زمینه شعر

برگزار شده بود.

یادداشت

مرغی سهرنگی

حرف ما



مرز خسروی داغ است. همه دم کرده‌اند. آفتاب رک و پوست کنده می‌تابد. ساعت‌ها روی عده‌های انتظار میزان شده است. رویه‌رو تا چشم کار می‌کند بیابان است. آن طرف سیم‌های خاردار، پاسگاه‌های مرزی عراق مثل تاول روی پوست بیابان بالا آمده‌اند. سربازان عراقی دست به کمر روی تپه ماهورهای خودشان ایستاده‌اند و ما را تماشا می‌کنند. خوش به حالشان!

قرار است مسافران خسته ایرانی از راه برسند؛ بدون جامه‌دان و بلیت. در دل ما برای دوست داشتن این مسافرها خط مرزی کشیده شده است. اما در مرز خودمان ایستاده‌ایم و آغوشمان به وسعت این بیابان باز است، بیابانی که شناسنت و گوشش پر از صدای گلوله است؛ صدای شکنستن استخوان‌ها، افتادن‌ها و ایستادن‌ها؛ پراز صدای بی‌سیم‌ها است؛ صدای ساییدن آهن تانک است. با این همه، اصلاً به روی خودش نمی‌آورد. خاموش و ساکت است. اگر این بیابان لب باز کند! ساعت‌ها روی عده‌های انتظار میزان شده است.

در هاله‌ای از سراب، اولین مسافر روی شانه‌های سربازان، به خط مرزی ایران نزدیک می‌شود. همین جایی که ما ایستاده‌ایم، بی‌صاف‌ها نمی‌گذرانند جلوتر برویم. از احتیاجی ساده آسفالتی که مثل کمر بندی روی خاک افتاده است، آرام و باوقاف، مسافر خسته و زخمی ما می‌آید. او «عباس دوران» است. انگار قطعه‌ای از فولاد شیرین رنگ در حرکت است؛ فولاد آرزای یک ملت برای ماندن؛ برای داشتن یک قوت قشنگ؛ برای خوشه‌های طلایی گندم که باد از میان ساقه‌هایش ترانه زندگی را می‌نوازد؛ برای یک زندگی که درش روی پاشنه سربلندی می‌چرخد. او بالاتر از همه آندیشه‌هاست. همیشه در بلندی‌های جایی برای مردان بزرگ وجود دارد. واکن چوبی این مسافر پس

از گذشته بیست سال از خط مرزی عبور می‌کند و در برابر چشمانی که لبریز از ستایش او و جوانمردی‌هایش در جنگ است، پا به آستانه خانه‌اش می‌گذارد.

وقتی مسافران دیگر هم می‌آیند، این بیابان کوچک

می‌شود؛ آن قدر کوچک می‌شود که از چشم‌هایم افتد. کلام

بیابان، کلام گرم، کلام سیم خاردار، کلام پاسگاه... اینجا که

چیزی نیست. واکن‌های این مسافران غریب آن قدر به ما

نزدیک است که انگار پوستمان را روی آنها کشیده‌اند.

اینجا همه جور آدم آمده‌اند. هم او نفورم نظامی دارند

و هم سیاسی. زنان و مردان روستایی هم هستند.

خبرنگاران هم هستند. اما در برابر بزرگانی که این جهان

و این بیابان را کوچک کرده‌اند، همه سرها پایین است.

کسی به خودش نیست. اینان می‌دانند که با آدم‌های

بزرگ می‌توان کارهای بزرگ انجام داد. آتش جنگ جهانی

هشت سال بدون اینان خاموش شدنی بود!

تا ما همه آشناست. چهره‌ها همه آشناست. انگار

همه‌شان دعوی بچه‌های ما هستند که حالا در این گرمای

نهمروز از سفری بیست ساله بازگشته‌اند. «محمود

امجدیان» هم هست. او را می‌شناسم. نام او روی یک

کتاب است، کتابی که از مجموعه نامه‌هایم منتشر شده.

حالا کتابش یازده ساله شده است. نامه‌های او به شکل

عجیبی پر از رنج و امید است. او تنها اسیر ایرانی است که

مجموعه نامه‌هایم منتشر شده است. محمود دهرگز کتاب

خود را ندانید؛ نامه‌هایی از یک اسیر جنگی که هم خودش

یادگار است، هم به خانواده‌اش امید زندگی می‌دهد. او را

در اردوگاه تکریت کشتند. او به دست کسی شهید شد که

خودش را به عراقی‌ها فروخته بود. کتاب «نامه‌های

اسارت» یادگار این جوان باغیرت کرم‌تاشی است که

امروز چشم در چشم‌های سپاهش دوخته‌ام. در گرمای

این بیابان کسی نمی‌داند ناشر کوچک ادبیات جنگ به

استقبال یکی از نویسنده‌هایم آمده است؛ نویسنده و

ناشری که هرگز همدیگر را ندیدند. شاید خوشنویسان

این طور نوشته‌اند که این ملاقات در چنین جایی و چنین

روز و ساعتی اتفاق بیفتد. خدا کند محمود امجدیان سلام

مرا شنیده باشد و یک جلد کتاب «نامه‌های اسارت» را که

در کوله پشتی‌ام گذاشته‌ام ببیند؛ کتابی را که این همه راه

با خودم آورده‌ام تا به او نشان بدهم.

می‌دانم این اولین و آخرین کتابی نیست که با

نویسنده‌اش این طور ملاقات می‌کنم.

مرز خسروی داغ است و ساعت‌ها از عده‌های

انتظار عبور کرده‌اند.

نمایش عروسکی برای همه

کتاب «نمایش عروسکی برای همه» از سوی انتشارات نمایش بزودی به بازار کتاب عرضه می‌شود. این کتاب نوشته لوئیس بیندر اسکات و ترجمه محسن شیخی است که قابلیت‌های هنر نمایش عروسکی و شگردهای آن را برای کمک به یادگیری کودکان معرفی می‌کند. «خورده وسایل با ارزش نمایش عروسکی» عنوان کتاب در دست چاپ دیگری از انتشارات نمایش است، این کتاب را ایزابل آنکوری نوشته و نقیسه رضایی ترجمه کرده است. زبان ساده و شیوا و ارائه تعریفی تازه از عروسک، خصوصاً عروسک‌های نمایشی، از ویژگی‌های این کتاب است. در مقدمه کتاب مؤلف هدف از تألیف اثر را تلاش برای همه گیر شدن این هنر در بین مردم و آموزش و پرورش کودکان به شیوه نوین عنوان کرده است.

خسرو سینایی و صورتگران عصر خون

دفتر پژوهش‌های فرهنگی جلد اول و دوم از مجموعه پنج جلدی «معماری شهرهای اسلامی» را در دست چاپ دارد. این کتاب توسط مهدی افشار به فارسی برگردانده شده است. «اساختارهای جدید در بافت‌های تاریخی» نوشته کالاتراوا با ترجمه بهرام قدیری و «مفاهیم معماری معاصر در غرب» تألیف وحید قبادیان، کتاب‌های دیگری در زمینه معماری هستند که توسط دفتر پژوهش‌های فرهنگی بزودی وارد بازار کتاب می‌شوند. همین ناشر فیلمنامه «صورتگران عصر خون» را نیز در دست انتشار دارد. فیلمنامه یاد شده به قلم خسرو سینایی است.

نمایشنامه‌های نیل سایمون

انتشارات نیلا، پنج نمایشنامه از مجموعه آثار نیل سایمون، یکی از مشهورترین کمدی‌نویسان تئاتر معاصر آمریکا - را در دست انتشار دارد. عناوین این نمایشنامه‌ها عبارتند از: «عاقبت عشاق سینه چاک»، «اتاقی در هتل پلازا» و «بیا و شیپور بز» (هر سه با ترجمه زرگر) و «پارچه در پارک» (زوج ناجور - ترجمه رامین ناصر نصیر و شهرام زرگر. انتشارات نیلا همچنین، از مجموعه نمایشنامه‌های «دیوید ممت» درام نویس برجسته امروز آمریکاییان «جولی» و «نوشته رمزی» را با ترجمه امیر امجد در دست چاپ دارد. «گل‌گری گلن راست» ترجمه امیر روشن ضمیر اولین کتاب از این مجموعه است که در گذشته توسط همین ناشر وارد بازار کتاب شده بود.

شنش متن نمایشی از دوره مشروطه

از ویژگی‌های جنبش مشروطه، آشنایی با هنر تئاتر غرب و گسترش فعالیت هنرمندان نمایش در ایران است که به دنبال پیروزی جنبش مشروطه، تئاتر بتدریج تبدیل به هنری مردمی شد و گروه‌های مختلف تئاتر ایرانی و خارجی به فراخور، به فعالیت در این عرصه پرداختند. مسعود کوهستانی نژاد گردآورنده «شنش متن نمایشی از دوره مشروطه» با ارائه شش سند به پژوهشی پیرامون تاریخ و سرگذشت تئاتر در عصر مشروطیت پرداخته است. «نمایشنامه جلال‌الدین شاه خوارزم» عنوان کتاب دیگری است که مسعود کوهستانی نژاد آن را گردآوری کرده است و توسط انتشارات نمایش بزودی به بازار کتاب عرضه می‌شود. گردآورنده این کتاب ضمن ارائه شرح حال نامق کمال، به بررسی آثار نمایشی او و نیزه تئاتر جلال‌الدین شاه او پرداخته است. هدف از انتشار این کتاب ارائه سندی از گذشته تئاتر مشرق زمین عنوان شده است. همین ناشر «نمایشنامه رام کردن زن سرکش» نوشته داود فتحعلی بیگی را نیز در دست انتشار دارد که کتاب حاضر اقتباسی است از نمایشنامه‌ای به همین نام از نویسنده مشهور، ویلیام شکسپیر، که نویسنده اثر، ضمن حفظ فضای کمدی، آن را با وضعیت بومی و سنت‌های ایرانی تطبیق داده است.

فریدون ناصری، آهنگساز:

آل احمد و دانشور بر کتابخوانی نسل‌ها تأثیر گذار بودند

بله و ما به طور مثال من نمی‌توانم بگویم که انتشارات فرانکلین (کتاب‌های جیبی) چقدر تحت تأثیر حزب توده بود! ولی اگر دقیق باشید این مسأله همزمان بود با انتشار کتاب‌های جیبی که بزرگترین آثار ادبیات جهان در اختیار مخاطبان قرار می‌داد و البته با قیمت به نسبت ارزان. ولی همان موقع ما به گرانی کتاب اعتراض می‌کردیم، غافل از اینکه امروز کتاب ده تومان را صد تومان می‌خریم و یا بیشتر از صد تومان! یا مثلاً تعدادی کتاب به صورت پنهانی به چاپ می‌رسید و البته بخشی از آن بی‌محتوا و مبتذل بود، مثل «چگونه فولاد آبدیده شد» که به نظرم بی‌محتواترین کتابی بود که در طول زندگی ما خوانده‌ام و خوب، همه اینها شرایطی را فراهم می‌کرد که من همانند بسیاری از علاقمندان به سمت کتاب بروم و به مرور کتاب بخش جلدانشان را از زندگی‌ام حذف می‌کردم. به طوری که اگر در طول هفته دست کم ۳-۲ کتاب نمی‌خواندم، آن هفته کاملی نبود!

دیگر برای شما تبدیل به عادت شده بود؟

بله.

پس از هنرستان چه نوع کتاب‌هایی را می‌خواندید؟ آیا در دوران دانشگاه کتاب‌های متنوعی را می‌خواندید؟

پس از هنرستان و سفر به اروپا به هر حال با دنیای دیگری آشنا شدم و به قول معروف چشم و گوشم بازتر شد و خودبه‌خود به این نتیجه رسیده‌ام که خیلی آشفته می‌خواندم و همین آشفته خواندن یک مقدار من به ضربه زد. بعد اگر طبقه‌بندی شده و منظم می‌خواندم به مقصد می‌رسیدم. مثلاً اگر قرار بود با ادبیات روسیه آشنا شوم باید نحوه مطالعاتی‌ام به گونه‌ای باشد تا هم با نویسندگان روسی و هم سرزمین، آداب و رسوم و هنرمندان روس و خیلی چیزهای دیگر آشنا شوم. ولی به هر حال همچنان کار مطالعه را ادامه دادم و با ادبیات سایر کشورهای جهان بیشتر آشنا شدم مثل آمریکای جنوبی که در آن زمان خورشه لوئیس بورخس جوان بود و چند اثر از او به چاپ رسیده بود.

پس از بازگشت از اروپا به ایران، در ایران چه کتاب‌هایی وجود نداشت؟

از همه چیز، از زمان و شعر گرفته تا باستان‌شناسی و... به طور مثال شاعری همچون ژاک پرهور در ایران شناخته شده نبود و یا ژان کوکتو. کوکتو را بیشتر در ایران به عنوان سینماگر می‌شناختند تا شاعر و نویسنده.

بله، همین طور است و یا شاعری مثل پرهور که نظیرش در دنیا خیلی کم است. ما در ایران شعر از او نشنیده بودیم. البته اگر آشنایه نکنم، یک یا دو شعر از او در «سخن» ترجمه شده بود ولی چون کسی او را نمی‌شناختند خیلی راحت از کنارش گذشتند.

پس این گونه می‌توان گفت اگر در آن زمان شاعری مثل لویی آراگون هم شناخته شده بود، بیشتر به خاطر گرایشات سیاسی‌اش بود تا به خاطر شعرش؟

دقیقاً لویی آراگون از جمله شاعرانی بود که چپ‌ها سنگ او را به سینه می‌زدند. شعر سیاسی او بیشتر مطرح بود تا شعر بودنش. او دردهای مردم سرزمینش را بازگو می‌کرد و این یک جنبه سیاسی عمیق پیدایم کرد و احزاب سیاسی بخصوص چپ‌ها از آن بهره‌برداری می‌کردند. بنابراین بیشتر به این جنبه دامن می‌زدند تا اینکه سایر مسائل کارش را تحقیق کنند و یا شاعری مثل مایاکوفسکی نیز همین گونه بود؟

البته کامو و سارتر گرایشات چپ داشتند ولی مطلق نبودند و عقایدشان جنبه منطقی داشت. در حقیقت احمقانه نبود! حتی کامو و سارتر براتی بر روی نقطه ضعف‌های چپ‌ها در فرانسه و یا در تمام دنیا دست می‌گذاشتند. چون به چیزی که معتقد بودند برتر از آن بود. آنها به نفس شعر و ادبیات معتقد بودند.

به نظر شما چرا در ایران وجه سیاسی ادبیات پررنگ‌تر بود؟

دلایل بی‌سوادی بود! مثلاً در فرانسه آدم‌های روشنفکر چپ بودند در حالی که در همان زمان در برخی جاها به علت دیدهای بسته و متحجر، این نگاه تبدیل به نگاه ضد دموکراتیک و بسته می‌شد و علتش هم بی‌سوادی بود. البته برای دقیق‌تر شدن این مسأله باید یک جامعه‌شناس در این زمینه تحقیق کند.

می‌توانید مثال بزنید؟

الان به طور دقیق نمی‌توانم بگویم چون در خاطر من نیست، ولی از شعر تا مقاله چاپ شده در روزنامه را توصیه می‌کردند. به طور مثال اگر یک شعر تازه از نیما به چاپ می‌رسید تأکید می‌کردند حتماً آن را بخوانیم.

آیا این توصیه‌ها فقط ادبیات پارسی را در بر می‌گرفت؟ اصولاً در کلاس «ادبیات» ادبیات به طور کلی مفهوم «ادبیات» را داشت. یعنی مرزی رانمی‌شناخت؛ چه داخلی و چه خارجی. به خاطر می‌آورم درس خواندن ما مصادف شده بود با دستگیری ۵۳ نفر و بعد محاکمات و جنجال‌های آن در مطبوعات انعکاس پیدا کرد و حتی پیرامون کتاب «چشم‌هایش» بزرگ علوی مسائلی مطرح شد که بیشتر ساخته و پرداخته ذهن شیاعه‌سازان بود. با این وجود جلال همچنان تأکید می‌کرد تمام این مسائل را در کتاب کنیم و بخوانیم تا فهم و آگاهی‌مان بالا رود. به هر حال در کلاس ادبیات با ادبیات تمام دنیا سر و کار پیدا کردیم، چه شرق و چه غرب. از سوی دیگر وقتی که وارد هنرستان شدم، سومین سال از انتشار مجله موسیقی می‌گذشت. این مجله در کتابخانه هنرستان که اتفاقاً کتابخانه بزرگی بود نگهداری می‌شد و من به عنوان شاگرد



مدرسه حتی می‌توانستم این مجلات را برای خودم به عنوان ملک شخصی بگیرم و دیگر پس ندهم. در هر صورت این مجلات را گرفتم و جلد کردم و تا الان که هفتاد سالم است آنها را دارم؛ حتی برخی از مجلدات ناپایش را. منظورم این است که به غیر ادبیات مسائل تخصصی مربوط به موسیقی را هم دنبال می‌کردم. البته بنده اعتقاد دارم که موسیقی از ادبیات و شعر جدا نیست و اگر یک موسیقیدانی در دنیا پیدا شود که با ادبیات و شعر سر و کار نداشته باشد، اصلاً اسم او را نمی‌توان گذاشت موسیقیدان. به همین دلیل علت علاقمندی‌ام به آقای علیرضا مشایخی این است که ایشان یک قطعه‌ای را بر اساس «یوسف کوره» صادق هدایت ساخته‌اند. من آن وقت یعنی حدود چهل سال پیش نوازنده ارکستر سمفونیک تهران بودم و ایشان همان موقع چنین کاری را کردند. در آن زمان علاوه بر این صداقت هدایت به دلیل صحبت‌های جلال و سیمین بود، خوب، آن موقع همه کتاب‌های هدایت در دسترس نبود و برخی از آنها هم مشمول سانسور شده بود و بحث و فحص مفصلی درباره دید هدایت و دیدش در بوف کور انجام می‌دادیم و همین مسأله باعث کشش خارق‌العاده‌ام شد. مراب این قطعه و شخص آقای علیرضا مشایخی علاقمند کرد. به هر حال همه این عوامل دست به دست می‌داد که به سمت کتاب بیشتر کشیده شوم. به غیر از این کلاس‌ها، عوامل دیگری در خارج از مدرسه و محیط جامعه وجود نداشت که به سمت کتاب کشیده شود؟

خوب، چرا، من همیشه گفته‌ام و باز هم تکرار می‌کنم که احزاب سیاسی که در این مملکت به وجود آمدند لطافت زیادی وارد کردند ولی بعضی اوقات هم کمک‌هایی می‌کردند و اصولاً لطافتشان بیشتر از کمکشان بود ولی به هر حال یکی از کمک‌هایی که حزب توده به این مملکت کرد این بود که یک نسل کتابخوان و تربیت کرد. هر چند کتاب‌هایی که اعضای این حزب توصیه می‌کردند بیشتر از نوع «حکیم فرموده» و سفارشی و یکسویه بود، ولی به هر حال تأثیر خودش را گذاشت! باعث می‌شد که از طریق خواندن این کتاب‌ها دید

انتقادی پیدا کنید؟

استاد فریدون ناصری یکی از موسیقیدانان برجسته کشور ما به غیر از تجر در رشته تخصصی خود، پیرامون «ادبیات» هم مطالعات وسیعی انجام داده است. او در این گفت‌وگو نگاه تحلیلی‌گر و موشکافانه خود را درباره فضای فرهنگی گذشته و امروز بیان کرده است. به هر حال موشکافی ادبیات از نگاه یک موسیقیدان خالی از لطف نخواهد بود.

آقای ناصری! چقدر و چگونه مطالعه می‌کنید؟

به هر حال بخشی از زندگی‌ام با کتاب خواندن می‌گذرد و این مسأله هم از امروز شروع شده است. در واقع «خواندن» را از کلاس اول متوسطه آغاز کرده‌ام. شاید برایتان جالب باشد که بگویم از کلاس دوم متوسطه معلم ادبیات، مرحوم جلال آل احمد و معلم انگلیسی‌ام خانم سیمین دانشور بودند و پیش از جلال هم مرحوم صیحی ادبیات درس می‌دادند. مرحوم جلال حقیقتاً باسواد، باشعور، جامعه‌شناس و فرهنگ دوست بود و تمام هستی‌اش را برای این مملکت گذاشت و زنی هم همچون «سیمین» با شور و شوق زیاد درس می‌داد و هنوز هم همچون گذشته کار می‌کند. اصلاً ما بچه‌ها در مدرسه تنها جاهایی که آزادانه رفت و آمد می‌کردیم منزل جلال و سیمین بود، آنجا مثل خانه ما شده بود و هر سؤالی که داشتیم آنها پاسخ می‌دادند. در واقع آنها و کارشان انگیزه‌های برای ما شد که به سمت کتاب کشیده شدیم. روش تدریس جلال آل احمد و سیمین دانشور چگونه بود که بر شما تاکنون تأثیر گذاشته است و آیا با روش‌های آموزشی که در آن دوران متداول بود، سنتی داشت؟

اصلاً با روشی که آن موقع توسط آموزش و پرورش آن دوران دیکته می‌شد، ربطی نداشت. در آن دوره همچون امروز یک روش آموزشی در مدرسه دنبال می‌شد و بر آن اساس دانش آموزان درس یاد می‌گرفتند و پایان سال هم باید امتحان می‌دادند. خوب، اینها چیزهای بچه‌گانه و پیش‌پا افتاده‌ای بود و حتی خدایا بامر جلال به آنها می‌خندید. ولی چون به هر حال اجباری بود باید طبق قوانین می‌خواندیم و بعد درس پس می‌دادیم. ولی سر کلاس جلال و سیمین روش به گونه‌ای دیگر بود. مثلاً مدرسه ما که هنرستان حرفه‌ای و تخصصی موسیقی بود، عده‌ای از دانش‌آموزان آن ارمنی زبان بودند، منتهی آنها چندان آشنایی با زبان و ادبیات فارسی نداشتند. بنابراین با روش‌های تدریس توسط جلال و سیمین به سمت ادبیات پارسی هدایت می‌شدند.

می‌توانید در این مورد واضح‌تر توضیح دهید؟

به طور مثال یک کتاب را در حد فهم کلاس انتخاب می‌کردند و می‌گفتند این کتاب را بخوانیم. بعد هفته بعد یکی از داوطلبان در مورد کتاب کنفرانس می‌داد و از همین طریق بچه‌ها با طرز سؤالات در مورد کتاب دید بهتر نسبت به کتاب پیدایم کردند و همین مسأله باعث می‌شد که ما به طرف کتاب کشیده شوم، خوب، جلال خیلی بیش از ما می‌فهمید و زوایای مختلف مسائل را مطرح می‌کرد که اصلاً به ذهن ما نمی‌رسید و همین سبب می‌شد که دید بازتری پیدا کنیم. یا کار جلال و سیمین این بود که ما را تشویق کنند اگر ده تومان پول توجیبی داریم، سه تومان آن را صرف خرید کتاب کنیم و تازه بعد می‌گفتند که چه کتابی بخریم! چون هر کتابی در حد فهم ما در آن موقع نبود، کتابی را باید بخریم تا به ما کمک کند و فهمانم را بالا ببرد. خوب این روش برای همه ما و با دست کم برای کسانی که به کتاب علاقمند شده بودند، بسیار مفید و مؤثر بود. مخصوصاً در کشور زنی که کنیم که سابقه ادبیات کشورهای همسایه‌اش مثل روسیه، پاکستان، هندوستان و... کم نبود و نیست. مثلاً در روسیه نویسندگان بزرگی همچون: تولستوی، داستایوفسکی، گوگول، پوشکین و... بسیار تأثیر گذار بودند و حتی تعدادی از آنها مسبب انقلاب اکتر شدند، یعنی نویسنده‌ای مثل گورکی یکی از پایه‌گذاران انقلاب اکتری بود. بنابراین شناخت هر یک از بزرگان به شناخت و فهم بالایی نیاز داشت و آنها هم این مسائل را برابرام توضیح می‌دادند. آیا آل احمد و دانشور توصیه می‌کردند که فقط ادبیات داستانی را مطالعه کنید و یا اصولاً کتاب‌های متنوعی را پیشنهاد می‌کردند؟

اصولاً کتاب‌های متنوعی را پیشنهاد می‌کردند.



Islam:

A Thousand Years of Faith and Power

اسلام: یک هزار سال ایمان و قدرت

نوشته جوناتان بلوم و شیلا بلر Jonathan Bloom & Sheila Blair، ۳۰۴ صفحه، ناشر: Yale Univ. Pr.، فوریه ۲۰۰۲، بها: ۱۶/۹۵ دلار.



**New Tools for a New Century:
First Steps in Equipping
Your Church for the
Digital Revolution**

ابزارهای نوین برای سده نوین:

نخستین گامها در آماده سازی کلیسایت

برای انقلاب دیجیتال

نوشته جان پ. و ج. جویو John P. & Jr. Jewell، ۲۵۰ صفحه، ناشر: Heres Books، آوریل ۲۰۰۲، بها: ۱۶ دلار.



این کتاب با توجه به موضوع خواندنی و جذاب خود باید در فهرست کتابهای مورد نیاز کارگزاران و کارکنان کلیساها یعنی کشیشان و رهبران مذهبی مسیحی قرار گیرد. نیز برای افرادی که دلسوزانه به دنبال راهنمایی برای تطبیق کلیسا با شرایط کنونی دنیای امروز از نظر فن آوری دیجیتال هستند، بسیار کارآمد است. نویسنده علاوه بر آن که این حرکت آماده سازی کلیسا را گام به گام پیش برده است، سبک خاصی را نیز در خواندنی و قابل درک کردن مطلب در نگارش رعایت کرده است که در نتیجه، این کتاب برای تمامی اقشار خوانندگان-اعم از مبتدیان یا آشنایان با فن آوری نوین- منبعی ارزشمند به شمار می آید.

کارنامه انتشارات امید فردا

الف. چاپ شده

۱. مجموعه داستان سارا دختر فقیر، نوشته داود علی بابایی
۲. مجموعه داستان دخیل بر پنجره فولاد، نوشته داود علی بابایی
۳. قرآنی‌های سیاسی (جلد اول و دوم) (مطلب سیاسی و تاریخی از نشریات گذشته کشور)، گردآوری داود علی بابایی.
۴. ورق‌پاره‌های خواندنی (جلد اول و دوم) (مطلب خواندنی، اجتماعی و فرهنگی از نشریات گذشته کشور)، گردآوری داود علی بابایی.
۵. قصه‌های قرآنی (جلد اول)، نوشته داود علی بابایی.
۶. آفریدگار و آفریده (در کلام و اصول دین و رد مادی‌گرایان)، نوشته آیت‌الله دکتر محمد صادقی تهرانی.
۷. رساله توضیح المسائل نوین (حاوی فتاوی‌های نو و متفاوت با رساله‌های عملیه دیگر)، نوشته آیت‌الله دکتر محمد صادقی تهرانی.
۸. پژوهشی جدید در چند مبحث فقهی (مقالاتی درباره نجاست و طهارت، اجتهاد و اجتهاد بسته، پیشنهادها درباره اصلاح نظام حوزوی، رد ویژگی اختصاصی آب کرب، طهارت کافر)، نوشته آیت‌الله نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی.
۹. شهید جاوید (درباره فلسفه قیام امام حسین (ع)) (کتابی که اکنون به چاپ مقدم رسیده است)، نوشته آیت‌الله نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی.
۱۰. ستارگان از دیدگاه قرآن (درباره زمین، آسمان و ککشانها و اجرام فضایی در آیات قرآن)، نوشته آیت‌الله دکتر محمد صادقی تهرانی.
۱۱. تکریمی جدید بر نماز و روزه مسافران (درباره حرمت کاستن از نماز و ترک روزه در سفر)، نوشته آیت‌الله دکتر محمد صادقی تهرانی.
۱۲. جمال انسانیت یا تفسیر سوره یوسف (تفسیری جالب و مستند از سوره یوسف) (هم اکنون به چاپ سیزدهم رسیده است)، نوشته آیت‌الله نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی.
۱۳. عصای موسی در دارن بیماری غلو (پاسخی به چند محقق عالم از جمله آیت‌الله رفیعی زرنویز، علامه طباطبایی و آیت‌الله صافی گلپایگانی درباره علم امام)، نوشته آیت‌الله نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی.
۱۴. مولانا در فراق شمس (با منابع و ماخذ کمیاب و نادر)، نوشته کریم میرزا.
۱۵. باغ سبز عشق در متون ادب فارسی (درباره عشق و عقل در ادبیات فارسی)، نوشته دکتر اختر شاملو، با مقدمه‌ای از دکتر محمد ابراهیم پاریزی.
۱۶. بزرگان چه گفته‌اند (کلمات قصار بزرگان جهان و شرح حال مختصر آنان)، نوشته حبیب‌الله شاملوی.
۱۷. قتل‌های سیاسی و تاریخی سی قرن ایران (دوره دوم - جلد اول) (شرح اعدام‌ها و ترورهای سیاسی که از سال ۱۳۳۲ تا سال ۱۳۵۹ در ایران اتفاق افتاده است)، نوشته جعفر مهدی‌نیا.
۱۸. زندگی سیاسی سیدضیاءالدین طباطبایی (تاریخ سیاسی دوره رضاشاه و نقش سیدضیاء در تثبیت حکومت پهلوی)، نوشته جعفر مهدی‌نیا.



ب. کتابهای در دست چاپ

۱. زندگی سیاسی حکیم الملک، نوشته جعفر مهدی‌نیا.
 ۲. زندگی سیاسی محمدعلی فروغی، نوشته جعفر مهدی‌نیا.
 ۳. ورق‌پاره‌های خواندنی (جلد سوم)، گردآوری داود علی بابایی.
 ۴. مجموعه شعرهای: مرثیه‌ای برای آزادی، غروب زندان و کاش می‌فهمیدی، سروده داود علی بابایی.
 ۵. قتل‌های سیاسی و تاریخی سی قرن ایران (دوره دوم - جلد دوم)، نوشته جعفر مهدی‌نیا.
 ۶. تاریخچه انقلاب‌های جهان (جلد اول)، نوشته حبیب‌الله شاملوی.
 ۷. ورق‌پاره‌های سیاسی (جلد سوم)، داود علی بابایی.
- ج. کتابهای در دست تألیف و تحقیق
۱. تکریمی جدید بر جهاد در اسلام، نوشته آیت‌الله نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی.
 ۲. قتل‌های سیاسی و تاریخی سی قرن ایران (دوره دوم - جلد سوم و چهارم)، نوشته جعفر مهدی‌نیا.
 ۳. حقوق زن در اسلام، نوشته آیت‌الله دکتر محمدصادقی تهرانی.
 ۴. هزار و یک راز خانه داری، نوشته حبیب‌الله شاملوی.
 ۵. تاریخچه انقلاب‌های جهان (جلد دوم، سوم و چهارم)، نوشته حبیب‌الله شاملوی.
 ۶. معماری اشغال سفارت آمریکا، نوشته جعفر مهدی‌نیا.
- و...
مجموعه داستانهای شهردار صفتی، رمان کارمند، سخنانی آویزه گوشها، از بازرگان تا خاتمی (در چند مجلد)، مجموعه شعر دروگران خسته از زندگی، همه نوشته داود علی بابایی.

می شود که وی بارها در مقابل اجماع ایستاده است و از دلیل خود دفاع می کند.

بگذاریم دیدگاهها مطرح شوند تا تضارب آرا پیش آید، دیدگاههای نادرست غالب اصلاح گردند، خطاهای دیگر دیدگاهها شناخته شوند، اسلام پیشرفت کند و چهره زیبای اسلام، شفاقت و نورانی تر نمایان گردد و دلهای نسلها را به سوی خود بکشد.

به نظر داود علی بابایی یکی از عوامل کم رونقی بازار کتاب و شکست ناشران در برخی موارد، سانسور و ممیزی است:

باین گونه سانسور و ممیزی کتاب که در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی حاکم است، شمارگان کتابهای خوب از ۱۲ تا ۳ هزار تجاوز نمی کند. زیرا خواننده آن قدر به حقوق فرهنگی خود آگاه شده است که می داند کتابی که در پی یافتن آن است نتوانسته از زیر تیغ سانسور و ممیزی فرار کند. در نتیجه کتاب را نمی خرد و همین شمار کتاب هم چندسالی طول می کشد تا به فروش برسد. محل پخش و توزیع منسجمی نیز برای اکثریت ناشران وجود ندارد و ناشر اگر نتواند با این مشکلات دست و پنجه نرم کند ورشکست می شود. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم هیچ گونه حمایتی از ناشران ورشکسته نمی کند. در این اوضاع، ورشکستگی شاید شترتی باشد که روزی در خانه هر ناشری خواهد خوابید.

اگر ممیزی برداشته شود آن وقت ناشر می تواند پاسخگو باشد. شمارگان کتاب هم بالا می رود و خواننده کتاب خواه ناخواه زیاد خواهد شد. میزان صلاحیت ممیزان کتاب هم بحثی دیگر است. همین قدر بگویم که کتابی دینی در تهران مجوز نمی گیرد و همین کتاب را ممیزان اهل علم در قم به آن مجوز می دهند.

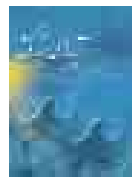
به خاطر همه اینها و به خاطر مصلحت اسلام، من به عنوان یک ناشر خواهان آزادی بیان و آزادی قلم و برداشتن سانسور و ممیزی از کتاب و عدم تأثیرپذیری مسئولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از اعمال نفوذ افراد ناآشنا به مبانی اسلام هستم و پیشنهاد می کنم که این وزارتخانه، جمعی از اسلامشناسان را در حوزه کتاب داشته باشد تا با این گونه حرکتی غیراسلامی علیه کتاب به طور مستدل و از طریق رسانه ها مقابله کنند.

کتاب کتاب

گزیده آیات

آیه های زندگی، تألیف حسین اسکندری، چاپ اول، قطع وزیری، نوزده + ۳۱۳ صفحه، ۱۰۰۰۰ نسخه، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۸۱، بها: ۱۰۰۰۰ ریال.

این کتاب، متن آموزشی طرح سراسری حفظ و درک مفاهیم ۳۱۳ موضوع اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی از قرآن کریم است که از سوی رادیو قرآن با همکاری آستان مقدس حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) به اجرا در می آید و هدف آن بهره گیری از اوقات فراغت جوانان و خانواده ها برای انس بیشتر با قرآن است.



در این کتاب ۳۱۳ موضوع قرآنی در قالب نقل آیه یا آیات مربوط به آن آمده، آن گاه ترجمه و توضیح آن ارائه شده و سپس در صورت لزوم شعر یا حدیثی در تفسیر و توضیح آمده است. منابع نقلها در پانویست و منابع کتاب در آخر آمده و سپس پرسشنامه ای برای نظر خواهی در انتها قرار گرفته است.

از قم تا جمرکان

حرم فاطمینو، قم، جمرکان و آشنایی با زندگی حضرت معصومه علیها السلام همراه با زیارت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها؛ نوشته محمدعلی شهاب و حسن باقری؛ چاپ اول، ویرایش دوم؛ قطع رقیعی؛ ۸۸ صفحه؛ ۵۰۰۰ نسخه؛ نشر نذیر و نشر بنی فاطمه؛ تهران؛ ۱۳۸۱؛ بها: ۴۵۰۰ ریال.



این کتاب در سه فصل به قم و شناختهایی درباره آن، تاریخچه مختصر حوزه علمیه، امامزادگان و مساجد معروف قم و اطراف آن، زندگینامه مختصر حضرت فاطمه معصومه (س) و فضایل آن حضرت، آداب زیارت، زیارت حضرت معصومه و تاریخچه و اعمال مسجد جمرکان می پردازد. در پایان نیز حکایاتی از تشریفها یا آنها که معجزات و کراماتی دیده اند و نیز زیارتنامه حضرت معصومه (س) آمده است.

پیامبر (ص)، جوانی و جوانان

جوان در چشم و دل پیامبر (ص)، نوشته محمدباقر پورامینی (به سفارش کانون اندیشه جوان)، ویراسته سیدمرتضی حنفی، چاپ اول، قطع رقیعی، ۲۱۶ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه، از انتشارات مؤسسه فرهنگی



دانش و اندیشه معاصر، تهران، ۱۳۸۱، بها: ۹۷۰ تومان. این کتاب، با سبکی شاعرانه، ادبی و زیبا و به همراه آیات، روایات و اشعار، به تماشای جوانی پیامبر و پاوران جوان آن حضرت و سخنان و رفتارهای پیامبر با جوانان و درباره جوانی و جوانان می پردازد و از جوانان نامی اسلام سخن می گوید. کتاب دارای چهار بخش

و هر بخش حاوی فصلهایی است. بخش یکم (با عنوان: داستان بهار) به جوانی محمد(ص)، پاوران جوان و کارآمدی مدیریت جوان اختصاص دارد. بخش دوم (با عنوان: جوادان بهار) دارای فصلهای: کیمیا جوانی، انس با خدا و گریز از گناه است. بخش سوم (با عنوان: بوستان بهار) به درخت دوستی، نشاط و شادمانی و همسرگزینی می پردازد. بخش چهارم (با عنوان: بیان بهار) از نقد عمر و پندهای پیامبر به علی (ع)، ابن مسعود و ابن عباس می گوید.

فراخوان شماره ۱

نخستین نمایشگاه بین المللی کتاب دین

ستاد برگزاری نخستین نمایشگاه بین المللی کتاب دین در معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به منظور غنای فرهنگ دینی کشور و کمک به محققان حوزه دین برای دسترسی آسان به منابع مطالعاتی در نظر دارد با همکاری نهادها و مؤسسات تخصصی دینی در شهر قم اولین نمایشگاه کتاب تخصصی در زمینه دین را برگزار کند.

محققان و مؤسسه های تحقیقی دین پژوهی که علاقه مند به تهیه کتابهای مورد نظر با نظام یارانه ای از این نمایشگاه هستند می توانند عنوان کتب مورد نظر و به زبان اصلی همراه با نام کتاب و سایر اطلاعات مربوطه را به این ستاد اعلام نمایند تا عرضه آن در دستور کار ناشران شرکت کننده قرار گیرد.

ستاد برگزاری تلاش خواهد کرد کتابهای دینی کلیه ناشران جهان به زبانهای عربی، انگلیسی، آلمانی، فرانسوی، اردو، روسی و ترکی در این نمایشگاه عرضه شود.

متقاضیان تا ۱۵ شهریور ماه فرصت دارند فهرست کتابهای مورد نیاز خود را به نشانی تهران، خیابان قائم مقام فراهانی، خیابان چم، شماره ۹، طبقه اول، معاونت بین المللی نمایشگاه ارسال نمایند.

شماره تلفن: ۶۴۹۹۳۷۲-۶۴۹۹۳۷۳

شماره نمابر: ۶۴۶۹۳۷۲

ستاد برگزاری نخستین نمایشگاه بین المللی کتاب دین

جدایی نمی اندازیم او فرق نمی نهیم.»
قرآن کریم، سوره بقره (۲) بخشی از آیه ۲۸۵

هر کس دانشی یا حدیثی از من بنویسد، تا آن دانش و حدیث باقی است، برایش یادش نوشته شود.
پیامبر اکرم (ص)، گزیده میزان الحکمه، حدیث ۵۴۲۳، به نقل از کتبخانه

تاریخ

تاریخ‌نویسی و داستان نگاری مذهبی: نکته‌ها و چالشها-۸

ابزارهای درون متنی سنجش و درک

۵. اطلاعات علمی و دانشی‌های زمان

متن تاریخی ممکن است حاوی واژه‌ها و اصطلاحاتی باشد که با درک آنها نیازمند اطلاعات علمی زمان است یا اصطلاحات رایج زمان. مقصود از زمان، به هم زمان پیدایش متن است و هم زمانی که متن به آن اشاره دارد و از آن سخن می‌گوید. منظور از زمان نیز، هم زمان مخاطب متن و هم زمانی است که متن، به آن اشاره دارد و از آن سخن می‌گوید. آگاهی از این دانشها و اصطلاحات، گاه از ضرورت‌های درک درست متن است.

۶. نگرش سیستمی

نگاهی به متنی دینی مانند قرآن این حقیقت را به زودی برای خواننده آن روشن می‌سازد که این متن حاوی گزاره‌هایی علمی، اجتماعی، اخلاقی، حقوقی و فقهی، فلسفی، تاریخی، عرفانی و دیگر انواعی از گزاره‌هایی است که در کلیه علوم و معارف انسانی و الهی نمونه دارد. به عبارت دیگر، از آنجا که تقسیم‌بندیهای گوناگونی برای انواع گزاره‌ها وجود دارد، با مشاهده کتابی مانند قرآن، می‌توان نمونه‌هایی از هر کدام را در آن دید. در این کتاب، هم از آفرینش آسمان و زمین و قوانین آن سخن رفته است (گزاره علمی) که هم از علت و فلسفه آفرینش و آغاز و انجام پدیده‌ها (گزاره فلسفی) که هم از تاریخ (گزاره تاریخی) که هم از پدیده‌ها و ناپیداهای فردی، اجتماعی و سیاسی (گزاره‌های اخلاقی، فقهی، حقوقی و سیاسی) و هم از بسیاری مسائل دیگر.

این یک نظام و سامانه است که یک آیین الهی را تشکیل می‌دهد. در این نظام، همه چیزهای گفته شده توسط خدا و فرستادگان و نمایندگان در ارتباطی دور یا نزدیک با یکدیگر قرار دارند و جزئی از یکپارگی واحد را تشکیل می‌دهند. هیچ بخش از این نظام با بخش دیگر در تضاد و تخالف نیست و همه چیز در جای خود مکمل بخشهای دیگر است.

از این حقیقت، یک نتیجه مهم برای بررسیهای تاریخی می‌توان گرفت: همه یا بخشی از یک نقل تاریخی نباید حاوی اطلاعاتی باشد در تضاد با دیگر اطلاعات مسلم دینی شامل احکام، اخلاق، آداب، مناسک و ناپیشتا، فلسفه، جهان بینی و تفکرات تاریخی معتبر دیگر. در حالت تضاد، اگر نقل تاریخی، معتبر باشد، می‌تواند بخشهای دیگر دین را که معتبر نیستند یا دچار کژفهمی شده‌اند، تصحیح یا تفسیر و تأیید کند. اگر بخشهای دیگر دین، معتبر و مسلم باشند، می‌تواند دلیل این باشند که نقل تاریخی یا بخشی از آن معتبر نیست یا دچار بدفهمی شده است.

این یک حقیقت است که بسیاری از آموزه‌ها و اطلاعات دینی تنها در یک نگرش سیستمی معنی و مفهوم واقعی خود را می‌یابند، جایگاه خود را مشخص می‌کنند و علت و حکمت خود را نشان می‌دهند.

اخبار دین

(دوماهنامه - بولتن اطلاع رسانی ادیان)

شماره ۶- تیر ۱۳۸۱

(۲۸ صفحه)

با بخشهایی شامل: اخبار دین از سراسر جهان / گزارش ویژه / معرفی مراکز / معرفی مقالات / اخبار کتاب / تقویم مذهبی

نشریه‌ای از مؤسسه گفت‌وگوی ادیان

خبرنامه دین پژوهان

(دوماهنامه - ویژه اطلاع رسانی اخبار دین پژوهی)

سال دوم، شماره ۷، فروردین - تیر ۱۳۸۱

(۱۷۲ صفحه)

با بخشهایی شامل: سرمقاله / رهنمودها و رویکردهای دین پژوهی / چکیده مقالات کتابشناسی دین پژوهی / اخبار دین پژوهی / فراخوان / دین پژوهی روی خط اینترنت / فعالیتهای دین پژوهی.

نشریه‌ای از دبیرخانه دین پژوهان کشور

با انتشارات امید فردا و داود علی بابایی قمی مؤلف و ناشر

مشکلات ناشران احیاگر و نوآور

● **بگذاریم دیدگاهها مطرح شوند تا تضارب آرا پیش آید، دیدگاههای نادرست اصلاح گردند، اسلام پیشرفت کند، چهره زیبای آن، شفافتر و نورانی تر نمایان گردد و دل‌های نسل‌ها را به سوی خود بکشد**



توجه به اطلاعات وافر خود از علوم قرآنی و احادیث معتبر و اطلاعات دیگر، بر ایرادهایی که بر کتاب شهید جاوید وارد شده پاسخ گفته است. باید پرسید، آیا مگر این عبارت در میان علمای حوزه متداول و رایج نیست که: «حیات العلم بالقد و الزد» (زند بودن علم به نقد و بررسی و رد کردن آن است).

حالا اگر کسانی پیدا شده‌اند که می‌خواهند بر این عبارت منطقی خط بطلان بکشند بختی دیگر دارد. علاوه بر این، افرادی که به قرآن تکیه دارند، از خوارج که بدتر نیستند. مگر علی (ع) نمی فرمودند: «بعد از من از خوارج را نکشید زیرا آنان کسانی هستند که از برای حق راه باطل پیموده‌اند نه برای باطل راه باطل». مگر همین علی (ع) نبود که با خوارج در یک مسجد نماز می‌گزارد، می‌گذاشت حرفشان را آزادانه بزنند، برای آنها استدلال می‌آورد و حتی سهم بیت‌المال آنان را قطع نکرد؟

اما واقعیت آن که این کتاب هیچ مشکل شرعی و اخلاقی نداشته که باعث انحراف و کجروی افراد شود و اگر کسی از اهل علم آن را خلاف شرع می‌داند با دلیل و منطق یا به میدان بگذارد و روی کاغذ بی‌آورد تا هم ناشر و هم نویسنده به اشتباه خود پی ببرند.

و من واقعاً شک دارم در این که باینان اصلی توقیف کتاب، دین شناس بوده باشند و این، یک جریان اصیل عالمانه و مورد تأیید فضلا و نواندیشان حوزه‌های علمیه باشد.

آیا فکر نمی‌کنید که در میان این اندیشه‌های جدید یا احیا شده که در فهرست فعالیت‌های انتشاراتی شما قرار دارند، دیدگاههای نادرست، نقدپذیر و قابل اصلاح نیز وجود داشته باشند؟ هیچ انسانی از نظر علمی مطلق نیست و هیچ کدام از انسانها بجز چهارده معصوم خالی از اشتباه نیستند. بنابراین چگونه می‌توانیم توقع داشته باشیم افرادی که کتابهایشان از سوی انتشارات امید فردا به چاپ می‌رسد خالی از اشتباه و خطا باشند. کسانی مانند نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی و دکتر محمد صادقی

تهرانی که در کتابهایشان دیدگاههایی نو و تازه را در تفهیم مسائل فقهی و قرآنی ارائه می‌کنند تا آن حد که من می‌دانم خود را خالی از اشتباه نمی‌دانند و آمادگی دریافت هرگونه مطلب منطقی و مستند را دارند که در نقد افکار آنها باشد. مگر علما و فقهای گذشته و حال ما خالی از اشتباه بودند و هستند؟ مگر شیخ کلینی (صاحب اصول کافی) دارای دیدگاههایی خاص درباره قرآن نبود؟ مگر سید مرتضی علم‌الهدی وضو گرفتن از پایین به بالا را بر خلاف همه علما قبول نداشت؟ اگر در نظرات آیت‌الله العظمی خویی تفحص شود، دیده

و ارشاد اسلامی مسکوت مانده است و هیچ جوابی بر مسکوت ماندن آن ارائه نمی‌شود. تنها می‌گویند: «الآن صلاح نیست این کتاب به چاپ برسد». نیز کتاب «فتاوی‌های سیاسی و تاریخی سی قرن ایران» (دوره دوم - جلد دوم) نوشته جعفر مهدی نیا و کتاب «فقه گویا» نوشته آیت‌الله دکتر محمد صادقی تهرانی همین وضع را دارند. هیچ ایرادی بر این کتابها گرفته نشده است و تنها می‌گویند که مصلحت در عدم چاپ آنهاست.

ماجرای توقیف اخیر کتابی از انتشارات امید فردا چه بود؟

در تاریخ چهارشنبه اول خرداد امسال، از پخش کتاب «اصناف موسی یا درمان بیماری و علو» که پاسخی بود به آیت‌الله رفیعی قزوینی، علامه طباطبایی، آیت‌الله صافی گلپایگانی و دیگران (درباره کتاب شهید جاوید و مبحث علم امام) نوشته آیت‌الله نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی، به وسیله سه تن از مأموران حراست وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به طور محترمانه جلوگیری به عمل آمد و مجوز دایم این کتاب از من پس گرفته شد. (جالب توجه آن که این کتاب در سال ۵۳ (در زمان طاغوت) با نام مستعار عبدالله مظلوم چاپ شد که هنوز مراحل پخش آن انجام نشده، ساواک از نام اصلی نویسنده آن (نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی) - که در تبعید به سر می‌برد - آگاه شد و تمام فرمهای آن را از چاپخانه خارج کرد).

متأسفانه متصدی اداره کتاب این وزارتخانه هیچ علت و دلیلی بر توقیف کتاب ارائه نکرده است و در حالی که خواهان جواب کتبی ایشان بوده‌ام، نه جواب لفظی دریافت کرده‌ام نه جواب کتبی. به نظر شما دلیل توقیف این کتاب چه بوده است؟ گفته می‌شود توقیف این کتاب به وسیله وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بر اثر فشارهایی بوده است از جانب افرادی که جوابی در برابر استدلالهای مؤلف نداشته‌اند و روشی را برای جلوگیری از پخش کتاب پیش گرفته‌اند که ما به آن می‌گوییم نفوذ از لباس و مقام در جهت جلوگیری از بسط و گسترش فرهنگ دینی و مردمی. من به طور قاطع و با جدیت از این کتاب و نویسنده آن و کتابهای دیگر از این دست دفاع می‌کنم. در این کتاب نویسنده با

«متأسفانه کارگزاران فرهنگی و دینی جامعه نتوانستند نگاهها، چهره‌ها و نمودهایی تازه، جدید، جذاب و روزآمد از دین و قرآن به نسل جوان ارائه دهند، آنان را از کُنه مصالح احکام دینی و فقهی آگاه کنند و با استدلال و منطق و بیان علت و فلسفه احکام، فرهنگی نو و تازه را جایگزین فرهنگ طاغوت سازند. آمار کودکان خیابانی و رشا و ارتشا در ادارات، فحشا و مسائل خلاف عفت در جامعه و خانه و هزاران آمار و ارقام دیگر نشانه ضعف، کم‌اطلاعی و ناتوانی کارگزاران در برآوردن خواسته‌های فرهنگی نسل جوان است. در این میان کسانی که هم جرئت، هم آگاهی عمیق و هم حریت بر اندیشه دارند، می‌خواهند با اطلاعات وافر خود، مسائلی را که جنبه مثبت دارند و به فراموشی سپرده شده‌اند، دوباره زنده کنند، بدعتها و افزایندها را از دین بزدایند و مسائلی تازه و نو را در قالب نشر و تألیف برای نسل جوان مطرح سازند اما مورد طعن و مذمت و محدودیت بعضی قرار می‌گیرند و چاره‌ای جز انزوا نمی‌یابند.»

متولد ۱۳۳۷ در قم است. تحصیلات خود را تا دیپلم ریاضی در همین شهر به پایان برده و سپس در تهران لیسانس ادبیات فارسی گرفته است. از سال ۱۳۶۱ همزمان با استخدام در آموزش و پرورش به تحصیلات حوزوی پرداخته و تا سال ۱۳۷۸ آن را به پایان رسانده است. چند سالی در مطبوعات قلم زده و دارای ۱۹ اثر تألیفی است: مجموعه داستان «زندگی در فقر»، «مجموعه داستان «بازنشسته چشم انتظار»، «مجموعه داستان «سارا دختر فقیر»؛ «مجموعه داستان «دختر بر پنجره اولاد»؛ «قصه‌های قرآنی» (جلد اول)؛ «ورق‌پاره‌های سیاسی» (جلد اول و دوم) و «ورق‌پاره‌های خواندنی» (جلد اول و دوم). چند کتاب نیز در دست تألیف دارد: «از بازگشت تا خاتمی» (چند جلدی) که یک تاریخ سیاسی کامل از دولتهای بعد از انقلاب است؛ «مجموعه شعرهای «مرثیه‌ای برای آزادی»، «غروب زندان»، «کاش می‌فهمیدی» و «دروگران خسته از زندگی»؛ «رمان «کارمند»؛ «سخنانی آویز و گوشها» (حوادث ۲۳ ساله بعد از انقلاب) و مجموعه داستان طنز «شهردار صنفی».

داود علی بابایی قمی در سال ۱۳۷۸ انتشارات «امید فردا» را تأسیس کرده است. هدف او به گفته خودش: «شناساندن دین پژوهی و دین شناسی حقیقی و واقعی و منطق بر زمان به نسل جوان و بسط و گسترش فرهنگ اجتماعی، تاریخی، ادبی و سیاسی به این نسل نوپا» است.

انتشارات امید فردا تاکنون ۲۶ عنوان کتاب به چاپ رسانده است که برخی از آنها پس از انتشار توقیف شده‌اند و برخی مشکل مجوز داشته‌اند.

چگونه کتابهایی از شما مجوز انتشارات نگرفته‌اند و چرا؟

کتاب «توطئه شاه بر ضد امام خمینی و آیت‌الله منتظری» نوشته آیت‌الله نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی که در سال ۱۳۶۹ نیز تحت عنوان «توطئه شاه بر ضد امام خمینی» توسط نشر «رسا» به چاپ رسیده مدت دو سال است که تصمیم انتشار آن، در وزارت فرهنگ

و کتابهایی از شما مجوز انتشارات نگرفته‌اند و چرا؟

کتاب «توطئه شاه بر ضد امام خمینی و آیت‌الله منتظری» نوشته آیت‌الله نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی که در سال ۱۳۶۹ نیز تحت عنوان «توطئه شاه بر ضد امام خمینی» توسط نشر «رسا» به چاپ رسیده مدت دو سال است که تصمیم انتشار آن، در وزارت فرهنگ





● فانی: جامعه ما جامعه کتابخوانی نیست. عادت کتابخوانی باید در دوران کودکی، در خانواده و بعد در مدرسه پرورش داده شود، اما هیچ کدام از این عوامل در ایران وجود ندارد

می دهد به یک معنی برای همه کتاب هاست و به یک معنا دولت هیچ کاری نمی کند. ما در جریان نشر با کتاب های فرهنگ ساز مواجه هستیم؛ کتاب هایی که خواندن آنها اهمیت دارد و باید به مردم گفت که این کتاب ها را بخوانند. در این مورد باید یک همکاری بین بخش خصوصی و بخش دولتی صورت بگیرد، یعنی یک جور هماهنگی و همفکری. اما تا زمانی که یک نوع سوءظن نسبت به دولت و کارهای دولت در اذهان وجود داشته باشد، حتی اگر دولت وارد این حوزه ها نیز بشود، تصور عام این است که دولت قصد دارد گرایشات خود را تبلیغ کند و آنها را به جریان ببرد. طبعاً سابقه این سوءظن که مردم ما به دولت و برنامه های دولت دارند، موجب می شود که اگر دولت از کتابی حمایت کند، فروش کتاب کم شود و اگر کتابی را توقیف کند، فروش آن افزایش پیدا کند. بنابراین برای این منظر عمومی باید راه حلی اندیشید. چرا که مادام که ناشر با سرمایه اندک خود امکان تبلیغ کتاب را نداشته باشد، این وظیفه بر عهده دولت گذاشته می شود و وظیفه دولت هم کنار گذاشتن تنگ نظری هاست. او باید تنها به فرهنگ بپردازد. ما با تداوم این حرکت، سوءظن عمومی هم برطرف می شود و این به دلیل سابقه ذهنی مردم و دولت از یکدیگر در کشور ما، نیاز به مطالعه بیشتر دارد و اگر چاره ای برای آن اندیشیده نشود، این بحران که شمارگان کتاب های جدی کاهش می یابد، عناوین کم و کمتر می شود و رغبت به مطالعه کتاب های اساسی کاهش می یابد، جدی تر از پیش می شود.

به نظر شما دانشگاهها در ایجاد بحران کتاب و با کتابخوانی چه نقشی دارند؟

به سؤال اساسی و خوبی اشاره کردید که البته امیدوارم آخرین سؤالتان باشد! یکی از علل رکود و بحران کتاب های جدی و اساسی در کشور، همین دانشگاهها هستند. دانشگاههای ما دو وظیفه مهم داشته اند: یکی آموزش و یکی تجهیز کتابخانه های خود برای استفاده دانشجویان. اصولاً دانشگاهی که فاقد کتابخانه باشد برای من غیرقابل تصور است. این صورت عنوان این مکان را چگونه می توان دانشگاه گذاشت؟ اما متأسفانه در شرایط کنونی بسیاری از دانشگاههای ما فاقد کتابخانه اند یا کتابخانه های ناقص، پراکنده و پریشانی دارند. اگر تا امروز که صدها دانشکده و مؤسسات آموزش عالی تأسیس شده اند به وظیفه خود - که تجهیز کتابخانه هاست - عمل می کردند، وضعیت کتابخانه های دانشگاههای ما اینگونه نبود. مسأله آموزش نیز مسأله مهمی است. متأسفانه روش تدریس مادر دبستان، دبیرستان و مهمتر از همه دانشگاه، ایجاد صرف سرب و کله زدن با چند کتاب یا جزوه درسی اولی است، حال آنکه دانشگاه محل تحقیق و جست و جوی است و برای تحقیق می بایست به منابع مختلف رجوع کرد. اگر نظام آموزشی ما دانشجو را وادار می کرد که مطالعه کند، طبعاً دانشجو نیز به بازار کتاب روی می آورد و علاقه اش به کتاب شدیدیتر می شد.

طبعاً یکی از بزرگترین مخاطبان کتاب های جدی در جهان طبقه دانشجویان است و من فکر می کنم اگر دانشگاههای ما حتی ده درصد این وظیفه را انجام می دادند، امروز کتاب های مهم و جدی ما بافت شدید شمارگان و فروش مواجه نمی شد.

کتابخانه های خوبی دارند که بچه ها را از اول با کتاب خواندن آشنا کنند، نه خانواده های ما به فرزندان خود یاد می دهند که کتاب بخوانند. پس فرزند ما عادت به کتابخوانی ندارد تا آن را دنبال کند، چرا که کتابخوانی یک عادت است. البته این بدبینی محض هم چاره ای ندارد، اما از طرفی باید دید که کار اصلی کارآفرینان خلق نیاز بوده است. شرکت های معتبر دنیا تولید می کنند اما پیش از آن نیاز را در مخاطبان خود به وجود می آورند. این ایجاد نیاز درباره کتاب هم می تواند صورت بگیرد. اما متأسفانه به دلیل سرمایه گذاری بسیار محدود در کتاب، هیچ ناشری نمی تواند هزینه تبلیغات کتاب را تقبل کند. شاید کار مهمی که دولت به جای کمک هایی که به نشر کتاب می کند و البته کم هم نیست و از هر نظر یارانه می دهد، ورود به حوزه تازه ای است و آن اینکه پس از انتشار کتاب برنامه ریزی کند برای تبلیغ، آشنایی، در دسترس قرار دادن و ایجاد نیاز در مخاطب برای مطالعه. یعنی در واقع آخرین مرحله که در مورد هر کالایی انجام بگیرد، موجب عرضه گسترده آن می شود که همان تبلیغ است. درباره کالای فرهنگی بیشترین سرمایه گذاری را بکنیم و پس از آن حکم بدهیم که در نهایت ملت ما ملت کتابخوانی نیست یا کتاب های جدی نمی خواند. می بینید که در رسانه مهم یعنی مطبوعات و رادیو و تلویزیون هیچ تبلیغی برای کتاب نمی کنند.

برای کتابهای درسی که در سالهای اخیر گام های روشنی برداشته اند.

ببینید، مطبوعات دو دسته هستند: عمومی و تخصصی. مطبوعات اختصاصی بویژه درباره اطلاع رسانی کتاب، باز بخصوص مطبوعاتی که وزارت ارشاد با کتاب هفته و کتاب ماه بانی آن است، بهتر از آن نمی شود و کمتر جایی است که اطلاعات کتاب را با شمارگان وسیع و قیمت اندک یا حتی رایگان در اختیار خواننده بگذارد. پس منظورم از مطبوعات، مطبوعات عمومی هستند. اوایل در ابتدای دوم خرداد و مدتی پس از آن روزنامه های ما بخش کتاب داشتند. خیلی از آنها تعطیل شدند و مابقی بخش کتاب را تعطیل کردند و من کمتر می بینم به معرفی کتاب به طور جدی و مستمر بپردازند. می ماند نشریات تخصصی. در حوزه های تخصصی، مانند، معرفی و اطلاع رسانی کتاب فراوان داریم، اما مخاطب این دسته از مطبوعات بسیار محدود است و عامه مردم از آنها بی اطلاعند. عامه را باید با رسانه های عام مطلع کرد.

با توجه به جریان نشر کتاب در جامعه، رابطه دولت و ناشر، رابطه ناشر و مخاطب و رابطه دولت با مردم آیا صحیح این است که دولت از نقش حمایتی سیستم خود از ناشر بیرون بیاید و حمایت های خود را محدود به حیطه های غیرمستقیم و غیرمالی کند؟

بهترین حالت در نشر، عدم دخالت دولت است، چه مالی و چه معنوی اما در شرایط فعلی به دلیل بحران، باید در هر دو حوزه برنامه ریزی کند و پشتیبانی داشته باشد. اما در این حیطه، پشتیبانی باید متوجه کتاب های جدی باشد. تا امروز یارانه دولت تا ۸۰ درصد بدون توجه به محتواست، یعنی با کاغذی که دولت می دهد فرقی ندارد که شما آثار شکسپیر را منتشر کنید یا مبتذل ترین آثار پاورقی را. درباره خرید کتاب سعی شده تا حدی هدفمند عمل شود. درباره اطلاع رسانی در حوزه های عمومی نیز فرقی زیادی میان کتاب های جدی و غیر جدی گذاشته نشده است. پس کاری که دولت انجام

مجموعه هرگز به عمق دانش جامعه کمک نمی کند. درست مثل روزنامه خواندن یا تلویزیون دیدن که انسان را با دانش بشری در مفهوم عمیق آشنایی نمی کند. به نظر من معیار پیشرفت و پویایی یک جامعه میزان خوانندگانش آثار جدی - حتی اگر یک یا دو هزار عنوان بیشتر نباشد - است. کتاب های کاربردی با خواننده سر و کار ندارند. بلکه آنها با استفاده کننده طرف هستند، درست مثل ابزار. از این دیدگاه ما احساس بحران می کنیم و به گذشتگان خود حسدی می بریم. ما باید باز توانیم کیفیت رازنده کنیم اما امروز متأسفانه تمام کوشش ها به افزایش کمیت منتهی می شود، آمار هم بر اساس کمیت ارائه می شود. هیچ گاه نمی پرسیم کمیت با چه ارزش و کیفیتی توأم است. حال آنکه ارزش ذاتی کتاب ها تعیین کننده میزان آگاهی و فرهنگ یک جامعه هستند. ما در این بخش نیاز به پشتیبانی داریم.

آیا این مشکل به بخش نشر محدود می شود؟ این مشکل پیچیده ای است. اینکه نشر در ایران با مشکل، بحران و رکود روبرو است، خیلی در آن بحث نشده است. مشکل اصلی نشر ما این است که تا حد زیادی ماقبل صنعتی و مدرن است. درست است که ما از آخرین ابزار برای چاپ و آماده سازی و حتی فروش کتاب استفاده می کنیم، اما ذهنیت ما، ذهنیت ماقبل مدرن است؛ یعنی یک ذهنیت خرده فروشی و کسب و کار بازی. نشر ما به عنوان یک صنعت هنوز نتوانسته خودش را وارد دنیای مدرن کند. ما با تقوه در ایران کتابخوان بیشتری داریم اما چقدر در مرحله عمل کتابخوان جدی کم داریم؟



● کامران فانی: مشکل اصلی نشر ما این است که تا حد زیادی ماقبل صنعتی است

خیلی ها بخش کتاب را دلیل اصلی می دانند، اما به نظر من ما از ابتدا دچار مشکل هستیم. توجه کنید که ناشر ما (البته خیلی هم فادکار است، آن هم در زمانه ما به دلیل غیر اقتصادی بودن نشر) جامعه کتابخوان را نمی شناسد. ما هیچ گاه به بررسی کتاب های پر فروش و کم فروش نپرداخته ایم، نیازهای جامعه را شناخته ایم و به نحوه پاسخگویی این نیازها فکر نکرده ایم. ناشران ما - حتی ناشران خوب ما - فاقد برنامه نشر هستند. طبعاً تعدادی کتاب ذوقی یا تصادفی در سال انتخاب و چاپ می کنند. در بخش دوم، کتاب چه تألیف و چه ترجمه فاقد کیفیت بصری و جذابیت است. احتمالاً اگر ارائه کتاب ها از نظر فیزیکی جذاب تر باشد و به انواع جذابیت های بصری توجه شود، می توان خریدار را جذب کرد.

مسأله سوم، مسأله بخش کتاب است که همگان همه مشکلات کتاب را روی دوش همین بخش می گذارند. البته که بخش کتاب ما هیچ گاه درست و پاسخگویی نیازهای واقعی مخاطبان نبوده است. اغلب یا کوچک هستند یا خطر ریسک را نمی پذیرند. سرمایه گذاری در بخش فوق العاده کم است، اطلاع رسانی کتاب در ایران بسیار کم و محدود است اما باین همه اگر همه این بخش ها را درست کنیم، در نهایت جامعه ما کتاب نمی خواند و کتاب نمی خواهد. معتقدند حتی اگر کتاب را رایگان هم در اختیار مردم بگذاریم، مردم کتاب نمی خوانند.

جامعه ما جامعه کتابخوانی نیست. عادت کتابخوانی باید در دوران کودکی، در خانواده و بعد در مدرسه پرورش داده شود، اما هیچ کدام از این عوامل در ایران وجود ندارد. نه مدارس ما

گرفته باشد، آن وقت قبول می کنیم آن چیزی که کتابخانه را کتابخانه می کند، در واقع وجود کتابدارانی است که به این مجموعه پربشان و پرکنده نظم می دهند و آن را در اختیار خواهند گان و خوانندگان قرار می دهند. بنابراین ما نیاز به دانش کتابداری داریم و کتابخانه بدون دانش کتابداری، یک محیط بسته و قفل شده ای است که راه ورودی ندارد. شروع این اتفاق از سال ۱۳۳۰ بود، اما آن هم کند بود. تا سال ۱۳۴۸، به بعد رشته کتابداری در دانشگاه تهران تأسیس شد که در واقع در مقاطع فوق لیسانس فارغ التحصیلی می داد و از آن مهمتر تأسیس مرکز خدمات کتابداری به عنوان یک سازمان جدید در وزارت علوم بود که عده ای کتابدار درس خوانده و تحصیل کرده (نخست در خارج، بعد در ایران) در این مرکز مشغول به کار بودند که آنها جوانه های کتابداری در ایران را شکوفه کردند و به همراه انجمن کتابداران بسرعت هم پیشرفت کردند. این انجمن در همان سال های ۱۳۴۸ در ایران تشکیل شد و مجموعاً یک معجزه در ایران رخ داد، یعنی یک رشته تازه در فاصله بسیار کوتاه، فوق العاده شکوفه شد. علت آن هم علاقه و ابتنا چند تن از کتابداران ما بود که به جریان کتابداری در ایران قوت بخشید. بنابراین کتابخانه های ایران صورت علمی گرفت و در آن زمان به خواستار فراوان داشت. جامعه ما در آن زمان آشنایی تازه ای با دانش روز جهان و نیاز به اطلاعات داشت. فکر پیشرفت و تعالی در این جامعه پیدا شده بود و این مجموعه عوامل کتابداری در ایران را پیش از انقلاب بسیار شکوفه کرد.

از انقلاب اسلامی به این سو چه اتفاقی افتاد؟

اوایل انقلاب این روند یک مقدار کند شد. کتابخانه ها تعطیل شدند. مرکز خدمات کتابداری تعطیل شد و در واقع یک جور سرخوردگی به وجود آمد و شوق و ذوق اولیه را فرو خورد، تا اینکه پس از چند سال کارمندان مرکز خدمات به کتابخانه ملی آمدند، دانشگاهها فعال شدند و باز به کتابداری توجه نشد. به هر روی من با توجه به آنچه قراین نشان می دهد، به اینکه در حال ورود به جامعه اطلاعاتی هستیم خوش بین هستیم. چرا که امروزه بزرگترین سرمایه هر کشور داشتن، دسترسی و استفاده از اطلاعات بیشتر است و رمز بقای ما در این دنیای مدرن نیز همین است. به یک معنا هم کتابداری به معنای قدیمی اش فقط با کتاب سر و کار ندارد، بلکه با هر واسطه ای که اطلاعات را بین منبع و مصرف کننده اطلاعات و تسهیل آن تسریع کند، سر و کار دارد و همین امر لزوم توجه بیشتر اولیای ما به این مقوله و سرمایه گذاری و پرورش نیروی انسانی را می طلبد تا زیربنای بنیاد فرهنگی جامعه بر اساس آن شکل گیرد و امکان اجرای برنامه های دیگر را فراهم کند. اگر هم تاکنون متوجه آن نشده ایم، جبر زمان ما را متوجه خواهد ساخت که حوزه اطلاعات و علوم اطلاعاتی و کتابداری بقای جامعه را تضمین می کند. نظر شما درباره عدم علاقمندی برخی از جوانان به کتاب چیست؟

توجه کنید که ما دو گونه کتابخوان داریم. دسته اول بی غرضانه و بی شائبه کتاب می خوانند، دسته دوم بیشتر به کتاب های کاربردی می پردازند. در ایران امروز شمارگان و عنوان کتاب ها بسیار زیاد است اما از یک سو تعداد کتاب های ارسالی آنها که می توانیم اسمشان را «کتاب» بگذاریم، بسیار کم شده است و اینها موجب شده ما بگوییم کتابخوان در ایران هر روز کمتری می شود، حال آنکه آمار نشان می دهد اسمال ۳۰ هزار عنوان در ۱۶۰ میلیون جلد در کشور چاپ شده است. این آمار در مقایسه با ۳۰ سال پیش که ۲ هزار عنوان کتاب در ۵ میلیون جلد خلاصه می شد از نظر کمی رشد ۳۰ برابری را نشان می دهد. حتماً هر یک از این کتاب ها به نحوی مخاطب و خواننده هم دارند اما خواننده امروز با خواننده قدیم فرق دارد. امروز کتاب های کاربردی، کتاب هایی که پاسخ یک سؤال را می دهند، کتاب هایی که برای کنکور، کار صنعتی، بیزنس و کسب و کار خوانده می شوند و کتاب هایی که موضوع روز هستند اما بلافاصله فراموش می شوند، به این مجموعه بسیار افزوده شده، اما این

پیچ و خم های کتاب و کتابداری

گفت و گو با کامران فانی

کامران فانی را بسیاری علامه قزوینی زمانه لقب داده اند، اگرچه وی از این لقب تنها قزوینی بودنش را قبول دارد. اما نگاهی به کارنامه کاری و دانش و بینش این چهره فروتن عرصه کتاب نشان می دهد که این داوری درباره وی بیزاه نیست. فانی برای فهمیدن و خواندن بیشتر تقریباً هر چیزی را کنار می زند. حتی وسوسه ترجمه برخی از آثار شاخص و نیز تألیف و نگارش کتاب هایی که از سوی ناشران فراوانی به وی سفارش و توصیه شده نیز سبب نشده تا وی نوشتن و ترجمه را بر خواندن کتاب ترجیح دهد. شاید لذت خواندن برای مردی که کریمانه داشته هایش را در اختیار دیگران می نهد، بیش از هر کار دیگری ارزش و اعتبار داشته باشد.



تصمیم گرفتیم خواننده باشیم تا نویسنده

حدود دو بیست مقاله دارم. از سال های ۴۶ یا ۴۷ مقاله نویسی را شروع کردم و امروز هم گهگاه مقاله می نویسم. وسوسه چاپ آنها در قالب مجموعه همواره در من بوده و آنها را آماده هم کرده ام اما هنوز واژه من از اینکه چیزی به عنوان کتاب از من چاپ شود، جدی است. تعدادی از این مقالات در حوزه های متعدد را آماده کرده ام و در قرار داد چاپ هم برای آنها از مدت ها پیش دارم، به هر روی امیدوارم امسال بخشی از این مقالات که به گمانم بیشتر ارزش خواندن دارد و قابل عرضه دوباره است را بتوانم چاپ کنم.

پس همین وسواس بود که شما را به حوزه کتابداری هدایت کرد؟

نه، وقتی من وارد این حوزه شدم حدود چهار- پنج کتاب چاپ کرده بودم و حدود بیست و چند سال سن داشتم. بعد از ورود به این حوزه چند کتاب دیگر هم کار کردم و سپس این وسواس کم کم پیدا شد. وقتی انسان در کتابخانه با دنیای عظیم و گسترده کتاب مواجه می شود و به تدریج حس می کند در مقابل صدها هزار نویسنده و کتابی که در قفسه ها خوابیده اند و منتظرند کسی به سراغ آنها برود و یک جور حیات دوباره به آنها ببخشد، بسیار ناچیز است. بودن در کتابخانه به من یادآوری می کرد که افزایش دویاسه کتاب از من به این مجموعه عظیم تأثیر گذار نخواهد بود و این یکی از عواملی بود که بتدریج به هراس یا وسواس در نوشتن در من منجر شد. البته من کارهای ناتمام بسیاری دارم با طرح هایی که باید صورت باقعه آثار زیادی دارم اما باید هر یک در عالم عمل به فعل در آید.

حضور شما در مرکز خدمات کتابداری مصادف با شروع کتابداری نوین در ایران است. کتابداری در ایران چه پیچ و خم هایی را پشت سر گذاشته و الان ما روی چه پله ای ایستاده ایم؟

می دانید که ایران تمدن های درخشانی را پشت سر گذاشته. در دوران اسلامی، ما یکی از کتابی ترین تمدن های جهان بودیم. شاید در آن دوره هیچ تمدنی مثل تمدن ایران با کتاب آشنا نبوده و این همه تولید کتاب نداشته است. در اوج شکوفایی تمدن ایرانی در دوران اسلامی ما جامعه کتابخوانی بودیم که متأسفانه این عادت به علل مختلف که انحطاط یا تنزل فرهنگ است، کاهش یافت و از اواخر دوره صفویه، زنده و بخصوص قاجار ما دیگر کتابخانه بزرگی در ایران نداشتیم. کتابخانه با مفهوم امروزی آن مثل دیگر مظاهر غرب از خارج وارد ایران شد. زمانی که دانش آموختگان ما احساس کردند در خارج کتابخانه های بزرگی وجود دارد و شاهد خدمات کتابداری در آنجا بودند، احساس کردند جامعه برای پیشرفت مجموعه ای از دانش های مکتوب را باید در اختیار داشته باشد و درست از دوره ناصرالدین شاه کتابخانه به مفهوم تازه اش در ایران تأسیس شد، اما بسیار کند. شاید ما در حوزه کتابداری و کتابخانه سازی نسبت به حوزه های دیگر فوق العاده ضعیف و کند بوده ایم و این روند ادامه داشت تا حدود ۴۰ یا ۵۰ سال پیش، یعنی اوایل ۱۳۳۰ که فکر تأسیس کتابخانه های جدید و اداره آنها توسط کتابداران جدید بتدریج قوت گرفت. اگر باور کنیم کتابخانه فقط مجموعه ای از کتاب هایی نیست که در کنار هم به صورت انبار قرار

حوزه های مختلف کمابیش اطلاعات اجمالی داشته باشم. به این علت هنوز هم خیلی متفرق و متنوع خوان هستم و در واقع از ادبیات کم کم می گذارم. به حوزه های دیگر بویژه علوم و تاریخ می پردازم. اما درباره تخصصی خوانی به نظرم با اینکه در حوزه های تخصصی می توان موفق تر و عمیق تر بود اما فاق نگاه در آنها تنگ تر می شود این دیگر به انتخاب فرد بازمی گردد، یا باید در یک حوزه تخصص داشته باشد و به جایی برسد یا فاق خود را گسترده تر کند و سطحی تر اما گسترده تر ببیند و عمق را فدای گستردگی بکند. نمی دانم حق با کیست اما در جهان تخصصی امروز شاید لازم باشد دامنه اطلاعات افراد گسترده شود اما این روش به یک فداکاری نیاز دارد که موجب می شود فرد در هیچ حوزه ای نتواند حرف خیلی جدی بزند.

گرچه به شما علامه قزوینی نسبت داده اند اما دستیابی به دامنه وسیع مطالعه روش خاصی در کتابخوانی می طلبد. طبعاً باید برای خواندن روش مند بود به گمانم شما نیز روش خاصی برای خودتان دارید؟

(می خندد) این به دلیل قزوینی بودنم هست در غیر این صورت علامه که نیستم. چرا با آثار مکتوب فراوانی از شما مواجه نیستیم. چرا کم می نویسید و فهرست آثارتان بلند نیست و تاریخ چاپ اکثر آثارتان به سال های دور بازمی گردد؟

شاید تاسی سالگی همه کارهایم را کرده بودم و حتی کارهایی که الان در دست دارم مربوط به همان سال هاست. بعد از آن زمان متوجه شدم کتاب نوشتن و ترجمه کردن انسان را بی سواد می کند چون فرصت خواندن را از فرد می گیرد. یا باید نشست و تحقیق کرد تا کتابی در حوزه ای درآورد یا روی ترجمه ای مدت ها کار کرد. اما همزمان اگر این کارها را کنار بگذاریم می توانی بی اغراق صدها کتاب بخوانی. به همین دلیل تصمیم گرفتیم خواننده باشیم تا نویسنده و مخاطب باشیم تا گوینده. شاید هم از تبلی بوده، مطمئن نیستم اما از یک زمانی به بعد کم کار شدم و این همه موجب شد در این ۲۵ سال اخیر من تقریباً هیچ کار جدی جز مقاله نویسی نداشته باشم و همیشه هم از این مطلب که تألیف و ترجمه کتاب چه مقداری از وقت مرا خواهد گرفت و من در عوض چه اندازه کتاب نخواهم خواند و چه اندازه با اندیشه های مختلف آشنا نخواهم شد هراس داشتم. همین فکر موجب می شد برنامه هایم را به آینده دور و معلوم که دوران بازنشستگی است موکول کنم و خودم راقع کنم که از وقت موجود برای خواندن استفاده کنم و این همه در حالی بود که شناخت و وسیعی در حوزه کتاب داشتم و می دانستم باید روی چه موضوعاتی کار کنم اما همیشه کنجکاوی و علاقه به خواندن که شاید به صورت نوعی بیماری و وسواس در من درآمده موجب شده قلم خشک شود و دستم به کار نرود. طبعاً پس از مدتی کار نکردن یک جور هراس از نوشتن و اینکه حرفی برای گفتن ندارم در من به وجود آمد. چرا که هر اندازه فرد با دنیای اطلاعات و دانش، بیشتر آشنا شود جرأت و جسارت او کمتر می شود. جرأت و جسارت همزاد جهالت و ناآگاهی است. حسن من این بود که در دنیای وسیع اطلاعات امروز، حرف تازه ای برای گفتن ندارم البته باید بگویم که اصولاً در گذشته هم همین گونه بوده است. چرا مجموعه مقالات را چاپ نکرده ایم؟

چخوف را به فارسی برگرداندید؟

بله. اولین ترجمه من مرغ دریایی چخوف بود که از بهترین آثار اوست. البته قبل از آن داستان کوتاهی از نویسنده آلمانی به نام «گئورگ بوخنر» با عنوان «نت» ترجمه کرده بودم و به دنبال آن مرغ دریایی را ترجمه کردم اما مرغ دریایی زودتر چاپ شد چون بوخنر در ایران شهرتی نداشت اما چخوف در ایران به قدر کافی مشهور بود. پس از ترجمه این کتاب چون هیچ آگاهی از نشر در ایران نداشتم با راهنمایی یکی از اساتید دانشکده ادبیات که با رافرافتر گذاشته بود و با ادبیات جدید بخصوص ادبیات روس آشنا بود یعنی شادروان دکتر محجوب، کار چاپ کتاب را دنبال کردم. دکتر محجوب در دانشکده تدریس سبک شناسی می کرد و من ترجمه های ایشان بویژه «خانه مردگان» از داستایوفسکی را خوانده بودم. این کتاب در نشر اندیشه که جمعی از نویسندگان از جمله دکتر محجوب آن را تأسیس کرده بودند، به چاپ رسید و این اولین آشنایی من با ناشر و دنیای پر رمز و راز نشر بود.

چگونه حوزه های مطالعاتی خود را طبقه بندی می کنید و آیا قائل به این تعریف نیستید که یک متخصص باید در یک رشته و زمینه خاص، مطالعات خودش را متمرکز کند؟

قدیمی ها معتقد بودند که انسان ها می توانند جامع العلوم باشند. در گذشته علما و دانشمندان مادر همه رشته ها آگاهی داشتند و کمتر تخصص به صورت امروزی مرسوم بود شاید به این دلیل که به آن نیاز نبود یا گستره علوم و معارف این اندازه وسیع نبود.

با این نگاه شاید من یک آدم قدیمی باشم اما علت اصلی، کنجکاوی من بود. در واقع من به تمام مسائل زمینی و آسمانی ارضی یا سماوی علاقمند بودم. این علاقه هم فطری بود. کمتر موضوعی بود که توجه مرا جلب نکند البته طبعاً هنر و ادبیات را با ذوق بیشتری دنبال می کردم اما این گونه نبود که رشته ای باشد که مورد علاقه من نباشد و دلم نخواهد از آن سر در بیاورم. از طرفی وقتی من وارد حوزه کتابداری شدم بایک رشته مرجع و پاسخگو به سوالات مواجه شدم. احساس کردم نیازم این است که در



● کامران فانی: بزرگترین سرمایه هر کشور داشتن دسترسی و استفاده از اطلاعات بیشتر است و رمز بقای مادر این دنیای مدرن نیز همین است

می دانم که متولد ۱۳۲۳ قزوین هستم اما این چندان مهم نیست، مهم این است که شما قبل از دیپلم به انگلیسی کتاب می خواندید، علاقه زود هنگام شما به مطالعه و خواندن به صورت حرفه ای و تبحر تان در خواندن به زبان های دیگر چگونه به وجود آمد؟

فکر نمی کنم زندگی من نقلی داشته باشد که به تفصیل وارد آن شوم. اما همان طور که گفتید متولد قزوین هستم و تا دیپلم در آنجا درس خواندم. از توفیقات من در قزوین و در دوره دبیرستان این بود که دکتر بقای به ما انگلیسی می آموخت. او فوق العاده خوشای بود. هدفش این بود که زبان انگلیسی را به درستی به ما بیاموزد تا شوق و علاقه به یادگیری این زبان در ما به وجود آید. او از بهترین معلمان زبان در اواخر ۱۳۳۰ و اوایل ۱۳۴۰ بود که چند سالی در قزوین تدریس می کرد که پس از آن به تهران آمد. من هم شاگرد درس خوانی بودم و طبعاً به زبان خارجی فوق العاده علاقمند بودم. در نتیجه راهنمایی این معلم و شوق و ذوقی که او در من برانگیخت من خیلی زود به آموزش زبان، در حد فراتر از دبیرستان پرداختم و چون به کتاب خواندن علاقمند بودم شاید از سال های ابتدایی دبستان پیگیرانه کتاب می خواندم، همین که یک مقدار با زبان انگلیسی آشنا شدم، فکر کردم هیچ فرصت دیگری برای زبان آموزی جز کتاب خواندن نیست. تابستان ها به تهران می آمدم سعی می کردم کتاب های انگلیسی ساده پیدا کنم که البته برخلاف امروز تعدادشان فوق العاده کم بود، به آنها اصطلاحاً «سیمپلی فاید» می گفتند. در این روش زبان های معروف جهان را به هزار یا دو هزار لغت انگلیسی خلاصه و ساده نویسی می کردند. بعدها چون به ادبیات و داستان فوق العاده علاقمند بودم شروع به خواندن کتاب های اصلی زبان در حوزه رمان و داستان کوتاه کردم.

با این همه علاقه به ادبیات چرا در دانشگاه، پزشکی را به عنوان رشته تحصیلی انتخاب کردید گرچه آن را در وسط کار رها کردید؟

در آن زمان رسم بر این بود که به شاگردان زرنگ، بخصوص شهرستانی ها، توصیه می شد که تنها پزشکی یا مهندسی بخوانند. برای هر شهر هم مهم بود که شاگردان زرنگ و با هوشش وارد دانشگاه تهران شوند. من هم با اینکه به ادبیات علاقمند بودم تحت تأثیر جو شهر و محیط خانواده و بویژه توصیه های اولیای دبیرستانم در کنکور چند رشته مختلف را انتخاب کردم طبعاً وقتی پزشکی قبول شدم اعتقاد همه بر این بود که رشته های ادبی بی مورد و بی معنی ست و کسانی که در رشته های مهم قبول نمی شوند وارد این رشته ها می شوند. به هر روی سه سالی در دانشکده پزشکی دانشگاه تهران مشغول شدم اما بعداً مطمئن شدم که نمی توانم این رشته را ادامه دهم بعد از تقریباً سه سال دوباره در کنکور شرکت کردم و وارد دانشکده ادبیات شدم و لیسانس ادبیات فارسی گرفتم. و از آنجا که به کتاب خیلی علاقمند بودم و فکر می کردم آینده ما به کتاب گره خورده، وارد رشته کتابداری شدم و فوق لیسانس کتابداری از دانشگاه علوم تربیتی دانشگاه تهران گرفتم. رسماً کتابدار شدم و در مرکز خدمات کتابداری به تشویق خانم پوری سلطانی شروع به کار کردم.

اما قبل از وارد شدن به حوزه کتابداری، شما در سال ۴۵ زمانی که دانشجوی ادبیات بودید، نمایشنامه ای از

شوالیه ناموجود و هستی در زمان

با فرم اثر یگانگی پیدای کند که نمی توانم این دورادر دآوری از هم جدا کنم. فقط کالونیو می تواند این موضوع را به این شکل بیان کند.
فکر می کنید شگرد کالونیو در کتاب «شوالیه ناموجود» هنوز در ایران تقلید و دستمالی نشده است؟
به نظر من هم همین طور است. یک شگرد سهل و ممتنع است. البته فکر می کنم شگردش در زمان «درخت بارون نشین» هم طوری بوده که کسی نتوانسته به سمتش برود.

مخصوصاً این موجهی که می خواهد تبدیل به یک نظریه بشود و این اثر کتابی درباره کتاب و نوشتن درباره نوشتن است، این نظریه به آن یک دهه است که در میان نویسندگان ما و ادبیات داستانی ما رایج شده است و مورد تقلید قرار گرفته.

عنایت سمیعی

(شاعر - منتقد)

آقای سمیعی تازه ترین کتابی که خوانده اید و پسندیده اید چه بود؟

والله کتاب «هستی در زمان» را خواندم که کتاب مشکلی است.

همین کتابی که ماه گذشته نشر دستستان منتشر کرده؟
بله، عنوان فرعی کتاب «خویشن ها و روایان در فلسفه و ادبیات» به قلم ژنو یولود است که منوچهر حقیقی راد آن را به فارسی ترجمه کرده است.

ویژگی این کتاب را می توانید به صورت مختصر توضیح بدهید؟

فرشته ساری

(شاعر، نویسنده، مترجم)

خانم ساری می توانید از بهترین کتابی که در ماههای اخیر خوانده اید برای ما بگویید؟



کتابهایی که اخیراً خوانده ام «مرگ در آند» اثر بارگاس یوسا، «داستان های ناتمام» نجدی و «شب مادر» رنه گات «کتاب بیهوده» از کریستین بوبین و «شوالیه ناموجود» ایتالو کالونیو ...

به نظر «شوالیه ناموجود» ایتالو کالونیو به دلیل تأثیر پایدارتری که در ذهنم گذاشته، فکر می کنم توانسته به سلیقه های تغییر یافته ما پاسخ بدهد و برایم جالب بود. بخصوص اکثر کتاب هایی که خوانده ام فضای بسیار تیره و تاری داشتند ولی «شوالیه ناموجود» علی رغم این که راجع به جنگ های صلیبی است و به این تیرگی اشاره می کند اما فضای محکم و زنده و ملن قوی ای داشت و لایه های زیرین اثر تأثیر گذار بود که واقعاً فکر می کنم کالونیو تا یک سده دیگر هم بتواند خیلی از سلیقه ها را راضی کند.

این کتاب نه تنها برای این ماه بلکه تا سال های سال شاید بهترین کتابی باشد که خوانده ام.

انتخاب شما بر اساس محتوای اثر است یا فرم و ساختار اثر، شما را تحت تأثیر قرار داده؟

ببینید، شوالیه ناموجود هم از نظر محتوا و هم از نظر فرم و ساختار حداقل برای من جذابیت فوق العاده ای داشت. نویسنده از نظر محتوا به شکل نمادین به مسأله جنگ و مسائل دیگر پرداخته که آن قدر

مصطفی رحیمی



مصطفی رحیمی متولد ۱۳۰۵ نائین از معدود روشنفکران دهه های قبل از انقلاب است که در جبهه روشنفکران چپ قلم نمی زد و حتی از مخالفان جدی کمونیسم قلمداد می شد.

رحیمی دیپلم ادبی خود را در یکی از دبیرستان های اصفهان گرفت و در سال ۱۳۲۴ در رشته حقوق قضایی وارد دانشگاه تهران شد و مدتی بعد برای ادامه تحصیل با استفاده از بورسیه به فرانسه رفت و در نهایت موفق به اخذ دکترا شد. رحیمی شروع کار هنری خود را با سرودن شعر آغاز کرد و در مجموع دو دفتر شعر منتشر کرد و بعدها به دلیل متوسط بودن اشعارش حاضر به سخن گفتن پیرامون شعرهایش نشد.

رحیمی پس از بازگشت از فرانسه به استخدام دادگستری درآمد و تا دوران بازنشستگی در این وزارتخانه مشغول به کار بود. وی به دلیل علاقه به آثار فلسفی به ترجمه این آثار روی آورد و جزء نخستین کسانی بود که آثار ژان پل سارتر و فلسفه اگزیستانسیالیسم را با ترجمه کتاب «اگزیستانسیالیسم و اصالت بشر» به جامعه ایران معرفی کرد. وی در دورانی که اندیشه های مارکسیستی وجه غالب در محیط های روشنفکری و دانشگاهی بود، با ترجمه «دست های آلوده» - نمایشنامه ای در افشای استبداد استالینیستی و کمونیسم روسی - و ترجمه «ادبیات چیست؟» و «درباره ادبیات» از سارتر - با همکاری ابوالحسن نجفی و توسط انتشارات کتاب زمان - بحث تعهد در ادبیات را مطرح کرد و به این بحث دامن زد که حاصل آن چاپ آثاری از روشنفکران و نویسندگان و شاعران بود که به ادبیات اعتراض و ادبیات متعهد شناخته می شدند و اهل قلم در این رابطه توجه تئوریک می شدند.

دکتر مصطفی رحیمی علاوه بر ترجمه مقالات فلسفی، نمایشنامه هایی از برشت و سارتر نیز ترجمه کرد که هر یک به چاپ های متعدد رسید. «آناهیتا»، «تیاله»، «دست بالای دست»، «فنه دلاور و فرزندان او» و «آن که گفت آری، آن که گفت نه» از آن جمله است. رحیمی آثاری نیز تألیف کرده که مهمترین آنها «ازادی قدرت در شاهنامه» پیرامون فردوسی و شاهنامه و کتابی درباره حافظ بود. «آس فلسفی»، «نگاه» و «دیدگاهها» از دیگر تألیفات اوست که پیش از انقلاب به بازار آمده است.

آلبر کامو نیز از دیگر نویسندگان فرانسوی مورد علاقه وی بود و چند اثر از او را به فارسی برگرداند. «رسالت هنر»، «ادبیات و اندیشه» از سارتر و کامو، «ارقه سیاه» و «آن چه من هستم» از سارتر و نقد حکمت عامیانه از سیمون دو بووار «معجزات اعدام» از مارک آتسِل و «اتهام» از مصطفی الراوی، بخشی از کارنامه فعالیت های وی را تشکیل می دهد. دکتر رحیمی در سال ۸۱ کتاب «مارکس و سایه هایش» را زیر چاپ داشت و همچنین با چند کتاب در مرحله انتشار و چند اثر ناتمام، در مرداد ماه امسال جهان را وداع گفت.

این کتاب بررسی فلسفی زمان در آثار افلاطون تا دوران معاصر است. در حوزه ادبیات تعمقی دارد در آثار ویرجینیا وولف و رمان «در جست وجوی زمان از دست رفته» مارسل پروست و در حوزه فلسفی آثار آگوستین و ارسطو و دکارت و کانت و در حوزه نظریه های نقد ادبی آثار دریدا و پل ریکور را مورد بررسی و پژوهش قرار می دهد.



این کتاب در حوزه ادبیات چه حرف تازه ای دارد؟
رمان «در جست وجوی زمان از دست رفته» پروست و برخورد پروست با بحث زمان از دیدگاه برگسون و تأویل خاص پروست از زمان که با تأویل برگسون متفاوت است، جزو مباحث تازه ای است که نویسنده در حوزه ادبیات مطرح می کند. این کتاب صرفاً فلسفی نیست. علاقمندان به ادبیات می توانند بهره های فراوانی از نظریات نویسنده ببرند. من در حین خواندن این کتاب متوجه شدم صادق هدایت در تألیف بوف کور احتمالاً با فلسفه برگسون آشنا بوده و احتمالاً رمان مارسل پروست را باید خوانده باشد. چون بوف کور هدایت نیز فاقد زمان گاهشمارانه با زمان بیرونی است. از این حیث قرانت بوف کور، می تواند قرالت جالب و تازه ای باشد.

من فکرمی کنم کسانی که مسأله ادبیات را از زاویه روزمرگی نگاه نمی کنند و به مسائل عمیق تری نظر دارند کتاب «هستی در زمان» از هر حیث برای آنها کتاب قابل استفاده خواهد بود.

پایان کار نمایشگاه کرمانشاه

رفتارهای گذشته گانگان رانمی فهمند و از این روست که باید سعی کنیم ارتباط فرهنگی خود را با گذشته گانگانمان حفظ کنیم.
معاون فرهنگی وزیر ارشاد در ادامه ضمن اشاره به آمار و اطلاعات به دست آمده در مورد وضع کتاب و کتابخوانی در استان گفت: در چند سال گذشته تعداد ناشران استان به مرز سه برابر رسیده و نویسندگان استانی به سطحی رسیده اند که در سطح ملی شناخته شده هستند. در این مراسم جعفری معاون فرهنگی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان ضمن ارائه گزارشی از نحوه برگزاری نمایشگاه اظهار داشت: دومین نمایشگاه کتاب استان کرمانشاه با حضور ۵۵۰ ناشر در ۲۵۰ غرفه و با ارائه ۵۰ هزار عنوان کتاب برگزار شد.

وی اضافه کرد: در مدت هشت روز فعالیت بیش از ۱۵۰ میلیون تومان کتاب به فروش رفت که از این مقدار ۱۰۰ میلیون تومان با بن یارانه ای و ۵۰ میلیون نیز خرید نقدی انجام گرفت و نزدیک به ۵۰۰ هزار نفر از نمایشگاه دیدن کردند.

علی اصغر رمضانپور معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در مراسم اختتامیه نشست و چهارمین نمایشگاه کتاب استانی و دومین نمایشگاه بزرگ کتاب کرمانشاه گفت: متأسفانه میزان ارتباط خانواده ها با کتاب هنوز در صد پانینی را نشان می دهد. وی با اظهار تأسف از اینکه طبق آمارها بالا رفتن درآمد افراد میزان خرید کتاب تغییری نکرده است، تنها راه توسعه کشور و استان را توسعه کتابخوانی در بین مردم و خانواده ها دانست و اظهار داشت: مردم باید یاد بگیرند که برای برطرف کردن نیازهای خودشان کتاب بخوانند و به وسیله مطالعه هم اوقات فراغشان را مایه و کنند و هم مهارت های زندگی کردن فردی و جمعی را افزایش دهند.

رمضانپور با اشاره به بحث تهاجم فرهنگ و ابعاد مختلف آن گفت: تهاجم فرهنگی بیش از آنکه تهاجم به اهالی یک فرهنگ باشد تهاجم به تمدن ملتی است که ارتباط خود را با پیشینه فرهنگی شان قطع کرده باشند این ارتباط زمانی قطع می شود که یک ملت معنای

نمایشگاه کتاب و مطبوعات در کرج

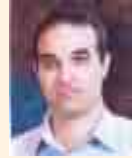
نمایشگاه سراسری کتاب، مطبوعات و نرم افزار از ۲۲ مرداد ماه به مدت ده روز از ساعت ۹ تا ۱۶ و ۲۲ تا ۲۳ در کرج برگزار می شود.

در روزهای برپایی نمایشگاه از شاعران، نویسندگان، مترجمان و کارگردانان نامدار کشور دعوت می شود تا در نمایشگاه حضور یابند و با مخاطبان آثار خود دیدار کنند. ناشران ملزم به ارائه تخفیف ۱۰ درصدی به خریداران هستند. ۵ درصد دیگر از فروش به آزادسازی زندانیان نیازمند تعلق می گیرد و ۵ درصد جهت خرید جوایزی برای بازدیدکنندگان در نظر گرفته شده است. اجرای برنامه های متنوع از قبیل موسیقی، مسابقات نقاشی، مقاله نویسی، کاریکاتور و فیلم کوتاه از جمله تلاش های جنبی این نمایشگاه به حساب می آیند. همچنین به برجسته ترین برنامه ها جوایزی تعلق می گیرد. بازدیدکنندگان نیز در ازای خرید هر پنج هزار تومان یک کارت شرکت در قرعه کشی دریافت می کنند و در صورت برگزیده شدن پلاک طلا به آنان اهدا می شود.

<p>مدیر مسؤول: احمد مسجد جامعی</p> <p>سردبیر: علی اصغر رمضانپور</p>		<p>صاحب امتیاز: خانه کتاب ایران</p>	
<p>عکس: سیاوش حبیب الهی</p> <p>محمد رضا دشتی، رضا خندکار</p> <p>مدیر هنری: بهروز متین صفت</p> <p>مدیر فنی و صفحه آرا: ناظم رام</p> <p>حروفین: منیر سرگلی، غزاله نوروزی</p> <p>تصحیح: منیر السادات حسینی</p> <p>نقشه مجامعتی: محمد ملاحسینی</p> <p>هماهنگی: آرش آذرنگ</p>	<p>توزیع: عزیزالله امرایی، علیرضا امرایی</p> <p>طراح صفحات الکترونیکی: علی رضا کریمی</p> <p>نظارت چاپ: محمود رضا طلوعی</p> <p>لیتوگرافی و چاپ و توزیع: ایرانچاپ</p> <p>تدارکات: قادر میرزایی</p> <p>خدمات: علی محمدی، علی رحیمی</p>	<p>هیات تحریری: رسول آبادیان، فرانک آرتا</p> <p>حمید بابایان، ترکس بازخانه ای</p> <p>نگار پدram، لیلی پور اسکندر</p> <p>مریم جباری، زهرا حاج محمدی</p> <p>همایون خیری، ابراهیم رزم آرا</p> <p>مهیار شیدیان، سیدعلیمحمد رفیعی</p> <p>محمد رضارئسی، فرزین شیرزادی</p> <p>مریم طاهری مجد، سایر محمدی</p>	<p>شورای سردبیری: دکتر یونس شکرخواه</p> <p>سید فرید قاسمی</p> <p>حمیدرضا اسلامی</p> <p>محمد هاشم اکبریانی</p> <p>سید ابوالحسن مختاباد</p> <p>مسئول دفتر تحریری: آمنه عربگری</p> <p>تلفن تحریری: ۸۸۴۰۱۹۹</p>

نشانی: خیابان قائم مقام فرحانی، اول خیابان فجر (جم)، شماره ۹، طبقه دوم، صندوق پستی: ۳۳۱۴۵۰۳۳۳ نشانی کتاب هفته در اینترنت <http://www.ketabnet.org.ir/weekbook>

تجربه ای برای تعمیم



ایستاد «پکا» در راه اندازی

جایزه کتاب مهرگان و تعمیم آن به حوزه های مختلف نظیر محیط زیست، ستودنی است، بخصوص اینکه در میان انجمن های ریز و درشت علمی که قطعاً باعث کافی برای دوری کتاب های مرتبط با خود دارند، هنوز هم هیچ نشانه ای از قدردانی از مؤلفان و مترجمان کتاب های علمی دیده نمی شود. به طور دقیق، نه، اما با حدس و گمان می توان دریافت که چرا انجمن های علمی سختی حاضرند در راه تقدیر از پدیدآورندگان کتاب های علمی قدم برندارند.

کسب مدارج علمی در جامعه دانشگاهی اگر چه می بایست بر اساس واقعیت ها استوار باشد اما همین قدر که بتوان با حوزه دستکاری های مدیریتی به تفوق یک عضو هیأت علمی بر دیگران صحه گذاشت، آن وقت نظام ارزشگذاری علمی دستخوش چنان مصایبی می شود که هیچ کس قادر به اصلاح آن نیست. کتاب های علمی فاقد جاهتی که در چند سال اخیر از طریق دانشگاهها و البته با پشتوانه بعضی مدیریتی ها منتشر شده اند، باعث شده تا پدیدآورندگان واقعی کتب علمی رغبت چندانی برای بقا در حوزه نشر و نوشتار دانشگاهی نداشته باشند و بالطبع انجمن های علمی نیز با روی گشاده به موضوع انتخاب و اهدای جایزه کتاب های حوزه های تخصصی نپردازند. از طرف دیگر انتخاب کتاب سال توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بیش از هر چیز وجه دولتی انتخاب کتاب را بدک می کشد.

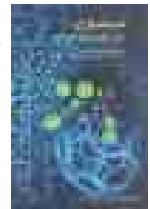
بنابراین به نظر می رسد بسیاری از پدیدآورندگان کتاب های علمی به دلیل نگاه دولتی در انتخاب کتاب های سال از حیظه ارج گذاری نیز خارج می شوند. پس چاره چیست؟ صاحب این قلم معتقد است از آنجایی که پدیده آمدن کتاب به چرخه ایجاد انگیزه، تولید علم و سپس پدید آمدن کتاب می انجامد، بنابراین باید از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انتظار داشت با ارائه کمک های مالی به ناشران، امکان انتخاب کتاب های علمی و البته غیردولتی فراهم گردد و از این رهگذر طیف وسیعی از پدیدآورندگان کتاب های علمی در دانشگاهها در حیظه تولید کنندگان علم در جامعه قرار گیرند.

کتاب

نانو تکنولوژی

آئینه تکنولوژی آفرینش

گردآورندگان: علی اخوان عبداللهیان و دیگران، ناشر: کمیته مطالعات سیاست نانو تکنولوژی، تاریخ انتشار: زمستان ۱۳۸۰، ۲۰۰۰ جلد، ۱۱۲ صفحه، ۱۰۰۰۰ ریال.



نانو فناوری یا نانو تکنولوژی مبحثی جدید در علم است که سن آن به بیست سال هم نمی رسد و

همانند کودکی است که به تاژگی سعی بر روی پا ایستادن می کند. همین جوان بودن و در عین حال تأثیر گذار بودن آن در سرنوشت نسل بعد جهانیان را به تکاپو به پیشرو شدن در این عرصه و داشته است.

با توجه به اهمیت فراوان موضوع از طرف دفتر همکاری های فناوری ریاست جمهوری کمیته ای به نام مطالعات سیاست نانو شکل گرفته است که یکی از اهداف آن فرهنگ سازی و اطلاع رسانی در این زمینه است. حاصل کار این گروه در عرصه نشر کتاب در یک بازه زمانی کوتاه قابل توجه است.

دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی تهران



خردیاری می شوند.

قابل ذکر است که کتاب های فارسی با نظر استادان دانشکده داروسازی و بیشتر با توجه به نیاز متقاضیان مراجعه کننده به کتابخانه سفارش داده می شوند.

این کتابخانه برای تهیه مقالاتی که در ایران موجود نباشند از طریق سازمان اسناد و مدارک و کتابخانه های سراسر دنیا اقدام می کند.

منابع علمی موجود در کتابخانه معرفی شده تا آنجا معتبر بوده که کمیته کتابخانه ای متشکل از مدیران گروه های آموزشی و رییس دانشکده داروسازی، رییس کتابخانه و معاون مالی - اداری همین دانشکده با تعداد ۹ نفر بر این مؤاخذ نظارت دارند.

کتابخانه مذکور در ساختمان جدید دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی تهران واقع است که با شماره تلفن های ۶۴۹۴۹۹۳ و ۶۴۹۴۹۹۵۷ داخلی ۲۰۸۱ می توان با مسئولان آن تماس گرفت.

نکته قابل ذکر آنکه این کتابخانه فاقد تاریخ ثبت اختراعات، استانداردها و سایت اینترنتی حاوی مطالب و منابع علمی کتابخانه است.

اهمیت جایگاه علمی کتابخانه های تخصصی با چند فاکتور زیر مرتبط است:

شناخت نیازهای اطلاعاتی جامعه به تخصص مورد نظر، بررسی و مطالعه منابع اطلاعاتی سازمان های علمی داخلی و خارجی، تغذیه اطلاعاتی دانشجویان، اساتید، هیأت علمی دانشگاهها، سازمان های دولتی و خصوصی کشور، تبادل اطلاعاتی با سایر مراکز اطلاع رسانی و کتابخانه های سراسر جهان

کتابخانه دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی تهران یکی دیگر از کتابخانه های تخصصی است که در این شماره آن را معرفی می کنیم. با توجه به موارد ذکر شده برای جایگاه اطلاعاتی معتبر، قضاوت برعهده خواننده خواهد بود که تا چه اندازه این کتابخانه برای پیشبرد به سوی تجهیزات اطلاع رسانی دقیق علمی و روزآمد تلاش کرده است. کتابخانه دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی تهران دارای کتاب های فارسی و لاتین از سال های ۱۹۶۰ میلادی به بعد، مجلات بیشتر انگلیسی از سال ۱۸۲۵ تا ۲۰۰۲ میلادی، پایان نامه ها به زبان فارسی و CD های مختلف اطلاعاتی به زبان های فارسی و انگلیسی درباره داروسازی، داروسازی بالینی، شیمی دارویی، بیوتکنولوژی، مفردات پزشکی (فارماکولوژی)، گروه

تعداد کامپیوترهای موجود بیش از ۲۰ عدد بوده که به بیشتر از ۲۰۰۰ عنوان نشریه به صورت تمام متن (Fulltext) از سال ۱۹۹۶ تا کنون می توان دسترسی یافت. همچنین کلیه خدمات کامپیوتری اعم از اسکن، Copy، Email، کار با بسته های نرم افزاری و حتی امات CD های کتاب های درسی و آموزشی با ارائه کارت یا معرفی نامه معتبر ارائه می شود.

منابع اطلاعاتی موجود در کتابخانه دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی تهران اعم از کتاب های انگلیسی از نمایشگاههای بین المللی کتاب تهران و نمایشگاه تخصصی علوم پزشکی که هر ساله برگزار می شوند و مجلات از سایت های اینترنتی و به صورت Fulltext با نظر مدیران گروه های آموزشی دانشکده، استادان آنها و توسط مسئولان کتابخانه

فال قهوه برای چهارمی ها

محصولات اولی ها سود خوبی به دست می آورند و به همین علت در مقابل هرگونه تغییری که اساس قدرت آنها را تحت تأثیر قرار دهد شدت مقاومت می کنند. این مقاومت ها جنبه های مختلفی دارند: از فراری دادن صاحبان اندیشه و فکر از کشور گرفته تا تدوین و به اجرا گذاشتن قوانین ضد توسعه ای بخصوص توسعه علمی. این گروه شدت به دنبال رواج فرهنگ راحت طلبی و بی هویتی در این کشورها هستند و اگر در ظاهر و برای راضی نگاه داشتن ملل خود قدمی برای توسعه علمی برمی دارند همگی رو بنمایی یا تبلیغی خواهد بود. به دلیل همین نگرش بعضی از چهارمی ها ظاهری پیشرفته و مدرن دارند ولی باطنی خراب.

وقتی به یک چهارمی سفر می کنید وجود ظواهر تمدن از قبیل آسمان خراش ها، اتومبیل های لوکس و غیره، شما را برای لحظه ای دچار سردرگمی می کند ولی کفایت کمی با دقت به حوصل و حوش خود نگاه کنید و ببینید که رایانه ای پر قدرت بر روی میز یک کارمند قرار گرفته و او برای پیدا کردن یک نامه یا سند دهها زونکن و فایل را زیر و رو می کند و گاهی هم برای تعدد اعصاب کمی با کامپیوترش بازی می کند یا موسیقی گوش می کند. اگر بازم قانع نشده اید سری به کتابخانه های شهر بزنید و سیل مشتاقان مطالعه را در حال خواندن کتاب های ببینید که بار علمی که ندارند هیچ، حتی ضد علم هم هستند. فرقی نمی کند که این کتابخانه در یک دانشگاه باشد یا در یک مدرسه یا یک پارک. اگر از آنجاسری به کتابفروشی ها بزنید تمام آن سیاست ها و تدبیرهای مبتنی بر مصرف گرایی و فرهنگ سنتی بازار را شاهد خواهید بود. سیاست های را که با تمام قدرت در مقابل توسعه علمی قدم علم کرده است و نیاز امروز و فردای ملت را در خرید بیشتر و

در زمان های بسیار دور سرعت افزایش دانش بشری به حدی کم بود که گاه گذشت چند قرن هم چیز چندانی بر آن نمی افزود، به همین دلیل مجموعه دانش بشری به اندازه ای بود که یک دانشمند در تمام حوزه ها صاحب رای و نظر می شد و تأیقاتی درباب یافته های گذشتگان به زبان علمی مرسوم به وجود می آورد یا آن نظریات را بسط و توضیح می داد و گاهی هم تجربیات یا برداشتهای خویش را بدان ها می افزود.

پس از انقلاب صنعتی سرعت افزایش دانش ها روز به روز افزون شد تا امروز که سرعت آن به حدی رسیده است که حتی صاحبان فکر و اندیشه را به تعجب و گاهی هم به ترس انداخته است. تعداد مقالات علمی که حاصل پژوهش های

دانشمندان در سراسر جهان است به قدری زیاد شده است که مطالعه آنها در یک شاخه کوچک هم برآستی غیرممکن است.

جهان امروز جهانی است که در آن در هر چند سال باید شاهد به وجود آمدن رشته یا تخصص جدید باشیم. از زمان اختراع اولین کامپیوتر تا امروز که به زحمت به ۶۰ سال می رسد، رشته های مختلف دانشگاهی، دانشگاهی و دانش های خاص به وجود آمده اند که پیدا کردن تخصص که هیچ، حتی آگاهی از کم و کیف آنها نیز غیر ممکن است. در این میان کشورهای دنیا را شاید بتوان به چهار دسته تقسیم کرد، کشورهای پیشرو که بیشترین سهم را در تولید و بهره برداری از علم دارند، کشورهای تازه توسعه یافته که به جدیت در حال تلاش برای رسیدن به کشورهای پیشرو هستند (مانند هند و چین)، کشورهای که اهمیت تحقیق در علوم را درک کرده اند و برنامه های جدی برای توسعه بخش های تحقیقاتی و دانشگاهی خود دارند و کشورهای که خود را بی نیاز از اینگونه کارها می بینند.

کشورهای دسته چهارم عمدتاً یا به علت نداشتن زیرساخت های لازم فرهنگی یا به علت فقر شدید همیشه مصرف کننده تولیدات فناوری کشورهای دیگر هستند که این فناوری ها نیز محصول فعالیت های علمی و تحقیقاتی همان کشورهای دسته اول و دوم است.

گاهی کشورهای دسته اول برای استفاده از منابع طبیعی و نیروی کار ارزان، کارخانه هایی را در کشورهای دسته چهارم نصب می کنند یا آنها را ترغیب به این کار می کنند. با این کار علاوه بر فروش محصولات خود در بازارهای جدید سود بیشتری را نیز به دست می آورند و در عین حال بازاری برای فناوری های آینده خود می آفرینند.

خوش خیالان ساکن در دسته چهارم نیز محصولات تولیدی آن کارخانه ها را دستاورد خود می دانند و به آن می بالند. معمولاً قطب قدرتمند اینگونه کشورها که آنها را از این پس چهارمی ها می خوانیم، افرادی هستند که مشروعیت و قدرت خود را از داد و ستد به دست می آورند و در بازه های کوتاه زمانی با خرید و فروش همان

آگاهی کمتر می بیند و در این راه حتی از فدا کردن کل آینده کشور نیز ابایی ندارد. سیاست هایی که منجر به این می شود که در کتابفروشی های سراسر کشور براحتی بنوانی دهها عنوان کتاب اسرار فال قهوه، فالگیری چینی و هندی و ستاره بینی را پیدا کنی ولی بعد از ساعت ها جست و جو حتی یک عنوان کتاب بدون غلط و روزآمد به زبان ساده درباره علوم جدید را نیابی.

سیاستگذاران چهارمی بیشتر از هر چیز بدبختی این هستند که شکم ملت خود را از هر راهی که شده (البته بجز سرمایه گذاری های بلند مدت) سیر ننگه دارند و سر آنها را گرم. حال این سیری به قیمت تاراج ثروت نسل های آینده هم اگر شد هیچ عیبی ندارد و این سرگرمی با هر روشی و با هر چیزی مجاز است الا سرگرمی به دانش. حال برآستی ما ساکن کدام یک از کشورها هستیم. مسلمان جزء دسته اول و دوم قرار نمی گیریم و بین دسته سوم و چهارم باید یکی را انتخاب کنیم. اگر جزء دسته سوم هستیم که باید کمر بندها را محکم ببندیم و این عقب ماندگی از دو دسته اول را جبران کنیم یا حداقل نگذاریم فاصله ها بیش از چیزی بشود که امروز هست و اگر جزء دسته چهارم هستیم این نکته را باور کنیم که اگر امروز تغییری در طرز فکرمان بوجود نیآوریم فردایی نخواهیم داشت تا جبران کنیم.

واژه نامه ارتباطات



واژه نامه ارتباطات، دکتر یونس شکرخواه، انتشارات سروش، چاپ اول: تابستان ۱۳۸۱، ۱۲۰۰ تومان. مؤلف که خود در این حوزه صاحب اعتبار است سعی کرده واژه ها و عباراتی را که جنبه های مفهومی و نرم افزاری داشته در کتاب بیاورد. همچنین سعی شده از آوردن واژه های بسیار رایج برهیز شود در حالی که تازه ترین واژه ها که در اینترنت هم کاربرد فراوان دارند، در کتاب آورده شده است. در تدوین این واژه نامه سعی شده نیازهای دانشجویان رشته ارتباطات به عنوان مخاطبان اصلی کتاب در اولویت قرار گیرد.

«بشیریه» و سه گانه جامعه شناسی سیاسی



دیپاچه ای بر جامعه شناسی سیاسی ایران (دوره جمهوری اسلامی ایران)، حسین بشیریه، مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۱، ۱۵۰۰ تومان. «دیپاچه ای بر جامعه شناسی...» سومین کتاب دکتر حسین بشیریه است. در دو کتاب قبلی درس های دموکراسی برای همه (بهار ۱۳۸۰) و آموزش دانش سیاسی (زمستان ۱۳۸۰). مهمترین مفاهیم، نهادها و فرایندهای عمومی دموکراسی و عمومی ترین نگرش ها، روش ها، چارچوب های تحلیلی در دانش سیاسی توضیح داده شده است. در این کتاب برخی از آن روش ها و چارچوب ها در باره جامعه شناسی سیاسی ایران در دوره جمهوری اسلامی ایران (تا اسفند ۱۳۸۰) به صورت کاربردی و مصداقی آمده است.

انجمن ها و مجامع مذهبی

اسنادی از انجمن ها و مجامع مذهبی در دوره پهلوی، به کوشش حجت فلاح توکدار، رضا مختاری اصفهانی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۱، ۴۹۸ صفحه. کتاب حاضر حاوی اسنادی از انجمن ها و مجامع مذهبی دوره پهلوی است که ناظر بر تکاپوی نهادهای مذهبی در مواجهه با تحولات و افکار جدید و تلاش روحانیون و جامعه مذهبی برای گسترش و توسعه نفوذ نهادهای مذهبی در حیات اجتماعی و سیاسی جامعه ایران است.

جان گریشام



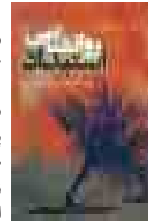
احضاریه، جان گریشام، فریده مهدوی دامغانی، نشر علم، چاپ اول: ۱۳۸۱، ۳۷۵۰ تومان. احضاریه عنوان تازه ترین رمان جان گریشام نویسنده آمریکایی است که با ترجمه فریده مهدوی دامغانی به بازار آمده است. گریشام در جمله نویسنده گانی است که آثارش در صدر کتاب های پر فروش هفتگی در آمریکا قرار دارد. احضاریه داستان زندگی یک قاضی با تفکر سنتی است که....

زندگی پائولو کوئیلو



زندگی من، خوان آریاس، خسته کیهان، انتشارات مروارید، چاپ اول: ۱۳۸۱، ۱۶۰۰ تومان. این کتاب گفت و گوی مفصل آریاس با پائولو کوئیلو است. در این گفت و گو کوئیلو با مراحل اصلی زندگی خود پرده برمی دارد و کودکی اش در ریودوژانیرو، تعلیم و تربیت مذهبی و سنتی اش و چندین تجربه اش در حاشیه زندگی و شرکت در جنبش های شورشی دهه

استبداد و روانشناسی



روانشناسی استبداد، لئو اشتراوس، محمدحسین سروری، انتشارات نگاه، چاپ اول: ۱۳۸۱، ۲۰۰۰ تومان. روانشناسی استبداد با گفت و گوی سیمونید حکیم و شاعر باهیرون فیلسوف پیرامون میث استبداد آغاز می شود و در ادامه مقدمه اشتراوس پیرامون استبداد و قرائت او از این دیالوگ را می خوانیم. نویسنده سپس به طرح روانشناسی استبداد می پردازد. مسائلی چون فرم مکالمه، دوشویه زندگی، لذت و فضیلت، قانون و فضیلت، استبداد و حکمت و تحلیل نهایی از دیگر عناوین این مجموعه است.

قصه ها و افسانه ها



قصه ها و افسانه های کاتادایی، ژرژ فردنالد، قاسم صنعوی، انتشارات جاودان خرد، چاپ اول: ۱۳۸۱، ۱۴۰۰ تومان. این مجموعه افسانه ها و قصه ها را در چهار فصل تنظیم کرده است؛ افسانه هایی از فرانسه جدید، داستان های سرخیو ستان، داستان های شکار و قصه های عامیانه. این قصه ها و افسانه ها که از زبان رادویان ساده، مردم بی ادعا و غالباً بی سواد و شاعران دوره گرد قرون وسطی که سینه به سینه و ده به ده و شهر به شهر می رفته اند، نسل به نسل انتقال یافته و ثبت و ضبط شده اند.

بیت الاحزان

بیت الاحزان، محمدرضا زاتری، انتشارات سروش، چاپ اول، تابستان: ۱۳۸۱، ۵۰۰ تومان. بیت الاحزان مجموعه چند قطعه ادبی در رثای فاطمه زهرا (س) است.

کثرت گرایی



کثرت گرایی، گرگور مک لنن، نسرين طباطبایی، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول: ۱۳۸۱، ۸۵۰ تومان. در این کتاب به صورت فشرده و جامع، مک لنن استدلال می کند که کثرت گرایی نقطه ارجاعی ناگزیر در انواع و اقسام مباحثات علوم اجتماعی است. وی درباره معانی کنونی کثرت گرایی، زمینه تاریخی و تحلیلی جامعی در بررسی خود از جنبه های گوناگون این مفهوم جالب به دست می دهد. مک لنن استاد جامعه شناسی در دانشگاه «مکسی» نیوزلند است.

تابلیه ۱۶۸

دو کتاب دکتر مصطفی ملکیان

«راهی به رهایی» و «مبصری در سپهر جان» دو کتاب تازه از دکتر مصطفی ملکیان است که انتشارات «نگاه معاصر» بزودی آن را به بازار عرضه می کند. این دو کتاب مقالات و مقالاتی در عقلایت و معنویت است.

دور کیم و باقر پیرام

«تقسیم کار اجتماعی» از آثار شناخته شده امیل دورکیم، جامعه شناس نامبردار فرانسوی، با ترجمه باقر پیرام، از سوی نشر مرکز منتشر می شود.

نقد ساعدی

روح الله مهدی پور عمرانی که پیش از این کتاب «اسفاری غریب و حیران» را در نقد و بررسی آثار پیرام صادقی نوشته بود، کتاب دیگری با عنوان «نقد و بررسی گزیده داستان های غلامحسین ساعدی» را به نشر روزگار سپرده است.

فرشته نگهبان

فرشته نگهبان اثری از کنتس دوسگور برای کودکان و نوجوانان با ترجمه محمد رضا پارسایار توسط نشر هرمس منتشر خواهد شد.

واژه نامه مطبوعات

از سری کتاب های علمی - آموزشی نشر لاجورد «واژه نامه مطبوعات» به قلم جلال الدین جلالی بزودی منتشر می شود.

حیرت بنفشه

«ادبیر حیرت» از زندگی نامه علمی و ادبی حکیم عمر خیام به قلم بنفشه حجازی است که از سوی انتشارات دانش فریار در این هفته راهی کتابفروشی های می شود.

جنایت نجیب

نجیب محفوظ برنده جایزه نوبل در ادبیات که بخشی از داستان ها و رمان هایش به فارسی منتشر شده، مجموعه داستان «جنایت» از او با ترجمه محمد رضا مرعشی پور و سنا نصاری توسط نشر شادگان به بازار خواهد آمد.

تابلوا

نشر میرکسری مجموعه قصه های کوتاه روح الله مهدی پور عمرانی را با عنوان «تابلوا» در دست انتشار دارد.

مهره های شیشه ای

«بازی مهره شیشه ای» یکی از معروف ترین رمان های هرمان هسه با ترجمه عبدالحسین شریفیان از سوی نشر اساطیر در این هفته منتشر خواهد شد. پیش از این عبدالرحمن صدریه ترجمه دیگری از این اثر را با عنوان «بازی مهره های شیشه ای» توسط نشر فردوس منتشر کرده بود.

خانه سبز عسل

دومین رمان مهدی اعتمادی در ماه جاری با عنوان «خانه سبز عسل» توسط نشر علم در این هفته به بازار می آید.

۴۴ قصه آندر سن

۴۴ قصه از هانس کریستین آندرسن پس با ترجمه محمد رضا شمس و تقاشی های محسن حسن پور از سوی نشر قدیانی در این هفته راهی کتابفروشی های می شود.

لک لک ها

لک لک های می توانند، عنوان اثری داستانی از حجت الله تجلی را نشر لاجورد در دست انتشار دارد. همین ناشر مجموعه شعر «شبنه تا دوشنبه های زمستانی» اثر محمد شرفی را نیز منتشر خواهد کرد.

پژوهش های ایرانشناسی

نامواره دکتر محمود افشار با عنوان «پژوهش های ایرانشناسی» که شامل سی و هشت مقاله به اهتمام ایرج افشار است با همکاری کریم اصفهانیان توسط بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی بزودی منتشر خواهد شد.

جامعه مدنی

«جستاری در جامعه مدنی» عنوان اثری از علیرضا قاسمی فر توسط انتشارات نگاه سبز در دست انتشار است.

پنج گلوله برای شاه

گفتگوی محمود تربتی با عبدالله ارگانی تحت عنوان «پنج گلوله برای شاه» توسط انتشارات خسته بزودی منتشر خواهد شد. پس از واقعه ترور محمد رضا شاه در دانشگاه تهران در سال ۱۳۲۷ او کشته شدن ضارب - ناصر فخر آرای - در همان محل، عبدالله ارگانی عضو حزب توده و نزدیک ترین دوست ناصر فخر آرای، به جرم کمک به ضارب به مدت ۱۲ سال به زندان و تبعید محکوم شد. ارگانی پس از ۵۰ سال در این کتاب حقایق پشت پرده این ترور را روایت می کند.

فرهنگ توصیفی آواشناسی

«فرهنگ توصیفی آواشناسی» اثری از دیوید کریستال و با ترجمه محمد فاض و خلیل میرزایی توسط انتشارات نگاه بزودی منتشر خواهد شد.

مسابقه پیروزی

«مسابقه پیروزی» عنوان کتاب تازه ای از قاسم صنعوی است که انتشارات سروش در دست انتشار دارد.

آقای رییس جمهور



سفر خوش آقای رییس جمهور، حسین بیات، سیند هنر، چاپ اول: ۱۳۸۱، ۵۷۰ تومان.

این کتاب مجموعه ای از طنزهای سیاه حسین بیات متولد ۱۳۶۶ است که در حیطه اجتماعی و سیاسی قلم زده است. بیات در مقدمه پیرامون طنز نویسی در ایران، چند شرط به طنز نویسان پیشنهاد می کند از جمله اینکه: با جزر و مدهای سیاسی هماهنگ شوند و در پایانه عمری یا وقتی که بند ناف استخوانی اش پاره شد به این کار دست بزنند. توبه نامه ای در تمام جیب هایش گذاشته و یکی هم در آستین محض احتیاط جاسازی کند و...

ناشران محترم

مهری کتاب